



اخبار

کارگران همه کشورها متحد شوید!

دوره دوم سال هشتم ★ ارگان سیاسی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) ★ قیمت: شماره ۴۳ ۸۰ ریال شماره مهرماه ۱۳۶۶

«صدای کارگر» دومین سال فعالیت خود را آغاز میکند

در صفحه ۲



رفیق احمد همین

عقب نشینی به میان توده ها،
یا عقب نشینی از میان توده ها؟!
در صفحه ۲۱

ادامه جنگ ارتجاعی با شعارهای عوام فریبانه «ضد امپریالیستی»

را دنبال می کنند؟ آیا خودشان می گویند برای
نا من آزادی کشتی رانی در خلیج فارس و دریای
عمان ، که در نتیجه گسترش جنگ ایران و عراق به
در سایه مخا طره افتاده است ، بیان منطقه
آمده اند ، اما اکنون همه دسا می دانند که "تا مبن
آزادی کشتی رانی" بیان های سش نست بلکه
هدف اصلی امپریالیسم آمریکا از حضور در خلیج فارس
دفاع از گورهای ارتجاعی منطقه می باشد . زیرا
تهدید آزادی کشتی رانی در خلیج فارس تا زگی
بقیه در صفحه ۳

خلیج فارس و دریای عمان ، با سوری
نبر ی نظامی امپریالیسم آمریکا و امپریالیسم
فرانسه و انگلیس و سایر ای از متحدان آنها در ناتو،
به نظامی ترس و انفعال را مزترین نقطه در
آنها ی سر! سرچنان تبدیل شده است ، اکنون
سش از صد کشتی جنگی و مین روبرو در این منطقه
جمع آمده اند و بیش از چهل هزار نفر از نیروهای
نظامی ناتو ، که بخش اعظم آنها با امپریالیسم
آمریکا تعلق دارند ، در اینجا مستقر شده اند .
امپریالیسم استیلا با تجمع این همه نیرو در منطقه چه هدفی

بحران اقتصادی و مسئله مبارزه با گرانفروشی

تصور مبارزه با گرانفروشی همگنان
داغ است . رسانه های گروهی رژیم بر سر اصل
کتف و دستگیری محکوم و متخلف و مغتلس و حاحل
کوبی و عسره ها هوس راه انداخته اند . این همه
هما هوالت سرسریح سبت ، در نهایت ای اخیسر
رسم سرابن بوده است که ما اوج گیری بحران
افتخادی و خموش شدید بحران نفت ، دولت پاکه
در ایران اساسا سرفست متکی هستند ، بگ
سفتند که چرا با بحران و در نتیجه شاعت و سرفست
مردم را تنها شی بدوش بکشند . چرا با اصطلاح "جیب
سوزو ها را محاصره نکنند" و ختم توده ها را که فشار
بحران اساسا بدوش آنهاست ، موقتا هم شده متوجه
آنها نکنند . کارزار نمایشی مبارزه با گرانفروشی
در اواخر دوره شاه ، هاهوی منا به رژیم در نهایت
۶۶۰۲ همه سرچسب با بهای قرار داده اند ، اما
این با بحران از نوع دیگری است و نمایش به
یک تعزیه واقعی تبدیل شده است . جنگ ۷۴۱ بوده
حاری دولت را می بسند ؛ و نفت ، اسن تنها درآمد
واقعی دولت ، اکنون تنها ۲۲ درصد درآمد های دولت را
بقیه در صفحه ۴

دین باید از دستگاه آموزش جدا گردد!

به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید
آغاز سال تحصیلی جدید ، حدود دوازده
میل ، دانش آموزان شور و شاد به پشت سمک ها
فرا خوانده است ، رژیم جمهوری اسلامی همچون
سالبان سش قعدا رده که از این سال تحصیلی سر
هر چه سش در جهت سازگرا شدن کشور
تا ریک اندیشی قرون وسطایی و کسل سوحواسان
و جوانان به حسیه های بی سازگنت جنگ ارتجاعی
ببیره سرداری کند . رژیم اسلامی می گویند سحذی
سختیائی از علوم که ما معتقدات مذهبی خوانائی
ندارند ، با ترویج خرافات و اعتقادات ارتجاعی ،
تحریف و جعل تاریخ و احیاء سش سوسده قسرون
بقیه در صفحه ۲۳

ریشه ها و چشم اندازهای مبارزه انقلابی - دموکراتیک در گره جنوبی

در صفحه ۶

مواد مخدر ، مبارزه یا معامله؟! در صفحه ۱۷

وضع دهشتناک دارو و درمان در صفحه ۱۳

علت سیل اخیر در کشور، بی حجابی بوده است!

در صفحه ۳

اخبار مبارزات کارگران و زحمه کشان

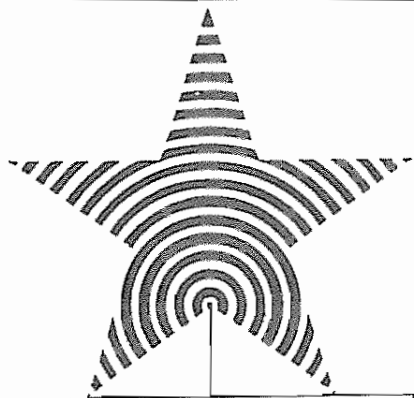
درباره های سیگت

در صفحه ۱۴

عملیات مشترک پیشمرگان

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
و چریکهای فدایی خلق ایران
در منطقه پیرانشهر
در صفحه ۲۰

صدای کارگر دومین سال فعالیت خود را آغاز میکند



صدای کارگر
رادیوی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

انقلابی خلق های تحت ستم ایران و روزهای جمعه به مسائل بین المللی، هنر و پلمیک های سیاسی - ایدئولوژیک اختصاص می یابد. صدای کارگر در بخش اول برنا مه های خود توجه ویژه ای به هنر در عرصه های موسیقی، شعرا و دبیرسات مبدول داشته و تلاش میبوزد هنر را در تمام عرصه های خود همچون سلاخی کارآیند در مبارزه علیه رژیم فاشیستی و ولایت فقیه بکار گیرد.

بخش دوم صدای کارگر نه فعالین سازمان و جنبش کمونیستی و انقلابی اختصاص یافته است. برنا مه فعالین شامل آموزش برنا مه و تاکتیک های سازمان دور و در طی هفته، آموزش مسائل مربوط به سازمان ندهی حزبی، مسائل امنیتی و تشکیلاتی، دور و در هفته و پلمیک های سیاسی و ایدئولوژیک هر روز در هفته می باشد. در پایان این بخش از برنا مه صدای کارگر "پیام های سازمان بخش می شود.

"صدای کارگر" از طریق کمک های سدیدین اعضا، هواداران و حامیان سازمان تأسیس شد و سبزه رفقای کمیته گردستان سا اینا رفودا کاری کم نظیری شراط مناسب برای راه اندازی و استمرار فعالیت آنرا فراهم ساختند. سازمان ما ضمن قدر دانی از تلاش طاقت فرسا و شایسته روزی هیئت کارکنان سیاسی، تولید و فنی "صدای کارگر" که در سخت ترین شرایط برنا مه های رادیوئی سازمان را در کلیه حوزه ها ارتقا داده اند همه اعضا، هواداران و حامیان سازمان را فرا می خواند تا با تدوم و گسترش کمک های مالی خود و ارسال هر چه بیشتر اخبار مبارزات کارگران و زحمتکشان به ادارات و تفویض کیفیت "صدای کارگر" باری رسانند.

در ۸ مهرماه ۱۳۶۵ صدای کارگر رادیوی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) برنا مه آزمایشی خود را آغاز کرد. در آغاز راه، مدت زمان برنا مه های آزمایشی "صدای کارگر" نسبتاً کم بود که در ساعت ۹ شب و تکرار آن در ساعت ۱۲ صبح روز بعد پیش میگردید. از اول دی ماه ۶۵ مدت زمان برنا مه به ۴۵ دقیقه افزایش یافته و کیفیت فنی آن نیز تقویت شد. صدای کارگر با تقویت سیاسی و تجهیز فنی از ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۶ روز جشن بین المللی طبقه کارگر برنا مه های رسمی خود را آغاز کرد. مدت زمان برنا مه رادیوئی "صدای کارگر" از ۴۵ دقیقه به یک ساعت و نیم افزایش یافت و ساعت بخش آن نیز از ساعت ۹ شب به ۹ شب تغییر یافت. ترکیب برنا مه های رادیوئی "صدای کارگر" بترتیب زیر می باشد: هر برنا مه رادیوئی از دو قسمت اصلی یعنی بخش اول شامل برنا مه عمومی و توده ای و مدت ۴۵ دقیقه و نیز بخش دوم برنا مه برای فعالین، بحدت ۴۵ دقیقه تشکیل می شود. در بخش اول برنا مه برنا مه توده ای "صدای کارگر" که برای کارگران و زحمتکشان پیشرو و زنده و عموم توده های مخالف رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی تهیه می شود ابتدا اخبار مهم سیاسی کشور و همچنین اخبار مهم بین المللی بخش میگردد. پس از اخبار، گزارشات خسری و در متن آن تبلیغ شعارها و تاکتیک های سازمان، بخش بعدی برنا مه توده ای "صدای کارگر" را تشکیل میدهد. "صدای کارگر" بطور روزمره تقریباً تمام حوادث مهم کشور را مورد ارزیابی قرار داده و مواضع سازمان ما را در قبال آن اعلام میدارد و بدین ترتیب بذراگهی انقلابی و کمونیستی در میان کارگران و زحمتکشان در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق را می پراکند. در بخش برنا مه توده ای روزهای جنبه مسئله جنگ ارتجاعی ایران و عراق، روزیکشنبه تبلیغ خط مشی سازمان برای سازمانگری جنبش کارگری، روزهای دوشنبه تجلیل از شهدای سازمان، دفاع از زندانیان سیاسی، افشاگری چهره های سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی و دفاع از مستلذنان، روزهای سه شنبه طرح مسائل مبارزات جاری طبقه کارگر، روزهای چهارشنبه افشاگریهای عمومی و همه جانبه رژیم ولایت فقیه در عرصه های گوناگون زندگی اجتماعی، جنگ و مسئله سرکوب روزهای پنجشنبه دفاع از جنبش

رفیق احمد همین

می داشت. احمد در دوره انقلاب همه جا در کنار مردم مبارزه کرد و تلاش نمود که این مبارزه را بیشتر آگاهانه تر از دوسال زمان بدهد. با شکست انقلاب و حاکمیت رژیم "ولایت فقیه" بدوش خود وظایف سنگینی را احساس می کرد و با بدوش خود برای مبارزه در شرایط نوبن مهیا می ساخت. چون او فقط انقلابی دوران آن زمان مبارزه نبود. احمد از زندگی سیاسی دوران زندان و بیوزنه طوفان یک انقلاب توده ای آنقدر آموخته بود که همبسته تنها شی جنگیدن را بی فایده بداند و همبسته چشم بسته با همزمان و جریان مدعی مبارزه را بغیرا مولی. برای او "حرکت همه چیز و هدف هیچ" معنا نداشت و از سوی دیگر هدف را با مبارزه زمان نیافته برای تحقق آن ملازم میدانست. پس با اعلام موجودیت راه کارگر، او راه کارگری شد و تا لحظه ای که در با شش سال ۶۵ به هنگام اجرای یک قرار دستگیر شد و در دست جنرال و زینت سید به خواجه آتش سپرده شد، همچنان راه کارگری باقی ماند. گرا مبداءت خاطر احمد، گرا مبداءت خاطر همه کمونیستهای قهرمانی است که جنگیدند و سربا ختنند تا طبقه کارگر به میدان بیاید و با سازمان ندهی انقلاب و کسب قدرت سیاسی، حاکمیت خود را تحقق بخشد. خاطر اش گرامی باد.

سطح جنبش و سطح تجربه آن، در سالهای سیاه اختناق، عمدتاً تبلیغ و افشاگری علیه رژیم مستعانه می بود و در این رابطه گروه چندا علامیه منتشر کرد. آنها اولین گامها را بر میداشتند که در سال ۵۱ با یورش ساواک مواجه شدند. همه اعضا گروه و از جمله رفیق احمد دستگیر شدند. احمد در بازجوئی، قهرمانانه مقاومت کرد و به همین خاطر جزو سه نفر از کسانی بود که بیشترین محکومیت را گرفتند و در سال ۸ زندان محکوم گردید. احمد بعد از زندانی شدن به زندان عادل آباد شیراز انتقال یافت و تا آزادی ۵۷ روزها نشانی که در اثر شکنجه قهرمانانه خلقهای ایران دیوارهای سنگین سلطنت و سرمایه و زندان ترک برداشت و توده های میلیونی با فریادهای بلند "زندانی سیاسی آزاد! دبا بیدگرد! در زندانهای شاه چنان بکند! شکستند! در همانجا ماند. در این روزهای طوفانی که خلقها و طبقه کارگر کشور ما انقلابی بزرگ را تجربه می کرد، احمد مانند ما و سرفرازها آتش غمخواران با زنگت تا چونان همیشه با و روان با شد و دوشادوش و سببا پیش آنها سا هر آنچه مانع رها می است بحتند. خانه کوچک احمد در این روزها مساعده گاه همه مردمی بود که دوستش میداشتند و دوستش

رفیق احمد همین در سال ۱۳۳۲ در یک خانواده زحمتکش در همدان متولد شد. پدرش بسا شغل تعمیر لاس به سختی از عهده تامین مخارج خانواده برمی آمد. او تنها پسر خانواده بود و بدین خاطر مادرش بویزه فوق العاده و علاقه مند بود. بی تردید زندگی در چنین خانواده ای تاثيراً مشخص خود را در تکوین شخصیت انقلابی احمد حوان بجا گذاشت و او از نزدیک واقفیت دردناک فقر و محرومیت در یک جامعه طبقاتی را با گوشه است و پوست خود احساس کرد و از طبقات ستمگرو حامیان آنها کینه ای سخت در دل گرفت. در او با خرد و در درستان تحت تاثير دوش از دبیران مترقی خود بسوی سیاست و مبارزه روی آورد. او اکنون مضم بود تا از درس زندگی و درس معلمان خود، خمیرمایه ای برای مبارزه انقلابی بسا زد و برای آزادی طبقه کارگر و زحمتکشان و نایب بودی سرمایه بچنگد. در این راستا احمد به همراه عده ای از رفقای خود گروهی تشکیل داد. کار این گروه با توجه به

ادامه جنگ ارتجاعی با شعارهای عوام‌فریبانه «ضد امپریالیستی»

دنیاله از صفحه ۱

ندارد و فقط در همین سی ماه اخیر ظاهر شده است. ایران و عراق مدت‌هاست بمنظور ضرب زدن بر منافع همدگر در خلیج فارس، هرکشتی بطون سه همکار را با طرف مقابل را مورد حمله با زورسی قرار می داده‌اند. حوا قدرتهای امپریالیستی قبلاً به فکر دفاع از آزادی کشتی رانی در خلیج فارس نبودند؟ در واقع، قتل‌دگرگرم‌گرم "جنگ تانکرها" در خلیج فارس و بازرسی‌های دریایی ایران در تنگه هرمز، دولت‌رگمان برای تقویت "حناح ممانه‌رو" در رژیم جمهوری اسلامی مشغول معاملات سنگینی با این رژیم بود؛ دولت‌تپایی سابق و لاحق مرا نه برای "عادی سازی" روابط با رژیم اسلامی تلاش می‌کردند و تمام انفجار رهایی و حشانه در برابرش و شیوه‌های دیگر فرانس را به ریش ترورستیهای لبنانی - خانواده عبدالله - می‌بستند و تمام ناز و کوشش‌های رژیم فقیر را با کشتار روشی تحمل می‌کردند؛ بدولت انگلیس برای سپر روابط و رفع کدورت‌های سابق با رژیم اسلامی تلاش می‌کرد و بزرگترین مرکز خریدهای تسلیحاتی رژیم در لندن مستقر شده بود.

بررسی اوضاع سیاسی عمومی خاور میانه و سوبژه کشورهای منطقه خلیج نشان می‌دهد که بسیاری از رژیم‌های ارتجاعی این منطقه در وضع شکننده‌ای قرار دارند و احتمال تکون و گسترش بحران انقلابی در باره‌ای از اس کشورهای سار نیرومند است. این مهم‌ترین عاملی است که امپریالیسم آمریکا و متحدان آن را در نونگران می‌سازد. آنجا بستر از هر چیز برای مقابله با حسن تحولات احتمالی است که محور مستقیم نظامی خود را در منطقه تقویت می‌کنند. نیروهای امپریالیستی و مخصوص نیروهای آمریکایی برای تک‌ماموریت موقت به خلیج فارس نامده‌اند، آنجا تا من آزادی کشتی رانی در این منطقه را بجا نه قرار داده‌اند تا قدرت واکتس خود را در مقابل

هر نوع روه‌اد "نا مطلوب" در منطقه تقویت کنند. در ده‌ها له‌قبل از انقلاب ایران، دفاع از منافع امپریالیسم جهانی و ارتجاع منطقه، سعی شده رژیم دیکتاتور شاه واکذا رنده بود و با منافع رژیم بر منافع طرح معروف امپریالیسم آمریکا که اصطلاحاً "دکترین نیکسون" نامیده می‌شود، واندازم منطقه محسوب می‌شد. سندا زانقلاب ایران و سپیم خوردن آرایش قوا در منطقه آمریکایی‌ها در صده تقویت نیروی نظامی خود در منطقه سرآمدند تا از این طریق بتوانند "حله" ناتو از انقلاب ایران را سرکنند، ایجاد "نیروی واکتس سریع" آمریکا در منطقه، که سندا "فرماندهی مرکزی" نامیده شد، و دقیقاً به همین منظور صورت گرفت. از انقلاب ایران با سوسو، آمریکا شان همیشه دنبال فرصت و پیمانهای بوده‌اند که حضور خود را در منطقه هر چه بیشتر تقویت کنند و در این جهت الحقیح هیچ فرصتی را از دست نداده‌اند. اگر قلاما جرای گروگان‌گیری و اختال سفارت آمریکا در ایسن راستا فرصتی طلایی برای آمریکا بوجود آورد، اکنون ادا به جنگ و بازرسی‌های دریایی در خلیج فارس و با سراسر اقدامات عوام‌فریبانه رژیم خمینی، سیاستی ما ننندی بدست امپریالیسم آمریکا داده‌است تا محور نظامی مستقیم خود را بدون هیچ ملاحظه‌ای در خلیج فارس و دریای عمان تقویت کند. در این میان رژیم خمینی برای سز بردن صدا ارتجاعی خود، همیشه کوتیده‌است و می‌کوشد راه‌اندازی عوام‌فریبی "عوا امپریالیستی"، توده‌های ناآگاه را به حماست از خود بکشانند. اما حقیقت این است که جمهوری اسلامی همیشه آکه مره‌ای بر منافع امپریالیسم و اردگرده‌اند، ربه تقویت محور مستقیم آن در منطقه فرا هم کرده‌است. مردم مساهما جرای گروگان‌گیری را فراموش نگرده‌اند. در آن سالما که عوام‌فریبانه که اساساً برای مسخر کردن جنبش انقلابی مردم ایران و سرکوب

نیروهای انقلابی طراحی شده بود. جمهوری اسلامی نه تنها مره‌ای بر منافع آمریکا و اردنسا وارد، بلکه مساهما ردها دلار از دارایی‌های کشور ما را به آمریکا می‌ها واکذاست. واکتسون دگر در شما مدنا روش شده‌است که ما زنی رژیم جمهوری اسلامی در الجزیره با امپریالیسم آمریکا، قرارداد دخانکارانه‌ای در حد امتنا زده‌های دوره کلاسیک استعمار می‌سوده‌است. در حال حاضر نزن تمام هها عوام‌فریبی‌های "عوا امپریالیستی" رژیم که صرفاً بمنظور بسیج نیرو برای ادا به جنگ ارتجاعی ایران و عراق صورت می‌گیرند. ننه تنها مواضع آمریکا و ارتجاع منطقه را تضعیف نمی‌کنند، بلکه توجیهی برای تقویت حضور امپریالیست‌ها در این منطقه فراهم می‌سازند. اقدامات جنون آمیز رژیم در چند ماه اخیر، از منس گذاری آسیای خلیج فارس و دریای عمان گرفته، تا فراموردن زمینه‌کشتارمکه، فقط و فقط زمینه تقویت حضور مستقیم نیروهای نظامی امپریالیست‌ها در منطقه تحکیم کرده‌اند. رهبران جمهوری اسلامی نقداً ایسن روبا روشی با امپریالیسم آمریکا و متحدان آنرا، نعمت و سرکتی برای خود می‌نگرند و می‌کوشند راه‌انداز ختن سالما که "عوا امپریالیستی" برای ادا به جنگ نیرو بسیج کنند. در جنبش شرایطی و ظنغه کمونسنت‌ها و تمام نیروهای انقلابی است که ما هست ارتجاعی و عوام‌فریبانه‌اس سالما که "عوا امپریالیستی" را ما شما منروا فشا کنند و سکا رند رژیم جمهوری اسلامی با حربه‌ای دگر ادا به جنگ ارتجاعی و حانما نوزرا ممکن سازد. ننه راه‌مانرزه واقعی با امپریالیسم جهانی، سرکردگی امپریالیسم آمریکا و تنبهار راه مقابله با ارتجاع و صدا انقلاب در منطقه، برای طبقه کارگر و حمتکتان ایران، دست یافتن به اراده آزاد انقلابی و حق تعیین سرنوشت خودشان است. و اسن جزا ز طریق سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی امکان ناسندراست.

حزب اللیبی ناسف، با اسن ریشه بابی از فاحه، به یک ترسه نشان می‌زند؛ اولاً اسن خرافه را ترویج می‌کند که کوباسل، یک محازات اللیبی برای انسانیت؛ ثانیاً مسئولیت را از گردن حکومت اسلامی (که دست به تدا سروتاسات بشکیرا به ننده‌است) می‌سازد؛ و ثالثاً می‌کوشد ختم و اعتراض مردم را از رژیم به سوی خود مردم سرگرداند و از اسن ختم، برای بسرد ساسست تسلطی و عوام‌فریبانه رژیم اسلامی که سام‌سارزه با گرابی و گرانفروشی، با ساسا دستفروشان و خرده‌فروشان را از سر صرب سزده‌است؛ و همچنین برای بسرد ساسست ارتجاعی و ضد انسانی رژیم اسلامی در سرکوب آزادی‌ها و حقوق انسانی و اجتماعی زنان کشور بهره‌برداری کند. با اینهمه استعداد در عوام‌فریبی و با اینهمه می‌شومی وی شومی، آبنده در خنانسی در جمهوری اسلامی می‌توانست در انتظاریسن حزب اللیبی نمونه باشد، ولی افسوس که خود جمهوری اسلامی دیگر آبنده‌ای ندارد!

علت سیل اخیر در کشور، بی‌حجابی بوده‌است!

سل فاحه ما را خسر در کشور که از جمله در تهر ان تلفات حاسی و ویرانی‌های بی‌ساقه‌ای به ما آورد، غلب همه مردم را به درد آورده و ختم عمومی را نسبت به بی‌مسئولیتی وی اعتنائی رژیم اسلامی در قبال اینگونه حوادث را نگخته‌است. سردمداران رژیم نبره یک به نوعی و سلسول به عوام‌فریبی تلاش کرده‌اند مسئولیت اسکونه فحاح را از گردن رژیم برداشته و ختم مردم را بخوانا نند. در اسن میان قائم مقام فرماندهی کعبته انقلاب اسلامی شمرانسات اسندا در حزب اللیبی کم‌نظیر را از خود سروز داده‌است. وی در محاحه‌ها "رالت" (سرداد) مقصرین سیل اخیر را چنسن معرفی می‌کند: "ساعود گرانفروشان و محتکران و سزبی حجابهای کشف در سطح شهر، با بد منظر جنسن حوادثی در اسن فصل ساشم."

مرك بر جنك!

زنده باد صلح!

زنده باد

انقلاب!

دنباله از صفحه ۱

بحران اقتصادی ومسئله

مبارزه با گرانفروشی

تشکیل میدهد. دولتی چنین ورشکسته، چه دارکسه با آن حقوق کارکنان را برداخت کند، کالابرای صنایع و مصرف مردم واردکننده هزینه های جاری برای اداره کشور را بپردازد؟ آنهم دولتی که بیش از ۴۷ درصد کارگران صنایع بزرگ را در استخدام دارد؟ برای این مبنایست که رژیم به غارت دستمزد کارکنان خود و مردم فقیر زده روی آورده و اداره کشور را بکلی رها کرده و مردم فقیر زده و در مانده از تهیه اولیه ترین مایحتاج زندگی، در محاصره عسوا رض ناشی از سوء اداره کشور در آمده اند و اخباری از قبیل سیل (ناشی از عدم لایروبی)، شکستن سدهای تعمیر نشده و بریا در فتن کشت و خاشاک مردم، آفت زدگی مزارع و مرگ حیوانات جنگلی و بیارکها بعلت عدم مسپاشی و... به اخباری روزمره تبدیل شده است. و این همه در حالیکه بورژوازی با زار به شکرانه جنگی که برای آنها رحمت و نعمت است، اکنون بیش از پنج برابر بودجه سال ۶۶ دولت موسوی، نقدینه در دست دارد و به کمک چنین سرمایه ای، به غارت تمام مانده سفره مردم مشغول است. همبستگی دولت و بورژوازی در مقابل مردم، اکنون چنین وضعی بوجود آورده: دولتی ضعیف و ورشکسته، و بورژوازی فربه و نیرومند. با اتکا بر چنین شرایطی است که بورژوازی با زار فریاد میزند: "دیگردوران دولت سالاری بی پایان رسیده است" و اکنون چند سال است - یعنی درست از شروع تهاجم جدید بحران در سال ۶۳ - فشار خود را بر دولت موسوی بشدت افزایش داده و خواهان در دست گرفتن مستقیم اهرم های اجرائی بخصوص اهرم های اقتصادی است. در این شرایط، کارزار مبارزه با گرانفروشی در دست دولت موسوی به وسیله های تبدیل شده است برای اولاً منحرف کردن ذهن توده خشمگین از مسئولیتی که خود دولت و جنگ خانمانسوز رژیم، در ایجاد گرانفروشی و فلاکت مردم بعهده دارند و ثانیاً عقب راندن حریف بخصوص در آستانه انتخابات مجلس.

اما درست همان منافع مشترک دو جناح در مقابل مردم یعنی حفاظت از نظام بحران زده و وابسته سرمایه داری از یک طرف و دفاع از رژیم اسلامی و جنگ خانمانسوزش از طرف دیگر است که این کارزار را به نمایش می آورد. بنابراین آنها گرچه یکدیگر را افشا میکنند، مقاصد رازاز هم می ربایند، اختیارات را از یکدیگر سلب میکنند و در این میان احیاناً عناصری هم به زندان افکنده

میشوند یا جریمه می شوند. ۱۰۰۰ ما هرگز - زنان ندادند بطور واقعی دست بکنند بقیه شوند. بنا به تعبیری از ما رکن دعوی آنها "حکایت دو حرفی است که داشتم بر سر هر چیزی می خوانند و آسمان و زمین می بافتند؛ هر کدام - شان دم به دم سلاح خود را می اندازند تا سلاح دیگری را برگزید و جفت شان عرضه دست به بقیه شدن را ندادند نه فقط از آن رو که داده نام سلاحشان را عوض می کنند بلکه به این دلیل که در واقع دو طرف جوی ایستاده اند و دعوا میکنند، نه روی یک میدان. در میدان مردم ایستاده اند و مشت دو حرفی بر سر مردم فرو می آید.

برای اینکه ما هیت این کارزار را بشناسیم روشن شود، باید ببینیم آیا گرانی، ناشی از احتکار و سودجویی بازاریان است یا احتکار و سودجویی بازاریان ناشی از گرانی است؟ چرا دولت یک بورژوازی فربه را ایجاد کرد؟ چرا ما دله کالا و واسطت بین بازاریان را حذف کردیم و صرفاً با سرمایه داران بازی سپردیم؟ و اکنون در درگیری با بازاریان چگونه رفتار می کنید؟ ما را به لاپرواہی کنید، که چطور شد که دولت "مستضعف پناه" بناگاه مستکبرین شده است، بطوریکه خود دولت ناجا شده است برای کنترل اجرای قوانین بازرگانی و محازات متخلفین قانونی - امری که از وظایف پیشین با افتاده هر نوع دولتی است، به فتوای ولایت فقیه منوئل شود و تمام قوانین و بنیادهای دولتی و قضائی را دور بزنند.

نقش دولت در گرانی

عشق تقاضا برای کالا در بازار ایران بالاست و کالا کمیاب، بدیهی است وقتی کمیاب شود، کالا گران می شود. آیا کمیاب شدن کالا ناشی از تقلب و احتکار در بازار است؟ بعبارت دیگر تا زمانی که سیستم توزیع - ناشی از کارهای تولیدی با هدف تولید در تولید کشور نقش مسلط را دارد، بنا بر ما خود سالنامه آماری ۱۳۶۲، دولت در سال ۶۲، مجموعاً ۹۸۶ بنگاه بزرگ صنعتی (بیش از ده نفر) را در اختیار داشت که گرچه از نظر تعداد ۱۲/۸ درصد بنگاه های بزرگ صنعتی را تشکیل میداد، اما مجموعاً ۶۷/۲ درصد مزد بگیران این نوع کارگاهها را در استخدام داشت که تقریباً ۶۷ درصد ارزش کل تولیدات و ۶۸/۸ درصد ارزش افزوده را تولید میکردند. علاوه بر این دولت سالها ۱۵-۱۰ میلیارد دلار کالا وارد می کند که حداقل ۱۰ میلیارد آن کالاهای مصرفی است و اساسی ترین آنها توسط خود دولت و برخی توسط تعاونی ها توزیع میشود. نگاهیهی به وضع توزیع چند رقم کالای ضروری که توسط وزارت بازرگانی توزیع شده، تصویری از کمبود را بدست میدهد (جدول شماره ۱):

جدول شماره ۱

جرج	روغن	مرغ	تخم مرغ	قند	کره	جای
۲۹۷۸۶۹۰۹۲	۲۲۸۳۱۲۸۹۹	۲۶۷۶۱۰۰۰۰	۲۴۹۰۸۸۲۰۲	۶۶۰۳۱۵۰۰۰	۷۷۲۵۲۸۸۳	۶۲۴۵۳۴۵۱
۶/۸	۹/۸	۶/۶	۲/۷	۱۵/۲	۱/۷	۱/۵

سال ۱۳۶۳. جمعیت کشور ۴۴۴۱۴۰۰۰ - ما خدایمانه ما را ۱۲۶۲ - مقدار سه کیلو

این ارقام بوضوح شدت کمبود اساسی ترین کالاها را نشان میدهد. اگر مصرف سرانه برنج هر نفر را در سال حداقل ۴ کیلوگرم بگیریم، عددی که حتی مقاصد فدرمومی رژیم بعنوان حداقل لازم برای هر فرد می پذیرند، دولت یک پنجم آن را توزیع میکند، برای هر شخصی در ماه نیم کیلو مرغ و حدود ۵۰۰ گرم تخم مرغ و ۱۲۵ گرم چای توزیع شده است. تازه اینها آن نوع کالاهای است که رژیم رقم اصلی واردات ما بحتاج زندگی را به آن اختصاص میدهد، اگر مصرف عمومی را از این توزیع کم کنیم و نیز ساخت اجتماعی ایران و اختلاف فاحش طبقاتی و سوء استفاده و توزیع نابرابر در نظر بگیریم، آنگاه درخواستها بسیار است که چگونه برای میلیونها زحمتکش ایرانی مرغ و تخم مرغ و کره تنها در روپا های خوش ظاهر میشود. نگاهیهی به وضعیت توزیع کالاهای غیر اساسی توسط تعاونی ها، شدت کمبود کالاهای ضروری تر و به نمایش میگذارد، بخصوص اگر در نظر بگیریم که تعاونی ها عمده ترین مراکز هستند که کالاهای دولتی یا واردات دولتی را به نرخ دولتی به فروش میرسانند و به گفته کیچان تا پایان سال ۶۵ با تعداد ۱۸۰۰۰۰ واحد و ۹ میلیون عضو بیش از ۳۷/۵ جمعیت کشور را زیر پوشش میگیرند (جدول شماره ۲)

اگر بایده برای خرید یک رادیو ضبط از مراکز وابسته به دولت و با نرخ دولتی بیش از طول تاریخ تمدن بشری سرگرد، بازرگانی که آنرا فوراً در اختیار قرار میدهد، چقدر میتواند بر قیمت آن بیفزاید؟ و اگر رادیو ضبط یک کالای تجملاتی است به تئوسا و رچطور؟ بنا بر این تکیه نگاه بازرگان کمبود کالا است. "بازاریان محترم" که این همه مورد علاقه خمینی هستند، به آن دلیل جنس را به بستومی برند، که در پیشخوان مغازه های دولت که خود بزرگترین تولیدکننده و واردکننده و توزیع کننده کالاست چیزی نیست. بعبارت دیگر احتکار موجب گرانی کالاست. کمیاب بودن کالا موجب احتکار است و فرمت طلبی و سودجویی دورکن اساسی بازرگانی، کاهش مداوم تولیدات داخلی و کاهش منابع ارزی برای واردات کالا علت کمبود کالاهای وارداتی کشور است. سیاست های فدرمومی رژیم در حفاظت از سرمایه داری بحران زده ای که از شاخصهای تحویل گرفته بود و تکمیل جنگی فرسایشی که بنحوی سرسام آورده و منابع ارزی کشور را می بلعد، این اقتصاد بحران زده، تولید داخلی را بکلی از هم پاشیده است. دستگا و عظیم اقتصاد که از شاخصهای وارث اسلامی اش رسید خود دچار بحران بود. خروج از بحران البته دوراها داشت: نابودی سرمایه یا نجات سرمایه از بنظر یک کسه دولت ابزارهای مالی قدرتمندی را که در اختیار داشت، در جهت رفع موانع و محدودیت های سرمایه گذاری بکار میگیرد، قدرت خرید را جسی نفت را صرف واردات مورد نیاز زکاتخانه های وابسته کند و ارتباط سرمایه داران داخلی را با

دولت بسیار متمرکز و سرکوبگر، سرمایه‌خارجی بصورت قرضه‌های دولتی، سرمایه داخلی انحصار گرفت، از اینرو، انحطاطات چندملیتی، برخلاف آمریکا لاتین، در ابتدا کمتر در این کشور سرمایه‌گذاری مستقیم داشتند.

دولت کودتائی ژنرال بارک چونگ هسی، که در ۱۹۶۲، بعنوان پرچمدار میانه‌رو یا کمونیزم در کره شمالی، قدرت دولتی را بدست گرفت، سیاست اقتصادی تا کید بر صنعت بزرگ، تکیه بر صادرات، دستمزدهای بسیار پایین را در پیش گرفت، بنابراین، گسترش سرمایه‌داری اساساً بشیوه سوروکراتیک و توسط دولت پیش برده شد. دولت

شرکت چندملیتی کره، جزو ۵۰۰ شرکت مهم چندملیتی بوده و گروه صنعتی - تجاری سان کی یونگ، که در ۱۹۵۳ تا ۱۹۵۴ میلادی در ۶۲ میلیارد دلار حجم معامله، مقام ۱۲۲ از ۵۰۰ شرکت لیست محله فورچون آمریکا را بخود اختصاص داد. تراکم نیروی کار در این شرکت‌های چندملیتی کره‌ای نیز در مقیاس بسیار بالایی می‌باشد. بعنوان مثال، شرکت سام یونگ ۱۰۰ هزار نیروی کار را در استخدام خود دارد (۱). این شرکت‌های چندملیتی که در زبان کره‌ای به آنها حائسول می‌گویند و هر جا که سول، بیگ خانواده تعلق دارد، برتولبند و ما در آن کشور کاملاً مسلط هستند. در ۱۹۸۱، ۱۰۰ گروه از

از آغاز دهه ۵۰ میلادی، کره جنوبی بسیار کامیاب‌ترین شانس‌ها را، فرآیند توسعه سرمایه‌داری را طی کرده است و در این فاصله ۲۵ ساله، معنویان حیطه خلوت سرمایه‌های انحصاری آمریکائی و ژاپنی بیک کشور صنعتی تبدیل شده است که در پاره‌ای از رشته‌ها با کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری به رقابت می‌پردازد. کره جنوبی اکنون کشوری است که به تنهایی بیشتر از مجموعه اروپا، کشتی تولید می‌کند، صدها هزار اتومبیل و کالاهای الکترونیکی و کامپیوتری، کشتی، فولاد، کفشدو پارچه آمریکائی، کمد و تلویزیونهای رنگی آن، از نظر کیفیت، با بهترین مارک‌های جهان

ریشه‌ها و چشم اندازهای مبارزه انقلابی - دموکراتیک در کره جنوبی



با بارک چونگ هسی، تمامی منابع داخلی و درآمدها و قرضه‌های خارجی دولت را در اختیار شرکت‌های بزرگ قرار داد و انواع امتیازات، حمایت‌های مالی و زیرساخت لازم برای گسترش آنها را فراهم ساخت. نتیجه این سیاست اقتصادی، فراموشی کامل بحث کشاورزی، ناموزونی و فاصله بسیار زیاد بین شرکت‌های بزرگ و شرکت‌های کوچک، و نیز تشدید سریع فاصله‌های طبقاتی بود. کشوری که دارای انحصارات بزرگ در صنعت و تجارت است، فاقد بینگ‌های بزرگ تولیدی در کشاورزی است و هنوز نزدیک به نیمی از جمعیت کشور در روستاها سرفه بر بند و ۳ هکتار، سقف مالکیت ارضی و کشت در روستا را تشکیل می‌دهد. ناموزونی در شاخه‌های مختلف اقتصادی با شکاف عمیق در بین درآمدهای اکثریت عظیم جمعیت شهری و روستائی در قیاس با طبقات حاکم، همراه می‌باشد. در ۱۹۸۰، ۴۰ درصد جمعیت در اعماق جامعه، فقط ۱۶ درصد از درآمدها را داشت (۴). لیکن مجموع اعضای بورژوازی بزرگ و سوروکراتی سالی حکومتی که بر کلیه شاخه‌های کلیدی اقتصاد تولید و مصرف مسلط هستند، کمتر از ۱ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند.

سوازیات توسعه سرمایه‌داری در کره جنوبی،

چا به بولها، ۴۲ درصد و در ۱۹۸۲، ۵۸ درصد از صنایع را در اختیار داشتند. در ۱۹۷۸، ۱۸/۴ درصد از کل تولید صنعتی، فقط به ۵ گروه از چا به بول‌ها تعلق داشت (این رقم در ۱۹۷۳، ۸/۸ درصد بود) که خود فرآیند سریع انحصاری شدن در اقتصاد دگرگشته را نشان می‌دهد (۲). لیکن در پشت این ارقام، که ممکن است که برای هر سرمایه‌داری و سوانگیز باشد، واقعیت‌های دیگری نیز وجود دارد. کسره جنوبی، اکنون با ۵۵ میلیارد دلار قرضه دولتی، بدهکارترین کشور آسیا و چهارمین بدهکار در میان کشورهای جهان سوم می‌باشد و حجم قرضه‌های دولتی آن در ۱۹۸۰، برابر با ۲۹ درصد تولید ناخالص داخلی کشور بود. نرخ بازپرداخت این بدهی‌های خارجی که عمدتاً به ژاپن است، سالانه ۱۵/۴ درصد است، که یکی از بالاترین نرخ‌های بازپرداخت قرضه‌ها در جهان است. کره جنوبی ناگزیر است هر سال برای استیلاک این قرضه‌ها، حدود ۶ میلیارد دلار بپردازد و در این تپیه این ۶ میلیارد دلار، باید تقاضای قرضه‌های جدید را مراکز مالی سرمایه‌داری جهان می‌کند و هر چه بیشتر در با تعلق قرضه‌ها فرورود (۳). منطق این قرضه‌ها، از فرآیند توسعه سرمایه‌داری و شکل گیری انحصارات در کره جنوبی جدا نیست. فرآیند توسعه سرمایه‌داری در این کشور، اساساً با تکیه بر یک

رقابت مینمایند. سهم موادمخام در صنایع کشور - که با توجه به فقیر بودن کره از نظر منابع زیرزمینی، فقط باید از ذغال سنگ نام برد - برغم افزایش قدر مطلق آن از ۷ میلیون تن ذغال در سال ۱۹۶۲ به ۲۰ میلیون تن در ۱۹۸۲، از ۷۲ درصد به کمتر از ۶ درصد در همان دوره، کاهش پیدا کرد و سهم صنعت از ۷ درصد به ۵۵ درصد افزایش یافت. تغییرات در ساختار اقتصادی این کشور در سطوح دیگری نیز انجام گرفته است: با تثبیت آمدن سهم کشاورزی در ساخت تولید ناخالص داخلی و با لارفتن سهم صنعت و خدمات، سهم کشاورزی که در ۱۹۶۵، ۳۸ درصد از تولید ناخالص داخلی را داشت، در ۱۹۸۲ به ۱۴ درصد کاهش یافت. بهمان نسبت نیز، سهم صنعت و کشاورزی در دوره مذکور، به ترتیب به ۳۹ و ۴۷ درصد تغییر کرد. در این دوره، متوسط رشد سالانه تولید ناخالص داخلی، ۸/۶ درصد بوده و آهنگ افزایش مولدیت کار در بخش تولید صنعتی - آهنگ افزایش تولید ناخالص داخلی، پیشی گرفته و به رقم ۱۷/۶ درصد در سال رسید. ما در آن کسره جنوبی در سال ۱۹۶۲ که حدود ۵۵ میلیون دلار بود، در ۱۹۸۱ به ۲۱/۳ میلیارد دلار افزایش یافت. کسره متدرج شرکت‌های چندملیتی خود را بوجود آورد و زیرقیومت آمریکا در آسیا، آفریقا و آمریکا لاتین سهمی به دست آورد. در ۱۹۷۱، ۱۰۰

تجزیه و تفکیک طبقاتی نیز با سرعت زیبایی انجام گرفت. در ۱۹۷۵، تجزیه و تفکیک طبقاتی صورت زیر بود:

طبقه سرمایه دار و سخنگان حکومتی ۰/۸ درصد
طبقه متوسط جدید ۱۵/۵ =
خردسوروزی ۶/۸ =
طبقه کارگر صنعتی ۲۱/۱ =
حاشه تولد ۱۱/۵ =
کشا و روزان ۴۹/۲ =

با توجه به اینکه اکتفا را حاشه تولد و حاشی از ارتش ذخیره کار را تشکیل می دهد و دستگنوع سبب است پس حاشه تولد و طبقه کارگر صنعتی وجود دارد و نسبت به روس و روگردن در حاشه های مختلف اقتصاد، همان عهدگیران است مشوند، اس مجموعه را با سدر در دید عمومی طبقه کارگر در نظر گرفت. اس عیار بالای پروولترسزده شدن که بیهای سرکوب و محرومیت اس طیف وسیع از حاشه انجام گرفته است، و در ده ساله احمرسوروزی آن را عازوده شده است، اکنون به سرووشی تبدیل شده است که هیچ قدرت سیاسی نمیتواند آنرا نادیده گیرد. معارتی دیگر، پروولتاریا س سنگین وزن ترس طبقه حاشه شهری تبدیل شده است. این معیار را زرا و به دیگری درمورد بورژوازی کره عوسی نضادق است. سوروزوی بزرگ کره که اس سال در پینا یک دولت مقتدر و استبدادی رشد و نمو کرد، خود به اختاپوس اقتصاد دی تبدیل شده است که دیگر اس اراده سران حکومتی نمیتوان آنرا احیا کرد و یا محدود ساخت. و درک رخدادهای جدید سیاسی در جامعه کره عوسی، بدون توجه به عوامل مهم پروولترسزده شدن، قدرت اقتصاد دی سورژوازی، و دولت، دشوار خواهد بود.

همانگونه که گفته شد، رشد سریع سورژوازی بزرگ، با تکیه بر حمایت های مالی دولت انجام گرفت و دولت نقش یک موتور در فرآیند تراکم و گزینش و در دست بورژوازی بزرگ را ایفا کرد. است، حاشه دیگر این حمایت از سرمایه، استفاده از تهرعیان و سرکوب طبقه کارگر، جلوگیری از تشکیل های مستقل کارگری، ممنوع کردن اعتصاب، بائین نگهداشتن دستمزدها و شرایط بسیار سببداشتی و ایمنی در کارخانه ها، سمظورپا بین نگهداشتن هزینه های تولید، و نسز طولانی بودن ساعات کار رسوده است. کره جنوبی، هنوز نسز عضا زمان بین المللی کار نیست و از عسک از ضوابط آن پیروی نمی کند. ساعات کار رسمی در هفته، ۴۸ ساعت می باشد، لیکن تا ۶۰ و ۷۰ ساعت نیز سرسی زند. (رجوع شود به AMPO) بر شرایط نامناسب زندگی کارگران، با بهره زینه های سرمایه و روسگی و آموزش را از خود، سفسشی از خا سواده ها برای تاسیس هزینه تمهیدات نیزندان خود، تا گزیننده روزهای از هفته را غذا نخورند، از اسروا کثرت مردم به چشم نرفت به سرمایه داران و دولت نگاه می کنند، و مسارزه آنان برای دموکراسی و علسه دولت نظامی حاکم تنها پیش صحنه ای برای مسارزه علسه سرمایه داری محبوب میشود. این مسارزه اگرچه از فقدان یک حزب انقلابی پروولتری، و نسج

می برد، لیکن از اوایل سالهای ۱۹۸۰ تا بسوسو، متدرج رادیکالیزه شده و رهبری آن از دست سورژوازی لسرال، به هرمان زیرزمینی اتحادیه های کارگری، و روشنفکران انقلابی انتقال می یابد.

میبا رزه طبقه کارگر

و جنبش نوین دمکراتیک

قتل ژنرال یارک جونگ هی را با س، حادثه ای مهم در رابطه با حش کارگری در کره عوسی حساب آورد. در اوایل سالهای ۱۹۷۰، نا آرامی های کارگری، به عنا وسن مهم روزنا معای تحت سانسور رژیم تبدیل گردیده بود. نا آرامی های کارگری، که در ۱۹۷۹، چهره آشکارتری نشان می داد، بر بحران سیاسی در میان طبقات حاکم دامن زد. اپوزیسیون سورژواشی، بر فشار خود رژیم افزود، و با دلگرم شدن از سبازی "حقوق بشر" کارگر، خواهان حمایت آمریکا از خود شد. کمپانته یونگ، بر حشترین رهبر اپوزیسیون سورژواشی، ویکی از دور رهرفعلی "حزب دموکراتیک کره جدید"، در ماه های سال روزنا معای آمریکا می گفت: "مردمی که در هر کشور برای آزادی می رزه می کنند، با سدر آمریکا را در کناره خود، در کناره آزادی احساس کنند" (۶). و در مه ۱۹۷۹، کمپانگ سام، رئیس جدید "حزب دموکراتیک جدید" - حزب اپوزیسیون سورژواشی - قول داد که برای رفورم های دموکراتیک مسارزه کند، در ماه اوت، سساری از روزنا معای از گزینش مسارزه کارگری خرمی دادند. در ۱۱ اوت، سسعت ۱۰۵۰۰ پلبس ضدشورش، به تحس ۱۸۰ کارگر زن (الژیم سادآوری است که در کره، زنان ۳۰ درصد شوری کار طبقه کارگر را تشکیل می دهند) و ۳۰ عضو "حزب دموکراتیک جدید" که بعنوان اعتراض به سته شدن سگ کارخانه، در ستاد اس حزب صورت گرفته بود حمله سرد و یک زن جوان که عصبهات آحراش می اتحادیه کارگری بود، قتل رسد، در گریه های کارگری سلبس، سعادت حدرور به عنوان مهم اخبار روزنا معای در کره تبدیل گردید. در اوایل اکتبر، ژنرال یارک جونگ هی، کمپانگ سام را از مجلس ملی اخراج کرد. چند روز بعد، دانشجویان و کارگران با رانداز، در شهر بیوزان، محل تولد کم، به تظاهرات پرداختند، نا آرامی سرعت به مسازان، منطقه صدور آزا ده گسترش یافت. در ۱۶ اکتبر، یارک جونگ هی، توسط رئیس "آژانس اطلاعات مرکزی کره" (KCIA)، که می ترسید موقع سرخت وی موجب گسترش هرچه سخر حش کارگری و انقلاب تهر آسز شود، قتل رسد. در چند ماه بعد از قتل دکتاتور، حش کارگری و دانشجویی، سرتا سر کشور را فرا گرفت. در هفته دوم ماه مه ۱۹۸۰، صدها هزار دانشجوی و محصل در سول، به تظاهرات پرداخته و خواهان لغو حکومت نظامی و احبای دموکراسی شدند. احزاب حاکم و اپوزیسیون سورژواشی اعلام کردند که ما بلند لغو حکومت نظامی می دهند. دانشجویان، روز ۱۷ مه را بعنوان آخر سروزمهت برای اعلام علنی بازگشت به دموکراسی از طرف رژیم تعسن کرده و خواهان سبج توده ای در همان روز شده بودند، و ژنرال چون دوهوان، که یک ماه قبل به ریاست "آژانس

اطلاعات مرکزی کره" برگزیده شده بود، هزاران سرتا سرتا کره اعلام حکومت نظامی کرد و مجلس ملی را تعطیل نمود، به دستگیری و زندانی کردن هزاران سفروا شغال دانشکاها پرداخت. وضعیت جنان انفا را سز بود که ۴۰ هزار سرتا سرتا آمریکا می در کره، بحال آمده اس کا سسل در آمدند.

در شهر کوانگ جو، مرکز سنتی مقام و مست علیه رژیم، دانشجویان و اهالی شهر، بعنوان اعتراض به حکومت نظامی، در خا با ناهیه تظاهرات پرداختند. سرتا زان با حمله به صف تظاهرات، عده ای از جوانان را با کلوله و سرنیزه قتل رساندند. در ظرف چند روز، وضع سشدت دیگرگون شد. مردم با حمله به انارهای اسلحه نزدیک شهر، به دست آوردن اسلحه، به قسام مسلحان روی آوردند و س تشکیل "ارتش شهریودان"، سرتا زان حکومت نظامی را از شهر سبرون رانده، خود کنترول شهر را دست گرفتند. درخواست تظاهرات روزانه، برقراری دموکراسی، اتحاد بس دوکره، و سرچیدن حکومت نظامی بود. فرماندهی نظامی آمریکا در کره، به حمایت از ژنرال چون برخاست و ۴ هزار سرتا زکره ای تحت فرماندهی خود را برای سرکوب قسام کوانگ جو، در اکتفا ژنرال چون قرار داد. قسام و مقامت کوانگ جو، با حمله ارتش که به سلاح های سنگین مجهز بود، سرکوب گردید. در تمام مدت حمله هواپیماهای آواکس آمریکا، منطقه را تحت نظرداشتنند، اندکی بعد، دولت آمریکا بعنوان پاداش سرکوب ۶۰۰۰ سلسون دلار اعتبار در اختیار دولت نظامی ژنرال چون قرار داد. در رابطه با حوادث کره جنوبی، کارگر، از خیمه شب سازی "حقوق بشر" دست کشیده و اعلام داشت: "ما خواهان دموکراسی کامل در کره جنوبی، سحت علنی، مطبوعات آزاد و هرمان انتخاباتی هستیم، ولی کره ایها خود می گویند که برای چنین امری آمادگی ندارند، و من نمیدانم از این بهتر چگونه میتوان توضیح داد". بر توهامات لیسرالی س توده ها، ضربه سنگینی وارد آمده بود!

ژنرال چون، هزاران نفر را دستگیر و روانه زندانها ساخت، صدها نفر از فعالین اتحادیه ای کارگران را مورد تصفیه قرار داد، سیش از چهار صد روزنا معای را اخراج نمود. مجلس مؤسان تازه ای علم کرد و قانون اساسی جدیدی را تدوین و تصویب رساند که در آن رئیس جمهور به از طرف مردم، بلکه بطور غیر مستقیم و توسط پارلمان انتخاب میشود. و سرتا قانون کار جدید، اتحادیه های کارگری در مساس و قدراسون های کارگری منطقه ای، ممنوع می باشد. اس ممنوعیت ها، سرتا سرتا سازماندهی علنی طبقه کارگر، برای مدتی ضربه وارد کرد.

جنبش مین جونگ (خلق)

آنها می که از سرکوب گریخته بودند، هرمان تعصه شده اتحادیه های کارگری، هنرمندان و روزنا معوسان، روشنفکران و برخی از عاصرنا راضی کلیسا، به فعالیت زیرزمینی روی آوردند و به سبازی شکل های دموکراتیک توده ای در سطح کارخانه های

گردیده که خواهان خروج سربازان آمریکا فی و بیرون بردن سلاح های اتمی از کره بودند.

مبارزه

برای تغییر قانون اساسی

در متن اولیه جنبش عمومی دموکراتیک، بویژه به بروز مجدد جنبش دانشجویی (۷) و به صحنه مقدم آمدن کارگران، در مارس ۸۶، یک تشکل افشانی تحت عنوان "اتحاد ملی برای اصلاح قانون اساسی" بوجود آمد و بلافاصله اقدام به برگزاری تجمعات توده ای در شهرستانها کرد. شش عضو از زمانهای مختلف اپوزیسیون در شورای "اتحاد" قرار گرفتند: کیم دانه یونگ و کیم یوانگ - سام از "شورای ارتقاء دموکراسی"، لی مین وو، رئیس حزب دموکراتیک کره جدید، مون ایک هوان از "جنبش متحد، مین جونگ (خلق) برای دموکراسی و اتحاد"، یک نماینده از "شورای ملی کلیساهای کره" (پروتستان)، و یک حقوقدان از کلیسای کاتولیک کره.

تاکتیک "اتحاد ملی برای اصلاح قانون اساسی"، جمع کردن امضاء و برگزاری تجمعات توده ای برای تغییر قانون اساسی بود. ایس تاکتیک، ژنرال جون رادجا را شفتگی کسرد، ژنرال جون، در استبداد جنبش تغییر قانون اساسی را مخالف امنیت ملی و غیرقانونی اعلام نمود. لیکن با سقوط مارکوس در فیلیپین، رژیم - مینونگی می پذیرفت که درباره تغییر قانون اساسی علناً بحث شود. بی آنکه تا ۱۹۸۸، در آن تغییر می عمل آید! در زمینه حرکت در جنبش تغییر قانون اساسی، رهبران جنبش مین جونگ می گویند که این یک اتحاد تاکتیکی برای مشارکت دادن توده ها در یک مبارزه دموکراتیک عمومی و آموزش آنان است.

با سرور فشار توده ای، رژیم ژنرال جون، تاکتیک "سیاست های بزرگ" را در پیش گرفتند. است که عبارتست از مشارکت دادن اپوزیسیون بورژوازی در حکومت، این سیاست، که مورد حمایت آمریکا است، مشابه سیاست سازشی است که درباره ای از کشورهای آمریکای لاتین بکار بسته شده است.

دمکراسی بورژوازی

سازش میکنند

با تعمیق مبارزات توده ای در ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷ و توسط صحنه آمدن طبقه کارگر، که خواسته های رادیکال تری، نظیر آزادی تشکل های کارگری، بیرون رفتن آمریکا از کره و بیرون بردن سلاح های اتمی از آن کشور، تحدید نظر در مناسبات با ژاپن و آمریکا، آزادی زندانیان سیاسی، و غیره - کناری رژیم نظامی و... را مطرح می کنند، اپوزیسیون بورژوازی نیز در برابر این رادیکالیزه شدن جنبش در سطح توده ای، بسرعت صف خود را از جریان های رادیکال توده ای جدا کرده و به رژیم نظامی نزدیک شده است. سیاست ژنرال جون و آمریکا (۸)، نزدیکی به میان رویهای "حزب دموکراتیک کره جدید" و تبدیل تظاهرات توده ای و اعتصابات خیابانی به بحث های پارلمانی در بین سیاستمداران است. اپوزیسیون بورژوازی نیز به سیاست سازش تن در داده و حتی

شهری و مناطق روستایی پرداختند. در دوره دوم له کودتا تا ۸۲، جنبش دموکراتیک زیر ضرب بود و یک مرحله انتقالی را طی می کرد: بگذار از فعالیت علنی به مخفی، تحدید نظر در تاکتیک ها و استراتژی سیاسی، که دیگر صرفاً مبارزه علیه دیکتاتوری نظامی را در نظر نداشته، و علیه امپریالیسم آمریکا و ژاپن، و نیز توجه به خواسته های توده ای را ملحوظ می داشت. ۲ سال تا ۸۲، عمدتاً به زمان ندمی توده ای گذشت. در یک بیان عمومی، با یادگفت که رهبری جنبش دموکراتیک از دست اپوزیسیون بورژوازی به "زیرزمین" که نمایندگی دهقانان، کارگران و روشنفکران و عناصر راضی کلیسائی را داشت، انتقال یافت، جنبش مین جونگ، که ۳۳ سال زمان پراکنده را در سر می گرفت، در ۸۴، خود را در تشکلی بنام "جنبش متحده مین جونگ (خلق) برای دموکراسی و اتحاد" (UMDU) متشکل ساخت. یکی از رهبران مین جونگ در این رابطه می گوید: "ما میخواهیم خط توده ای را پیش برده و خلق خود را در تشکلی سازمان دهیم که نماینده منافع این یا آن فرد نباشد". از جمله اقدامات جنبش مین جونگ، جنبش فرهنگی مین جونگ بود، که با تکیه بر سنت های مبارزاتی در تاریخ خلق کره، و با استفاده از هنر فولکلوریک، نظیر رقص با ماسک، نقاشی با سکه ای و نمایش، تاریخ مبارزات خلق کره را از قیام دهقانی ۱۸۹۰ تا مبارزه علیه اشغال ژاپنی ها، تظاهرات علیه اشغال نظامی آمریکا در ۱۹۴۶ و قیام کوانگ سو، را با زوگی کرد. جنبش فرهنگی مین جونگ در مراکز کارگری و بویژه روستاها، مورد استقبال قرار می گرفت. به همین جهت نیز رژیم حکومت نظامی ژنرال جون، جنبش فرهنگی مین جونگ را، گرایشات خطرناک مبارزه طبقاتی نامید و با شدت بسزای آن روی آورد.

بموازات فرآیند رادیکالیزه شدن جنبش دموکراتیک در پائین، اپوزیسیون بورژوازی نیز تشکلی بنام "شورای ارتقاء دموکراسی" بوجود آورد که سیاستمداران و فعالین لیبرال مخالف دخالت نظامیان در امور سیاسی کره را در بر می گرفت. ریاست "شورای ارتقاء دموکراسی"، مشترکاً بر عهده کیم دانه یونگ و کیم یوانگ - سام، واگذار گردید. "شورای ارتقاء دموکراسی" به هسته اولیه حزب تازه "حزب دموکراتیک کره جدید" تبدیل شد. این حزب در انتخابات فوریه ۱۹۸۵، ۴۰ درصد آرا را بدست آورد.

از ۱۹۸۴ بعد، اپوزیسیون بورژوازی، و نیز اپوزیسیون توده ای، سیاست های داخلی و خارجی رژیم را در تظاهرات خیابانی و دیگر اشکال اعتراضی، علناً مورد تعرض قرار داد. در مه ۱۹۸۵، گروهی از دانشجویان، "سرویس اطلاعاتی آمریکا" در مسئول را عمدتاً چند روز اشغال کرده و خواهان عذر خواهی آمریکا از عملیات خود در قیام کوانگ جوشدند. تظاهرات فداکاری دانشجویان، در بهار ۱۹۸۶، به تظاهرات مشترک دانشجویان و کارگران تبدیل

از شرط آزادی زندانیان سیاسی فعلاً منظر گرفته است تا سعاداً در پارلمان دربار آن بحث شود. این سازش و فساد سریع دموکراسی بورژوازی دربارا بر جنبش های توده ای که مبارزه در طول تاریخ و نیز در حد سالیانه اخیر در بسیاری از کشورها، نظیر ایران، سرزیل و آرژانتین و فیلیپین، خود را نشان داده است، ساریدگر در کره جنوبی نیز خود را ظاهر می سازد. این سازش نه فقط همگرائی با رژیم های حاکم، بلکه تقابل با توده ها هموار رهبری داشته است. در سال ۸۶ که جنبش توده ای، اسعاً در دیکال تری بخود گرفت، و نیز در برابر خود سوزی، اگا رگر، کشار و زودانش خود در تظاهرات، بعنوان اعتراضی به وجود رژیم سرکوب در کره، کیم دانه جونگ، "محترم" ترین نماینده دموکراسی بورژوازی، همسراه عده ای دیگر، طی اعلامیه ای رسمی، صف خود را از این جریان ها جدا ساختند. در اعتراضی به سیاست سازش "دموکراسی" خواهان بورژوازی رژیم نظامی، هزاران کارگر و دانشجو، در شهر صنعتی اینچون گرد آمده و به شعار دادن علیه "امپریالیسم آمریکا" و به انتقاد از سیاستها، اقدام کردند. راه سازش با رژیم را در پیش گرفت. مون ایک هوان، رهبر جنبش متحده مین جونگ (خلق) برای دموکراسی و اتحاد، در رابطه با سازش کاربهای اپوزیسیون با رژیم می گوید: "پیشنها دات رژیم برای "همکاری بزرگ" همه احزاب و سازمانهای غیرنظامی، چیزی جزیک توطئه برای استفاده از اپوزیسیون محافظه کار در جهت منافع خود نیست... در تاریخ جهان، هرگز موردی نبوده است که رژیم دیکتاتوری، ساگفتگو یا همکاری سرنگون شود. تردیدی نیست که تنها تحرک و حوش در جنبش توده ای میتواند در دیکتاتوری پایان دهد... (۹)". تحریک کره یار دیگر نشان می دهد که جنبش دموکراتیک در یک کشور سرمایه داری اگر علیه چهار چوب های نظام متوجه نشود و سبک انقلاب اجتماعی تبدیل نگردد، حتی توان تحقق دموکراسی بورژوازی را نیز نخواهد داشت، و برای تحقق دموکراسی بورژوازی باید از مرزهای نظام بورژوازی فراتر رفت. بورژوازی، خود را توان از رهبری مبارزه دموکراتیک است.

با تعمیق مبارزه طبقاتی در کره، جنبش دموکراتیک عمومی نیز شکاف برداشته است، که خود از تفکک طبقاتی در لایه های پایین می گیرد. از یکسو، تمایل اپوزیسیون بورژوازی در لایه های سازش با رژیم نظامی، که خود بسیار همگرا با طبقاتی لایه های مختلف بورژوازی در برابر با این بائینی هاست، و از سوی دیگر، وسیع تر شدن اختلاف های طبقاتی در پائین، بین کارگران، دهقانان و دانشجویان، که مبارزه دموکراتیک اینان، از یک صلت فدراسیون داری و ضد امپریالیستی سرخورد را است، و خود را در مبارزه علیه سرمایه داران کره ای، دولت نظامی، و علیه امپریالیسم آمریکا و ژاپن نمایان می سازد. این مبارزه هنوز با مبارزه سوسیالیستی فاصله دارد، که خود را در یک در هم آمیزی عمومی طبقاتی، فقدان یک حزب پیشاهنگ پرولتاری و عدم تاکید بر هویت مستقل پرولتاری نشان بقیه در صفحه ۱۹

تشکیلاتی هرآن قدر است تا نظم مسائل را بر سر هم بزنند. از آن گذشته نیروهای انقلابی بیرون از سازمان حتی در نددیداننده نظرات مخالفی که در برابر نظرات با نددتجهاد مطرح میشوند کدام هستند. نیروهای مخالف درون اکثریت می بایست با اصرار بر مبارزه علنی این امکان آشنائی و شناخت را برای همه فراهم کنند. تنها در اینصورت است که می توان نیروهای انقلابی و فعالین طبقه کارگر را متقاعد کرد که بر استیسی آنچه از جانب اپوزیسیون با نددنگهدار مطرح میشود چیزی سواي مطالبی است که در ارگان سازمانی مطرح میشود. هیچکس علم غیب نداد و از آن گذشته صرف مخالفت با رهبری نگه‌دار ریمعناي مدافعت انقلابی و یا با لایش نظری از آموزشهای رفرمیستی نیست. مباحثه علنی نه تنها مح بوروکراتیسم و اپورتونیسیم را بازمیکند بلکه امکان آشنائی با نظرات مقابل را نیز برای همه، چه اعضا و هواداران و چه نیروهای سازمانهای دیگر فراهم می کند. تنها در این صورت است که امکان شکل گیری گرایشهای نظری صریح و امکان تشخیص، نزدیکیهای نظری و سیاسی واقعی فراهم میشود. در غیر اینصورت نیروهای مخالف خود را از حما معنوی نیروهای انقلابی محروم می کنند. "تور بیشتر" اینست شعاری که اپوزیسیون با بسط مطرح کند. اینست شعاری که حزب توده و رهبری اکثریت را چنان به تگای پومی ندادند تا محدوداً بسا شیوه‌های "مقول" سالیان بیش یعنی "مشاوره" در سطح رهبری تجدید پیمان کنند. ما نترسیم بوروکراتیک و رهبری باندهای اپورتونیسیت، ما نندشید در برابر برنورنگی ما با زدوتنها در پشت دسوارهای ضخم "مصلح امنیتی و سازمانی" است که می توانند توطئه‌ها را مه بدهد. این حربه را ما یاد از او گرفت. این یکی از ابتدائی ترین (و در عین حال مهم ترین) اتفاقیهای موجود میان سگ کارکمونیستی و سگ کار اپورتونیسیت است. در شرایطی که تا ربحه رهبری اکثریت، تا ریخه شکستیا، خطاهای فاجعه آمیز و رسوائیهای بزرگ است، افشای این تا ریخه، مباحثه علنی در باره علل این شکستیا و ذری آموزی سبباً طرد این نوع نگرش نسبت به مبارزه طبقه‌تانی، تک وظیفه تخطی ناپذیر حزبی است. در قلموس تنگ باندهای اپورتونیسیت، افشای گری از انحرافات رهبری مترادف است با سازمان شکنی و توطئه برای درهم شکستن انضباط حزبی. لنینیسیت ما ما نظردبگری دارند. ما نترسیم دموکراتیک بسر کنترل مقابل، از بالاتر تا پایین و از سازمانی تا بالا، تکیه دارد. مباحثه دربار تا کتیکها و خط مشی عمومی اتخاذ شده در این میان موردنا مقطع زمانی، از وظایف دائمی هر عضو حزب شما رمبرود و بخصوص نظرها اهمیت و نقش مهم رهبری در طرح و بسا ده کردن این نظرات، دموردارزیایی از عملکرد رهبری می بایست انتقادات صریح تر، روشن تر و در حضور همه اعضا باشد. در همین رابطه بود که لنین نوشت: "اگر به نظر کسی هیئت های مرکزی مرتکب اشتباه میشوند، این وظیفه حزبی است که این اشتباهات را در حضور تما می حزب بر ملا زدن بالاتر از آن این اشتباهات را برای خودا عفاي تحت هیئت های مرکزی نیز افشا کند. به همین گونه وظیفه حزبی کمیته مرکزی و هیئت تحریریه ارگان مرکزی بقیه در صفحه ۱۹

"مردم خارج از حزب" شکستهای است که در اینجا مورد تا کیدلنن قرار دارد. سرکوب این مبارزه علنی تحت عنوان "مسائل امنیتی" بیانهای بیش نیست و هما نگونه که خود لنین نیز با بیانه تراشی را مدنظر قرار داد، مسائل امنیتی کوچکترین نقشی در انشعابات بازی نمی کنند چه چیز "امنیتی" برای مثال، در رابطه با راه رشد غیر سرما یه داری، "اتحاد نیروهای رهبری اما مضمینی"، حواله دادن سولیا لیم به هزاره های آتی، جایگزینی هژمونی طبقه کارگری "هژمونی بین المللی" و امثالهم وجود دارد؟ لنین در همان جا مجدداً می نویسد: "در واقع مدت زیادی است که با بدست فرقه گراشی محفلی را که در کار کرد، و حزب می برتوده ها تکیسه دارد. قاطعانه شعارنو بیشتر را به پیش ببرد. بگذارد حزب همه چیز را بداند، بگذارد همه چیز داشته باشد، مطلقاً تمام مواردی را که برای داری همه اختلافات گوناگون، با زکشت های به ریزویونیست، انحرافات از انضباط و غیره لازم است، در اختیار داشته باشد. اعتماد بیشتر برای داری مستقل در باره شکل تشکیلات بسولیه کارگران حزبی!" (هما نجا ص ۱۲- تا کیدات از لنین است) طرح همه مسائل مورد اختلاف، مباحثه اشکار در برابر همه فعالین حزبی، اینست رهنمود لنین در مقابل با اپورتونیسیم. در جنب مواردی سیاست مباحثه محدود و کنترول شده، سیاستی که اساساً ربحه محدود کردن دامنه بحث و شنودگان مباحثه می گذارد، خدیک سیاست اپورتونیسیتی است که هدف آن گمراه کردن و پراکنده کردن فعالین حزبی است. کما نیکه نه به منافع و مصالح عمومی جنبش کارگری بلکه به حفظ منافع حقیر با ندد خود می اندیشند، طبیعی است که از مبارزه ایدئولوژیک علنی وحش داشته باشند. این رهنمود حزب توده (که در جواب مقاله اکثریت مطرح کرده است) که "مشاوره در سطح رهبری برای حل مسائل مورد اختلاف بهترین و اصولی ترین شیوه است و حزب و سازمانها سیاست این طریق مقول را پیش گرفته اند" خود مورد نمونه واری از این سیاست گنبدیده و سراپا بوروکراتیک اپورتونیسیتی است. خط مشی که مباحثه را تنها در سطح "زما بهتران" جائز می داند تا بتواند به بهترین وجهی به "مفالات مقول" دست بزند و توطئه گیری کند. این شیوه کمونیستی نیست. همین "مشاوره در سطح رهبری" را می باید بطور علنی افشا کرد و انقش حزب توده در مناسبات داخلی اکثریت برده برداشت. و در همان حال از هر دو این رهبری های فرقه گرا و توطئه گرخواست که اشکارا نظراتشان را مطرح کنند و خود را در باره اینها "مسائل امنیتی" نبوشانند. هر دو این رهبری ها (که به مثابه "یک روح در دو کالبد" عمل می کنند) با دید به و کیکه از "اصولیت برنماهای" و "استحکام نظری" خود سخن می رانند. اما اکنون که همین "اصولیت برنماهای" و "استحکام نظری" از طرف معترضین به خط مشی خیانتکارانه آنها زیر سؤال قرار گرفته است از هر نوع مباحثه علنی در باره همین اصولیت های برنماهای، به وحشیت افتاده اند. نیروهای مخالف اکثریت می بایست خواستار رگشایش ستونهای بحث آزاد در ارگان این سازمان بشوند. طرح بولتن های داخلی، نشریات ویژه و امثالهم در چنین شرایطی به هیچ وجه کافی نیست و رهبری با استفا ده از هر مهابی

یک رشته به رهبری حزب توده مرشط است و خوبشاوندی "سببی و نسبی" از این مفالات فراتر رفته است. ما در مقابل دیگر به این ما نور حزب و سازمان برخورد کرده ایم (رک شماره ۴۱) و اینجا از زاویه دیگری به آن پرداخته و در نتیجه "وارد مباحث مربوط به روابط رهبری این دوسا زمان نمیشویم.

سؤال مهمی که در رابطه با موضوع مورد بحث ما عنوان میشود اینست که چرا مباحثه علنی برای روشن کردن اختلافات میان حزب و سازمان درست است اما در شرایطی که بحران خود سازمان را سر تا پا فرا گرفته و نظرات کلی نا متجانس و گاه صراحتاً متناقضی را می شود، مباحثه علنی در مورد این مسائل که می باید به مسئله تحلیل از رهبری انقلاب بهمن، خطاهای رهبری اکثریت و استراتژی آینده برخورد کند، در میان اعضا خود این سازمان نباید صورت بگیرد؟ مسأله اینست که ایدئولوژیک تنها راه اصولی روشن شدن اختلافات و ربحه یابی خط مشی خیانتکارانه گذشته اکثریت است. هر چه این مبارزه اشکار تر و گسترده تر صورت بگیرد، در روشن شدن مواضع و سایر روشن های نظری مؤثر تر است و عفاي این سازمان فرصت بیشتری می بایند تا در زمینه مسائل مختلف زندگی سیاسی و مبارزه طبقه‌تانی تعمق کرده و دامنه آگاهی سیاسی و نظری خویش را گسترش بخشند. در این مورد تعالیم لنین صریح و روشن هستند. نیروهای صادق درون اکثریت که قدم مقابل به سبب تشبثات رهبری را دارند می بایست به این شیوه مبارزه لنینی توجه ویژه ای کرده و در دام تلاشهای رهبری که سعی در محدود کردن و ربحه مخفی تر و پوشیده تر کردن مبارزه ها دو گسترده داخلی دارند گرفتار نشوند. لنین در شرایطی که اختلافات بلشویکیا و منشویکیا در درون حزب سوسیال دمکرات روسیه حدت یافت و عملاد بر خورد به مسائل مختلف مهم نظریات متناقضی از جانب بلشویکیا و منشویکیا عنوان میشد، چنین نوشت: "جواب من به سؤال "چه ناید کرد؟" (بطور عمده ناید کرد و بطور خاص برای جلوگیری از یک انشعاب چه ناید کرد) اول از همه عمارتست از ظهور و رشد علنی با لقهویک انشعاب را از حزب پنهان نکنید، هیچکدام از شرایط و وقایعی را که در تشکیلات جنبش علنی دخالت دارند مخفی نسا زید، و بالاتر از همه اشعاب، این علل را نه تنها از حزب بلکه تا جایی که مقدور است از مردم خارج از حزب نیز پنهان نسا زید. من می گویم "تا جایی که مقدور است" زیرا مبادا نم که در یک سازمان مخفی مسائل وجود دارد که لزوماً باید مخفی نگه داشته شوند - اما در انشعابات ما این چیزها نقشی مهمی را بازی نمی کنند. بطور گسترده تبلیغ کنید - این مطمئن ترین و قابل اعتمادترین وسیله برای جلوگیری از انشعابات است که می توان از آنها جلوگیری کرد و زبانی ناشی از انشعابات را که دیگر قابل جلوگیری نیستند به حداقل کاهش داد." (نما به ایسکرا - ص ۱۲ مجموعه فارسی تحت عنوان "مناسبات اکثریت و اقلیت" - نظم نوین شماره ۵ - تا کیدات همه زمانست) طرح مبارزه ایدئولوژیک علنی و مباحثه در حضور

اخبار مبارزات کارگران و زحمتکشان

شرکت جنرال تایر

این شرکت در حادّه مخصوص تهران - کرج (سه راه ارج) واقع است مدیریت این شرکت در مورچه دوشنبه ۶۶/۳/۴ اطلاعیه ای صادر نمود و از کارگران خواست از شنبه هفته بعد مورچه ۶۶/۳/۹ ساعت صبح الی ۴ بعد از ظهر یعنی مدت ۱۰ ساعت مشغول کار شوند. روز دوشنبه کارگران در اجتماع چند نفری خودمعالفاضا شدن ساعت کار رودند و تفرج خود را نادادن فحش به مدیرعامل (علی پور) دادند. می دادند. همای روز کارگران به تورا اعتراض کردند و خواهان دادن توضیح در این مورد شدند. شورا در جواب گفت: "ما حسرت داریم و این تصمیم بدون مشورت با ما گرفته شد ما بی گری می گیم و شما در دستوران جمع شویید تا نتیجه صحبت با مدیریت به شما گفته شود". کارگران ساعت ۹ صبح روز دوشنبه در محل دستوران جمع شدند و دستورالعمل خود را بنده نتیجه صحبت با مدیریت را نگویید. روز شورا مطرح کرد: "ما توجه به اینکه در شرایط جنگی سرمایه ما را بیدکوشش کنیم. و شما از روز شنبه ۱۰ ساعت کار کنید که در عوض دوساعت اضافه کاری به شما می دهد و تعدادتولد هم اضافه نمی شود". کارگران به این حرف شورا اعتراض کردند و گفتند: "ما دوساعت اضافه کاری نمی خواهیم و از روز شنبه به روال گذشته ۸ ساعت کار می کنیم".

گزارشی از شرکت (مالی بیل)

این شرکت در یکصد و سی و چهار متر مربع مساحت تهران - کرج روسری شرکت با سابقا قرار دارد و تولید این شرکت قطعات فلزی از جمله اتصالات لسوارم و قطعات ماشین می باشد که مدتی است خمساره و نازنک هم تولید می کنند و تحت پوشش سازمان صنایع سنگین می باشد. تعداد کارگران این شرکت نزدیک به ۷۰۰ نفر است ساعت کار این شرکت صبح تا ۲ بعد از ظهر و از ۱۲ الی ۱۰ ساعت عصری در شیفت مشغول کار می شوند و تمام پنجشنبه ها تعطیل هستند. هوای سالن کار آلوده به گازهای مسموم کننده است و کارگران از این ساعت نازاحت هستند. در سال ۶۲ طرح طبقه بندی در این شرکت بیا ده شد و از آن سال تا حالا (۶۶) سال با به التفاوت... طرح راه کار کارگران برداخت نکردند. مدیریت مطرح می کند ما قادریم مبلغ هزار تومان ساعت هر ماه ما به التفاوت به شما بدهیم. این مسئله مورد ندرش کارگران قرار نگرفت و هنوز برداخت ما به التفاوت طرح از خواستهای کارگران به شما نمی رود. البته آن دسته از کارگران که از ۱۵ الی هفت ماه طلب داشتند مدیریت پولیائی از آنها را برداخت نموده است. خواست دیگر کارگران این شرکت گرفتن حساب افزایش تولید است که از سال ۶۰ تا حالا این حساب به کارگران برداخت نشده است. در اوایل دیستت امسال کارگران جلوی مدیریت را گرفتند و خواهان برداخت حق افزایش تولید شدند. مدیریت طرح کرده وقت شما توانسته اید تعدادتولد را به ۱۳۰۰ عدد برسانید آنوقت هر ماه هفت روز از دستزدتان بعنوان افزایش تولید به شما برداخت می شود.

شرکت نیتون

این شرکت در سی و هفت هزار متر مربع مساحت و تولید کننده لوازم خانگی از جمله جارومی باشد که در حادّه ساوه واقع است و تعداد ده کارگر در شرکت اصلی مشغول کار است و تعداد ۲۰ نفر در قسمت آکاری این شرکت که در تهران پارس واقع است مشغول کار است. ساعت کار این شرکت از ساعت ۷ صبح الی ۳ بعد از ظهر بوده که با روصحاه هم سه کارگران می دادند. مدیریت این شرکت در مورچه ۶۶/۳/۵ اطلاعیه صادر کرد که ساعت کار شرکت از هفت تا ۱۰ ساعت صبح الی ۳ بعد از ظهر می باشد و این روصحاه هم حصری است کارگران به این تصمیم مدیریت اعتراض کردند و مطرح کردند: "ما بدون سه رگه نمی شویید که در شما چرا با سه رگه نمی دهد؟ مدیریت گفت: "چون بودجه نداریم ولی در عوض ۴ تومان ساعت سه رگه به شما می دهیم". کارگران گفتند: "حالا که می خواهید ۴ تومان ساعت سه رگه بدهید ما ساعت کار نمی گیم". مدیریت وقتی با اعتراض کارگران روبرو شد قبول کرد. از روز بعد یکی از کارگران پیشنهادی را به این سرچورد کارگران اعتراض کرد که چرا ۷ ساعت کار را مطرح کردید چون کار خا خا خا ریادی وجود دارد که بول سه رگه می گردید و در عوض ساعت کار می کند. این کارگردار می قسمتها با کارگران صحبت کرد. مدیریت از این جریان با حشر شد و بردای آن روز کار ساعت اس کارگر را برداشت و حکم اخراج او را صادر کرد ولی متاسفانه کارگران حمایتی از آن نکردند.

کارخانه ارج

در ماهیائی که عزام کارگران حسیه های جنگ اخباری شده بود از هفتاد و نه نفر از کارگران این کارخانه حسیه شده که در رفتن به حسیه هماهنگ کارخانه های سازنده میباید تدرنجبران واحد ها و سه روستا حبران به حسیه سرفشان شود. کارگران مدیریت گفتند. در طول این شش ماه در اثر بحارنا معلومی که در یکی از کارخانه های میباید روی داد و دیگر از کارگران کشته و چند نفر زخمی شدند که کارگران گرسنه در اوایل سرما به کارخانه مراجعه کردند آنها گفتند که چرا کارگران ما را دهشتند و احتیاجی به کارگردستان در کارخانه است به اس خاطر کارگران مذکور را محبوس می کنند که با زور بول نوبت است با بول حسیه کمی. کارگران معتبر شده و به اداره کار شکایت می کنند. اداره کار در اوایل حشر ما به اس ارتشکل دادگاه مدیریت کارخانه می خواهد که هر یک از کارگران ۵۰ هزار تومان بول بدهند که در مقابل این رای شش کارگران سدرفتند و خواهان بازگشت به سر کارشان شدند. فعلا شش سرخورد به مسئله کارگران به دادگاه حسیه موکول شده است.

روزی ۶۶/۳/۹ کارگران سرکار آمدند و اطلاعیه همگان با رجات و مدیریت تصمیم خود را عوی می کند. در نتیجه یکبارحه دست از کار می کشند و تا ساعت یازده در محوطه شرکت تجمع می کنند. اول شعار برگ برتلی پور آمدن ما می گیم می گیم عده ای مطرح می کنند شما رده می چون به به مدت آنها منظور اادی رژیم می - دهیم تا ما به حق خود برسیم. خلاصه اینکه کارگران تا ساعت یازده در محوطه شرکت تجمع می کنند و ساعت یازده شورا و انجمن اسلامی به تکاپومی افتد و در میان کارگران حضور می یابند و می گویند شما سرور کارکنان ما را اطلاع رایی می گیم. کارگران با اس وعده سرکار می روند. ما بعد از یک ساعت کار کردن متوجه می شویید اطلاع عوی شد که ما رده کار می کنند و ما مدیریت شرکت را احتیاج کارگران در دهان سجد حضور می گیم. او می گوید: "شما ساعت کار را دو ساعت اضافه کاری می گردید و تعدادتولد هم ۱۰ الی ۲۰ عدد اضافه می شود. کارگران سه رگه اعتراض کرده و خواهان ساعت کار می شویید که مدیریت سرکاری جلوگیری از ادامه حرکت محبوسه عقب نشینی تند و تورا اطلاع رایی عوی گردید و ساعت کار همگان ساعت اعلام نمود. کارگران از این اخبار مطلع خود خوشحال بودند و به اادی رژیم می گفتند.

کارگران توانسته تعدادتولد را به ۱۳۰۰ عدد برسانند. وقتی موقع گرفتن افزایش تولید نزدیک شد. در مورچه ۶۶/۵/۱۳ مدیریت در اجتماع کارگران مطرح نمود و ساعت کار را از شنبه ماهه التفاوت و تریک روز در ماه می توانیم برداخت کنیم. کارگران در جواب گفتند: "شما حسیه سی وجدان هستید شما هیچ سوئی از اساست سرد ما زحمت می کشید ولی شما به تریس زندگی زاده اید حال که وقت برداخت حق ما شما به حور سبانه می آورید". مدیریت وقتی با اعتراض کارگران روبرو شد به قرار نگذارت و سه طرف دفترش رفت. کارگران ششک دور رسد از مورچه ۶۶/۵/۱۵ ساعت ۱۲ تصمیم گرفتند به دفتر مدیریت بروند. انجمن اسلامی جلوی کارگران را گرفت و مطرح کرد در صورت است شما همه بروید و تکل حوسمی بدارد. سرگید ما مدیریت صحبت می گیم. کارگران هر چه سر کردند حصری از انجمن اسلامی شدند تا اسک ساعت ۲ به همراه کارگران ششک دو طرفه دفتر مدیریت رفتند. مدیریت با دستان کارگران وحشت زده شد و کارگران ساردر حواس خود را مطرح کردند که اس مدیریت عقب نشینی کرد و گفت فعلا کارخانه بول ندارد در صورت هفته بعد هر کدام مبلغ ۱۴۰۰ تومان می دهیم. کارگران قبول نمودند و در اس موقع خواست ما به التفاوت طرح را مطرح کردند و خواهان مبلغ ۱۲ هزار تومان شدند. مدیریت گفت سرگید ما را ششک تولد را برداخت کنیم آنوقت تصمیمی برای طرح می گیریم. در اس میان کارگران ساردرگری به ما هست ضد کارگری انجمن اسلامی سردند. در مورچه ۶۶/۵/۲۵ کارگران توانستند حق امرا ششک تولد خود برسند.

گزارشاتی از شرکت ایران یا سا

طوما رنویسی برای حق سواد

طبق بخشنامه وزارت کار به آن دسته از کارگران بی سوادی که در نهفت سوادآموزی با سواد شوند، مبلغ هزار تومان به علاوه پنج درصد دستمزدشان، به حقوق آنها اضافه خواهد گردید. اما به تعدادی از کارگران این کارخانه که این دوره را بپایان رسانده بودند، فقط مبلغ هزار تومان پرداخت گردید و فقط به تعدادی از کارگران در صد حقوق اضافه گردید. بهمین دلیل اکثر کارگران این مبلغ به آنها تعلق نگرفته بود دست به تهیه یک طوما رزده و پس از اتمام آن را به انجمن و شورای اسلامی که نهفت زیر نظر آنان کار می کند، ارسال نمودند. پس از ارسال این طوما رکا رگران دنبال کار را گرفتند. مسئول نهفت سوادآموزی که عضواً انجمن اسلامی می باشد در جواب گفت: این مبلغ که از طرف دولت تعیین گردیده، جنبه تبلیغی دارد و فرار نیست که پرداخت شود، بویژه آنکه در کارخانه جاتی که طرح طبقه بندی پیدا شده است، پرداخت این پول بنا به تصمیم مدیریت صورت می گیرد. شما با یستی صبر کنید تا مدیر کارخانه بپایان جواب قطعی را به شما بدهد. کارگران می گویند اگر به این خواسته ما ترتیب اثری داده نشود، به وزارت کار و دیگر کارخانه ها مراجعه و شکایت خواهند نمود.

بن کارگری و فریبکاری رژیم!

بها نه های رژیم فدک کارگری جمهوری اسلامی مبنی بر عدم پرداخت بن کارگران یا ساسی به کارگران که در اطلاعیه وزارت کار در مورخه ۶۶/۲/۲۶ در هفته نامه کار و کارگر چاپ گردید، بحثهایی را در میان کارگران شرکت ایران یا سا در مان زد و در هر جمعی این مساله مورد بحث قرار گرفت. بطوریکه هر روز در داخل رستوران، سالن تولید، محوطه شرکت و هرا جتماعی از کارگران، این مساله مطرح بود و از اینکه دولت با طرح غیبت و مرخصی بدون حقوق می خواهد دادن بن خودداری کند، نارضایتی خود را بیان می کردند. کارگران می گفتند: اطلاع کالای ربطی به غیبت و مرخصی ندارد. چون دولت تشخیص داده که دستمزد کارگران پائین است و این بن را بعنوان کمک هزینه در نظر گرفته بود. حالا این سؤال مطرح می شود که اگر کارگری غیبت کند و یا به مرخصی برود، از دستمزد وی کسر نمی گردد؟ پس چرا این راهم قطع می کنند؟ اگر غیبت و مرخصی باعث قطع بن می شود، پس چرا مثلاً باعث قطع مزایای کارگری نمی گردد؟ علتش واضح است، برای اینکه ربطی به کمک هزینه ندارد و این آقا یا بن (منظور رژیم) این قانون را از خودشان در آورده اند تا بن را به کارگران ندهند. دولت قادر نیست کالاهای اساسی را به کارگران بدهد و این بها نه ها فقط به این دلیل است که قادر به جابجایی کارگران نیستند. اول می آیند و می گویند در عرض یک ماه بن را خواهیم داد. بعد می گویند سه ماهه، و حالا با طرح غیبت و مرخصی می خواهند فقط به درصدی از کارگران با انضباط بن بدهند. کارگر که نمی تواند مرخصی با حقوق برود، این سرپرستان و مدیران هستند که برای خودشان مرخصی با حقوق می نویسند و در نتیجه بن نام کارگر بن در یافت می کنند. دولت می خواهد ما را دست بسته پشت دستگاه نگاهدارد و کارگر جرات نکند یک روز هم غیبت کرده و یا به مرخصی برود، که میاد بن او را قطع کنند.

مبارزه متحدانه برای افزایش دستمزد

قسمت تیوب شرکت ایران یا سا یکی از قسمتهایی است که همسوی آن آلوده به مواد شیمیایی می باشد. آلودگی فضای این قسمت به حدی است که اکثریت کارگران آن دچار ناراحتی پوستی و تنفسی می باشند. این قسمت به تبعیدگاه معروف است. سیاست مدیریت این است که کارگران جوان را به این قسمت بفرستد. کارگران این قسمت در گذشته روزانه مبلغی معادل دو ساعت کار با بت بدی هوا در یافت می کردند. اما با آمدن مدیریت فعلی و همکاری و همدستی انجمن اسلامی و شورای اسلامی با وی، این مبلغ حذف گردید. تعدادی از کارگران این قسمت هربا ریشکلی اعتراض خود را بروز می دادند و گاهی نیز دست به اعتصاب می زدند، اما ما قول سرپرست قسمت مبنی بر افزایش دستمزد، مجدداً سرکار می رفتند، اما سرانجام در تاریخ ۶۶/۳/۵، کارگران یک شیفت همگی به سرپرست اعتراض کرده و خواهان رسیدگی به خواسته خود شدند. پس از این حرکت، کارگران سه شیفت با هماهنگی توانستند طوما رزی تهیه کرده و پس از اتمام آن توسط ۱۳ نفر از کارگران به سرپرست ارسال شد. سرپرست پس از خواندن طوما را اعلام کرد که اگر این نامه را به کمیته طرح طبقه بندی بدهیم، یک ریاال هم به شما نخواهند داد. دزیرا افزایش دستمزد طبق قوانین مشخصی صورت می گیرد. سرپرست همچنین برای ایجاد شکاف میان اقدام متحد کارگران روبه تعدادی از آنها کرده و بیجا تنیدی و پرخاش گفت که شما چرا این طوما را امضا کردید؟ کارگران نیز در جواب گفتند: ما نیز مثل سایر همکارانمان خواهان پرداخت این حقمان هستیم و فرقی با دیگران نداریم. پس از رد و بدل شدن این صحبت بیست و سرپرست و کارگران، سرپرست مزبور گفت: ما اسامی شما را می فرستیم و تقاضای دستمزد می کنیم و آن بخش را از گروه بجه گروه تغییر می دهیم. کارگران نیز برای اطمینان از صحت این حرف به اموراتی مراجعه کرده و مطمئن شدند که اسامی ارسال گردیده است. آنها معتقد بودند که اگر به خواست افزایش دستمزد ترتیب اثر داده نشود، دست به اعتصاب خواهند زد و طبق حکم طرح طبقه بندی که عنوان شغلیشان در گروه مشخص گردیده، به کار مشغول خواهند شد. کارگران همچنین از اقدام متحد و یکپارچه خود خوشحال بودند.

شرایط استخدام کارگران روزمزد

کارگران قسمت پروژه شرکت ایران یا سا که همگی روزمزد هستند روزانه ۱۳۰ تومان حقوق می گیرند و مبلغ بیمه و نهار از دستمزد آنها کسر می گردد. مدت قرارداد این کارگران حداکثر سه ماه می باشد. در گذشته کارگران بیکار را به مراجع به شرکت، مشغول بکار می شدند. ولی مدت چند ماه است که انجمن اسلامی فدک را بر برای جدا کردن کارگران حزب اللهی و مسلمان از سایر کارگران دست به اقداماتی زد و کارگران مراجعه کننده پس از ارائه کارت پایان خدمت و دفترچه سیج و تکمیل پرونده، به نزد مزدوران انجمن چی فراخوانده می شوند تا امتحان عقیدتی از آنها گرفته شود. در این امتحان تعداد زیادی از کارگران رد می شوند. کارگران می گویند: کسب نیست به این بی ناهوشی بگوید من دارم بیل می زنم، چه ربطی دارد که فلان اما چکار کرده یا نام پدر فلان پیغمبر چه بوده؟ من می خواهم با زوی خود مان در بیاورم و جواب زن و بچه مرا بدهم. اگر کارکنان و کارکنان رخیان دستفروشی کنم، شما با زهم ما را اول نمی کنید. پس چکار کنیم. بروسیم دزدی؟ آنرا هم بازندان قطع دست جواب می دهید.

کارگران در بین خود می گفتند: "این برنا حله ای است که تعداد دولید را افزایش دهند و قرار است تعداد را به ۱۲ هزار برسانند و در دو شیفت برسانند." از کجا معلوم وقتی به تعداد مورد نظر خود رسیدند مطرح نکنند چاره ای که کارگری پیدا نمی شود (مثل دوساعت سختی کار که قبلاً می دادند و با آمدن مدیریت فعلی آن را قطع کردند) و یا بدهمین تعداد را تولید کنند. "انسان ساعت کار را، ساعت تفریح و ساعت خواب می کند. چرا باید دستمزد ما کم باشد که مجبور باشیم از ساعت استراحت ما بزنیم و به اضافه کاری بپردازیم." مدیریت وقتی با مخالفت کارگران مواجه شد مجبور شد با تعداد اندکی از کارگران که مایل بودند اضافه کاری کنند برنا به خود را پیش ببرد.

★ مدیریت شرکت ایران یا سا هر روز به ترفندی جدید سعی بر آن دارد تا تعداد دولید را افزایش دهد. در قسمت تیوب که کارگران از سال ۶۵ برای حذف شب کاری به اشکال مختلف بمقابله با مدیریت پرداخت کردند. مدیریت با سه شیفت کردن ساعت کار رنه تنها شب کاری را حذف نکرد بلکه خیال خود تعداد دولید را هم افزایش نمود. اما کارگران سیاست فدک کارگری مدیریت را محکوم نمودند و با کم نمودن تعداد دولید بطور روزانه ۵۰۰ لی ۱۰۰۰ عددیه مقابله دست زدند. اما مدیریت اینها را در مورخه ۶۶/۳/۱۳ مطرح نمود و کارگران در دو شیفت ۱۲ ساعته مشغول کار میشوند و البته ساعت اضافه کاری به آنها می دهیم. اکثریت کارگران این طرح مدیریت را قبول نداشتند و مخالفت خود را بگوش سرپرستان رساندند.

★ آموزش نظامی اجباری که نزدیک به یکسال بود در کارخانه نجات اعمال می گردید، مدت چند ماه است که متوقف شده است. از بهمن ماه سال ۶۵ تاکنون در ایران یا سا هیچتین با رسالوان، کفش پیروزی، الندرور، کفش ملی و کاشی ایرانا، آموزش نظامی قطع گردیده است.

★ مدیریت شرکت ایران یا سا به کنترل کیفیت شرکت دستور داد که سعی کنند تولید را کمتر درجه ۳ و ۲ بیرون بدهند و درجه دوها را با مهر درجه یک سزنند و به بازار بدهند.

درباره

چاپ سیلک

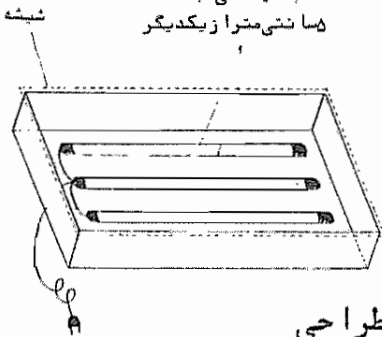
یا دداشت هیئت تحریریه

رهنمود زیر در باره نحوه استفاده از چاپ سیلک در تکنیرا علامه ها و تراکتهای سازمانی در داخل کشور، توسط رفقای یکی از واحدهای سازمان در داخل، برای ما ارسال شده، که با اندکی تلخیص، منتشر می کنیم. شیوه معرفی شده در این رهنمود، با موفقیت و بطور وسیع از طرف این رفقا مورد استفاده قرار می گیرد.

روشن میشوند، بمنظور سهولت هر چه بیشتر کار و تا مین پوششهای امنیتی آن حتی المقصدور لامپها را همراه با قابهای آن خریداری نموده که پس از اتمام کار میتوان بروی دیوار بطور طبیعی نصب و نگهداری نمود. لامپهای مهتابی نیز همانطور که مبدا پیدا زدوسریج در ابتدا و انتهای لامپ، استارت و یوک (ترانس مهتابی) که داخل قاب فلزی آن قرار می گیرد تشکیل میشود که قبلا می با بست نحوه سیم کشی آن را آموخت تا احیاناً با اتصالات غلط باعث سوختن لامپها نشویم. سیم کشی ها را با ساد داخل قاب صورت میگیرد و تنها یک رشته سیم (دوبل) از دریچه آن خارج میشود و بدین شکل لامپها داخل چارچوب قرار گرفتند (البته نصب توسط بیج ویا میخ نمیشوند) و سادگی از داخل آن می توان بلند کرده و در جای دیگری نصب نمود. به این ترتیب چارچوب را نیز می توان بستن وین مختلف بصورت قفسه ای که خرت و پرت ویا ابزار و کتاب و دفتر و بمسورت چاکشی می توان بطور طبیعی نگهداری نمود.

۳- شیشه: شیشه برای نصب طرح دلخواهان بروی آن بکار میرود و میبایست در اندازه بیرونی چارچوب تهیه شود و روی چارچوب قرار می گیرد. ضخامت شیشه کمتر از ۴ میلیمتر نباشد چگون تحمل وزن و سنگینی کار را نخواهد داشت (ابعاد شیشه با این حساب ۷۵ در ۴۰ سانتی انتخاب شود) البته اگر عرض شیشه ۴۰ سانتی توان از طول کمتری بسته به ابعاد کار استفاده نمود. عرض قرار گرفتن شیشه بروی چارچوب می باشد بطوریکه به داخل آن و سرری لامپها سقوط نکنند. تذکر: شیشه میبایست کاملاً در سطح یکنواخت دیوار چارچوب بدون لنگری و یا تا مافی قرار گرفته و ثابت باشد.

لامپ مهتابی بفاصله
۵ سانتی متر از یکدیگر

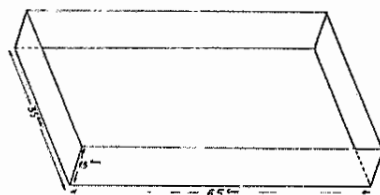


طراحی در حقیقت تهیه فیلم میباید. برای این منظور میتوان کاغذ لکی را به اندازه مورد نظر انتخاب نموده و سپس با قلم را بیدوبیا کمک حروف سرگردان (لتر است) طرح دلخواه را بروی کاغذ لکی تهیه کرد. مرکب قلم را باید معمولاً rotring می باشد و از مرکبهای مرغوب آلمان بشمار میرود و در لوازم التحریر فروشیها مواد

برای آشنائی کلی با روش کار مقدمه میباید بطور فشرده سیستم کار را توضیح دهیم: سیلک عبارت است از یک دستگاه نورپردازی که به وسیله آن کلیشه ای را که با توری سیلک پوشانده شده و ماده حساس نسبت به نور بروی آن بطور یکنواخت کشیده شده با حامل قرار دادن طرح مورد نظرمان برای چاپ که بروی کاغذ لکی آماده شده در معرض نور قرار می دهیم تا با عبور نور از مناسط حساسه ای طرح، ماده حساس را سفید نموده و قسمتهای که نور از آن عبور نکرده غیر حساس و شکننده باقی میماند که با فشار آب، مناسط حساس شده شسته میشود و بدین ترتیب کلیشه ای در اختیارمان قرار می گیرد که با نصب بروی میز کار درون آن رنگ یا مرکب ریخته و یا کاردک لاستیکی بروی آن می کشیم و طرح مورد نظر و یا نوشته و یا هر چیز دیگر بروی کاغذ لکی یا یون و یا پارچه و نظائر آن چاپ میشود. با این چکیده به توضیح ابزار و نحوه تهیه آن میپردازیم.

دستگاه نورپردازی

برای ابعاد چاپی که حداکثر عرض ۳۰ و طول ۵۰ سانتی متر باشد دستگاه زیر بنیاد را می (برای ابعاد بزرگتر می بایست تغییراتی در ابعاد چاپ و شدت نور ایجاد نمائیم و آنجا که تصور نمی کنیم به ابعاد بیش از این نیاز پیدا کنیم پس لزومی به توضیح آن نیست)



۱- چارچوب: چارچوب مورد نظر بشکل حعبه ساخته میشود این حعبه که از چهار دیوار و یک کفی تشکیل میشود در ابعاد داخلی چوب بطول ۶۵ سانتی متر و عرض ۳۵ سانتی متر و ارتفاع ۱۵ سانتی متر است. این حعبه کاملاً می تواند نشوین ساخته شود. داخل چارچوب را همچنین میتوان با فومر آلمینیومی پوشانده تا نور را بخوبی بازتاب دهد.

۲- نور: برای تا مین نور دستگاه به حداقل ۳۴ دلامپ مهتابی ۲۰ وات (کوچک) که تقریباً طولی برابر با حعبه است متر در ادا احتیاج داریم.

لامپهای مهتابی بفاصله ۵ سانتی متر از یکدیگر بطور موازی داخل چارچوب قرار می گیرد. لامپها را می بایست مشترکاً به یک دوشاخه متصل نموده که با فرود کردن دوشاخه داخل پریز برق لامپها همزمان

از آنجا که بهبود کیفیت چاپ مستلزم استفاده از ابزارهای متناسب آن میباشد و در شرایط سرکوب از محدوده خاصی فراتر نمیرود لذا می بایست از حداکثر ظرفیت چاپ در محدوده روشهای دستی آن سود جست. بهره گیری از شیوه چاپ سیلک در تلفیق با سایر شیوه های چاپ دستی پاسخگو است برای حل تناقضی که در بالا به آن اشاره شد. یعنی ما با استفاده خلاقانه از این روش ضمن ملاحظه جنبه های امنیتی آن و بدون نفی اصول فنی مبارزه مخفی و عدم تمرکز فضا لیتهای تبلیغاتی خود را علاوه بر مضمون هماهنگ آن به لحاظ شکل و فرم آن نیز تمرکز بخشیده و بر برد فضا لیتهای خود متناسب با سایر جنبه های رشد فضا لیت کمنیستی میافزاییم. کلیه کمیته ها و واحدهای سازمانی میتوانند با کار بست هوشمندانه و مبتکرانه خود مصرف هزینه ای حداکثر ۵ هزار تومان ابزار کار را در تدارک دیده و مستقلاً به استفاده از آن بپردازند و یا با فعال شدن در زمینه شناخت امکانات جانیسی دوستان و آشنایان خود که ممکن است بطرق مختلف در کارگاههای چاپ سیلک مشغول باشند سود جست و هزینه تدارکات و امکانات نگهداری آن را به حداقل برسانند. اما ناگفته نماند که چاپ بشیوه سیلک معجزه نمیکند بلکه با استفاده از روش چاپ دستی و در برخی زمینه ها می توان کیفیت چاپ را بنحوی مطلوب ارتقا داد و در این استفاده از آن نیز محدوده مشخصی دارد. تنها دستا ن هنرمند رفقا می توانند هرگونه اعجازی را معنی ببخشند. با این شیوه میتوان آرم و شعارهای برنامه های سازمانی، تراکتهای پوستره ای تبلیغاتی در چند رنگ و نظائر آن را بنحوی متحدالشکل چاپ و تکثیر نمود. اما ممکن است پارهای از واحدهای سازمانی به چنین امکاناتی دسترسی نداشته و یا قادر به سازماندهی امکانات و تدارکات آن نشوند و لیکن در هر حال نحوه استفاده و آشنائی با این روش چاپ خالی از فایده نخواهد بود. چاپ سیلک تنوع و گستره وسیعی دارد که از جمله آنها میتوان به چاپ به روی کاغذ، پارچه، یلون، شیشه و فلز و نظائر آن اشاره نمود که در هر یک از این موارد مواد تهیه و وسع رنگ مورد استفاده و حلالهای آنها فرق می کنند که در متن نوشته به آن اشاره خواهد کرد.

با این مقدمه در توضیح جایگاه چاپ سیلک در ارتقاء کیفیت فنی انتشارات سازمانی و با لایحه اهمیت آن در مقطع کنونی که دنیا زبانه گسترش انتشارات سازمانی با کیفیتی مطلوبتر را می طلبد و اینکه چاپ سیلک حداقلی میان چاپ دستی و چاپ با دستگاه افست می باشد، یعنی بسته لحاظ نحوه استفاده از ابزار بشیوه چاپ دستی نزدیک است و به لحاظ کیفیت چرخشی به سمت چاپ افست دارد، میپردازیم به شیوه کار چاپ سیلک:

خک ونستنا تارک (مدالته نه در یخچال) نگهداری نمود. بر اساس ماده ۳۱ به سری ست وهم زدن کامل آن مقدار کمی از آنرا متناسب با اسفند توری سداخل حا روجوب و روی توری مریزیم سس با کار دک بالسه تمام سطح توری را بطور یکنواخت و نازک به آزا کل آغشته می‌کنم. ساجع کردن اما فی ماده توسط لیسه مجدد ا سداخل طرف آزا کل سرمی گردانیم. کشیدن کار دک سروی توری و پخش کردن ماده روی آن از هر دو طرف توری می‌باشود صورت گرفته بطوریکه غشائی نازک و یکنواخت دو طرف توری را بپوشاند. در حین کار با سدمرات نموده که نوک سترکار دک توری را پاره نکند، ضمناً اینکار نسبتاً سریع و بدون تا مل زیاد صورت بگیرد چرا که معطل کردن بیش از حد باعث سفت شدن ماده شده و پخش شدن یکنواخت ماده حساس میسر نمی‌شود. سس می‌باشود آغشته به آزا کل را در محیط کاملاً تاریک نگاه داریم تا کاملاً خشک شود. این محیط تاریک را میتوان با پوشاندن یک مسز کوچک سوسله پشویا یا رجه های ضخیم فرا هم نمود. ماده حساس پس از خشک شدن که در فضای استیاق بطور معمول حدا کثرتاً با عت ویا ۳ ساعت کاملاً خشک میشود نسبت به نور کاملاً حساس می‌گردد. مدت نگهداری در تاریکخانه بنا بدیش از ۳ ساعت طول انجامد چرا که وجود پرتوهای نور در فضای ولو کاملاً تاریک در دراز مدت باعث کاهش حساسیت ماده می‌شود. همچنین در حین قرار دادن کلیشه خیس سداخل تاریکخانه می‌باشود یکنواختی را بطوری قرار داد که ماده حساس و توری به جای دیگر نمی‌نخسید و یا اما بت کندی برای این منظور می‌توان کلیشه را بطور آروم رونه قرار داد یعنی توری بطرف ساقتر را گرفته و ضفا مت جوب بسمت یا شین باشد.

ظهور

پس از آماده کردن دستگاه نور سردازی سروی شته و در مرکز آن طرح مورد نظر (کالک) را سوسله حساس نواری می‌حسانیم. قتل از ظهور مقدمتاً وضعیت روشن شدن لامپها را یکا رچسک می‌کنیم و سس خاموش می‌کنیم کلیشه را در درون تاریکخانه به یک یا رجه مشکلی پیچیده و از آنجا خارج می‌کنیم سس توری کلیشه را در تسماس مستقیم با طرح (کالک) روی آن قرار می‌دهیم. البته برای چند لحظه نور موجود در فضای استیاق روی ماده تا سرجسدانی نداد رسی از تنظیم جای کلیشه روی کاغذ کالک سروی کلیشه یا رجه مشکلی می‌کشیم بطوریکه سطح شینه را نیرکاملاً سوشانس سس یک تکه نشویان سطح در اندازه داخل می‌شود جا روجوب که می‌باشود فیلاً ماده کرده با سیم بدرون جا روجوب (کلیشه) قرار میدهم یعنی با رجه ما سین کلیشه و تکه حوب قرار می‌گیرد سس بروی جوبی که سطح کلیشه را بوشانده است و کمی کوچکتر از با د کلیشه مسا شد ۲ عدد آجروبیا و زنه دیگری قرار میدهم تا فشاری معادل هکتوسر سطح کارسطور یکنواخت وارد شود. وجود فشار بروی توری البته سواسطکی با رجه حوب فوق العاده حائز اهمیت است. این فشار باعث میشود که سطح توری کاملاً روی کاغذ کالک (طرح) جسد و عمور نور از قسمت های دیگر باعث خرابی کار نشود. سس دوشا خه را به برق وصل می‌کنیم، مدت نور دادن در آزا کل سسای

سب با ره شدگی آن نشویم برای مدت سبسا ر زیاد می‌قابل استفاده خواهد بود. چونکه پس از هر استفاده میتوان آن را از مواد حساس پاک کرده و مجدداً ویکرات مورد استفاده قرار داد. توری را در اسفندی بزرگتر از چارچوب و حدود ۳ سانتی متر بزرگتر از هر ضلع بریده و دور تا دور چارچوب و توری را با حساس با تکی به حساس آغشته می‌کنیم. پس از یک دقیقه توری را بروی چارچوب می‌چسانیم. برای نصب می‌باشود فوق العاده دقت کرد تا کاملاً توری یکنواخت و محکم کشیده و جسدانده شود. بطوریکه همچون پوست طبل محکم شود. البته سببا بدیش از اندازه آن فشار آورد تا در حین کشیدن باعث پاره شدن توری نشویم. برای این منظور بهتر است یک ضلع توری را محکم کشیده و بحساس تسمسب ضلع محاور آن وس از آن اضلاع مقابل توری را محکم می‌حسانیم توری با بدگاملاً ف و یکنواخت حساسانده شود.

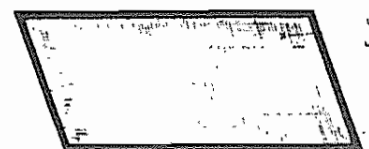
۳- آزا کل ساسا : آزا کل در حفض همان ماده ای است که اساس کار رظهور بر سمنای آن امکان پذیر است. آزا کل در ۲ نوع T و S موجود می‌باشود ساخت آلمان می‌باشود و هر یک کار سرد خا می‌دارند. آزا کل S برای کار روی کاغذ و بلون عمدتاً مورد استفاده قرار می‌گیرد و آزا کل T برای کار روی ساره آزا کل S از ماده تشکیل یافته است که در سه طرف جداگانه و در یک کارتن کوچک سفروش سمرسدایسن ماده قرار میداد (۱- سری ست (در طرف یک کلوئی) ۲- ماده حساس با سگرومات (در طرف ۱۰۰ گرمی) ۳- مخلوط آب مقطر و نوعی ماده سفوش رنگ (در طرف ۱۰۰ گرمی) - در خرید آزا کل می‌باشود دقت نمود و از فروشندهگان متفرقه سس حوب خریداری ننمود چونکه اغلب مواد آن سفرفا سربک و ساختگی می‌باشود و سقیمت گران سفروش میرسد. آزا کل S فوق العاده بردوام بوده و سراسر سال با لاکا سرد خا س دارد و قیمت آن ۲۵۰۰ تومان مسا شد. نوع ایرانی آزا کل که البته سراسر کار روی کاغذ و در سراسر زمین سفندان نامناسب نیست و نسبتاً ارزان سفروش میرسد (یک کلوئی آن ۲۰۰ تومان می‌باشود) و از ۲ ماده ۱- سری ست (ماده آبی رنگ) ۲- سگرومات که سفورت حا مدور رنگ زرد است. برای حساس کردن سری ست با سستی به نسبت ۱/۱۰ ماده حساس (سگرومات) و در آزا کل S ۱/۱۰ از ماده سفوش رنگ را در یک واحد از سری ست حل نمائیم. در نوع ایرانی آزا کل سزهمین نسبت با بدرعات شود. یعنی ۱۰ گرم سگرومات حا مدرا در ۱۰۰ گرم ساسا ۱۰ CC آب داغ حل نموده و سس در ۱۰۰ گرم سری ست حل می‌نمائیم. برای اینکه دوام ماده ما فوق العاده افزایش با سببتر است که سستیهای کمتری از مواد فوق را با یکدیگر در ظرفی جداگانه ترکیب نموده و ما سستی را جداگانه نگهداری نمائیم. مثلاً ۱۰ CC محلول حساس را ساسا ۱۰ CC سری ست (ماده آبی رنگ) حل نمائیم و در یک ظرفی سسته نگه داریم و سقه ماده در صورت نیاز سوستهای کم در طرف دیگری با یکدیگر تلفیق کنیم. تذکرات س نکته ضروری است که اسن مواد می‌باشود در معرض مستقیم نور شدید و سحرارت (سویزه در صورت ترکیب شدن) قرار نگرفته و حتماً پس از کار سفورت سسته و در محیط نسبتاً

مورد نیاز را میتوان ایتیا ع نمود. طراحی از جمله کارها سرحولسه وقت گیری با شد که شرط تهیه طرحی مناسب دقت و حوصله فراوان می‌باشود. شوستجات ویا طرح در صورتیکه پنهان در سس می‌باشود که ملامت قلم و مرکب پشوند. بطوریکه طرح بروی کاغذ کالک کاملاً سواخت و مشخص باشد. در صورتیکه از حروف استفاده می‌کنیم سروف برگردان کاملاً مناسب می‌باشود. سروف لسترا ست را با خط کشی مدام از قبل بروی یک خط گنار هم روی کاغذ کالک می‌چسانیم و پس از اتمام هر چند خط به عرض چسب اسکاچ (شیشه ای) روی حروف را می‌پوشانیم. علت این امر سرفختن احتمالی حروف می‌باشود. زیرا حروف لسترا ست کاملاً محکم بروی کالک نمی‌چسبند. تذکراتیکه چسبانیدن چسب اسکاچ روی حروف می‌باشود که ملامت یکنواخت و بدون روی هم قرار گرفتن چسبها که ضفا متهیای متفا وشرا ایجاد می‌کنند صورت گیرد. در طراحی با مرکب نیز اگر حیا نااضافاتی سوجود آسده سببا ن با دقت سوسله تیغ مطالب اضافی را تراشید. فیلم تهیه شده برای ظهور روی شیشه سوسله چسب نواری کاملاً کشیده و یکنواخت قبل از عمل ظهور با یک چسببانه آماده شود. سراسر طراحی همچنن به بازاری چون خط کش و پرگار و ویا سابلون در اشکال مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد.

طرز تهیه کلیشه

برای تهیه کلیشه به مواد زیر نیاز مندیم :
۱- چارچوب ۲- توری سبک ۳- آزا کل با ساسا حساس.
۱- چارچوب : بر سمنای طرح مورد نظرمان و در ابعاد سجد سانی ستر بزرگتر از طرح سس چارچوب نیاز مندیم. البته چارچوبها سس داخلی کوچک برای طرحهای کوچک تهیه شوند چرا که چسبانیدن توری بروی آن دشوار می‌شود. حا حوب های کوچک مثلاً ۱۰x۲۰ سانتی متر جدا قل اسن ادمی باشد. چارچوبها را می‌توان با چسب قطع حوب سطر مثلاً ۲ سانتی متر به یکدیگر سوسله چسب جوب و سبخ محکم چسبانند. چارچوب سس با دست با شد بیکه کاملاً ثابت و محکم تهیه شود.
۲- توری سبک : توری سبک نوعی سس با رجه توری می‌باشود که از مواد شیمیائی و سلسبری تهیه میشود. سوراخهای این توری بحدی سزاسب که در یک نگاه چشم قادر به تشخیص آن نمیشاند. برای کار توری نوع سوشی و ۱۱۰، ۱۲۰ متر و سترین نوع توری می‌باشود. اصطلاح ۱۱۰ یعنی سمداد سوراخهای توری در یک میلی متر مربع مسا شد البته انواع دیگر توری سبب موجود می‌باشود که آنها نیز قابل استفاده می‌باشود و نسبتاً ارزانتر هستند. توری های فوق الذکر ۲ متر مربع معادل ۲۷۰۰ تومان می‌باشود و اگر با اشاء نوک سس

حا رچوب به صفا مت ۲ سانتی متر



توری سبک

بخت آزمائی اسلامی

دولت جمهوری اسلامی از آغاز جنگ تا بحال برای خالی کردن جیب مردم و واریز آن به صورت اسلحه در جیبها برای کشتار جوانان از هیچ ترفندی فروگذار نگردیده است از کم کردن اجباری یک روز حقوقی کارگران و کارمندان گرفته تا تشویق و اجبار دانش آموزان برای رختن پول توجیبی شان بقلک های جنگ. و از مالیات ها و عوارض گوناگون گرفته تا اخاذی از اولیای دانش آموزان برای شست و شوی فرزندان و هزار ترفند و شوگرد دیگر پس از کالاسان اسلامی، آنچه اسلامی و حقوق بشر اسلامی استکارمکتبی جدیدی زده شده است که می توان آن را بخت آزمائی اسلامی نامید؛ و آن استکار رنیز شوگرد جدیدی است برای دزدی اسلامی از مردم برای نامین پول و رختن آن در کوچه جنگ، اعلام شده است که مسابقاتی را برگزار می کنند که موضوعات آنها با سخگوشی در مورد مسائل مربوط به غسل میت و نماز و زحمت و غذا های مستحب و حرام و... می باشد و به برندگان جوایزی از کالاهای ضروری و نایاب داده خواهد شد و از مردم خواسته اند تا گذاردن ۵ تا ۱۰ تومان نقد، جوایز نامی با تسهیل در این مسابقه شرکت کنند. ولایت فقیه با چندین سال تجربه جیب بوی و دزدی از مردم، خوب یا دگرفته است برای بدست آوردن پول به چهره های متوسل شود و چه "استکارات" مکتبی و اسلامی بدیعی برای سرکشی کردن مردم از خود بروز دهد!

فرا رسر بازان در کرمانشاه

۲۰ ماهه نصر سرتیسی که ملا برای ساواک ساخته شده بود اطفال با فتنه آنها را آموزش نظامی بدهد، محل آموزش اس جوانان سیزده ساله های آنان اطلاع داده نند، پس از ۲۰ روز آموزش در واحه اردسبست سال ۶۶ اس سر بازان ۳ رور مرخصی داده شده که نزدیک سر بستان افراد، ارا زگشتی به با دکان خود داری کردند.

درمی سر با زگسری احصاری که در سطح شهر کرمانشاه و اطراف آن مورد کرمب و همحسان ادا مه دارد، هر رور حصر فرا رسعدا در سادی از سر بازان در سطح شهر دهان سدهان مسگرده، احصا رسعدا د ۲۵ نفر از جوانان بک، از شهرهای اطراف کرمانشاه دسگر و به با دگانی در ماهی دشت، کیلومتر

کرمانشاه شبمائی است و برای بدن مفراست .
حتما کلیه مواد دفعی را دور از دسترس نگاهداری
نمائند .

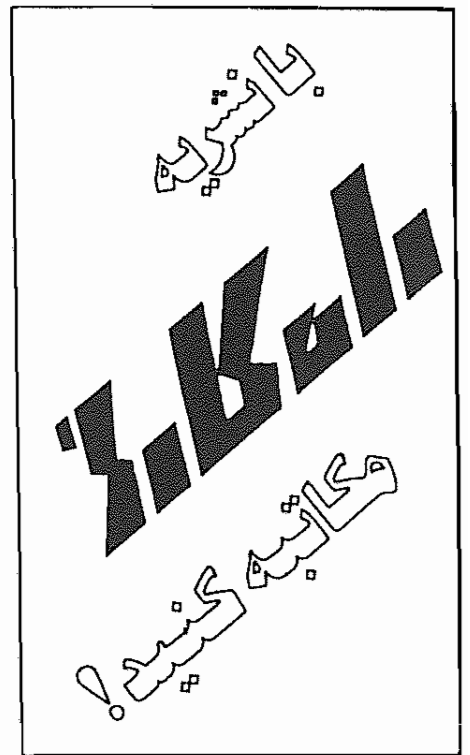
چاپ

کلیشه آماده شده خود را توسط لولابه یک میز کار نصب کرده و رنگ را بداخل حار حوب ریخته و سپس ساکا رنگ لاستیکی که برای همین منظور با بدقت لایه لایه کرده با شیمی کشمش عبور رنگ از نقاط بازنده شکل طرح بروی کاغذ منگس میشود، برای شل کردن رنگ بحد مطلوب که از توری براحی عبور کند برای رنگی که در حاب کاغذیکا میبرود شتر و روغنی می باشد از ترفوری مطلقا استفاده نشود. چون سرور نقاط دسگر توری را نیز بسا از میکند. رنگ برای چاپ روی نابلون نزارا ز نوع رنگ و نیلی PVC می باشد و حلال آن سزریب ر مساندوسر بسا این رنگ خشک میشود در مسورت سرعت عمل حسن کار مستوان روی کاغذ نزارا استفاده کرد. شیوه حاب نیز بیجان طریق چاب دستی است. بکسگ کاغذ را روی میز کار و در حسای تمسن شده قرار میدهم و کلیشه را با شین آورده و با کا رنگ لاستیکی روی آن می کشم و سپس کلیشه را بسند کرده و کاغذ حاب شده را بر میدارم. از آنجا که کاغذ سرور کلیشه می جسد، مستوان کاغذ را توسط یک نوار کاغذی از یک طرف میا رنموده تا حداسی کاغذ از توری با عد بخش شدن رنگ روی کاغذ نشود. اگر طرح مورد نظرا ترکیب حدر رنگ تشکیل شده باشد نیز با بدقتهای مختلف هر رنگ را بطور جدا گانه رسم کرده و برای هر قسمت طرح کلیشه جدا گانه ای ساخت و در هر مرحله یک قسمت طرح را حاب و سپس قسمتهای دسگر را با دقت حاب نمود. مطالبی که فوقا بمنزله حارسی از کار بسا حاب سلیک عرضه نمودم بسجوحا فی ابنتا را ت دسگر در تسر بسا راهی از حسبه های آن نبوده و رفا مستوان ننداسا تجربه شخصی به نکات تازه سزی در حین عملنا مثل شده و آسرا بسا ر بسندند .

نمیبا تد برای اینکا ر لکه گیری می با بدنم شود
بسنی مقدار کمی از ماده حساس را سا نوک کمرست
نقاط مورد نظرا مجددا با ماده حساس بر می کشم در
لکه گیری می با بست دقت نمود که مطلقا نمنا بست
ماده حساس بصورت برجسته روی توری خشک شود بلکه
کا ملامه سطح توری این عمل انجام گیرد تا در حین
چاپ با عدت بخش شدن مرکب در نقاط برجسته نکرده.

حلال آزا کل

پس از اتمام کار و سرای اینکه طرحی شازا
را مجددا روی توری مورد استفاده قرار دهیم
می با بست ماده روی کلیشه را کا ملباک نما شیم،
برای این منظور مستوان با زکلرا استفاده نمود .
مقداری از بودر کلر را با آب گرم مخلوط کرده و
سطح کلیشه را در ابتدا با لایه ای از اینبه می پوشانم
و سپس مانع کلر را هم زده و روی نقاط مختلف توری
مبزیزم سپس با انگشتان دست سنده را فشار
مدهیم تا کا ملامه نقاط کلیشه حس بخورد بسته
بمدت استفاده از کلیشه مدت زمانی را که می -
با بست کلیشه در آب کلر حین بخورد متسخر است .
اگر کلیشه سنا زگی ظاهر شده باشد حندساعت سرای
این منظور کا فی است ولی گاها می با بست سا
نصف روز کلیشه در محاورت سا کلر کا ملامس بخورد
سپس با سنده آفته به کلر کمی روی توری مسالم
تا کا ملاتوری از مواد حساس پاک شده و اسوری
از آن روی توری باقی نمائند. در صورت مشکمل
ساک شدن می توان از ترفوری نیز برای ستر
پاک شدن توری سودحت. پس از پاک کردن کا مل
توری می با بست سا آب کا ملاتوری و کلیشه را
شتتودا دنا اثری از کلر روی آن باقی نمائند
پس از خشک شدن توری با دسگر مستوان طرح دسگری
راه همان ترسب و روال فوق ظاهر نموده و
استفاده کرد. تدگر: در حین استفاده از کلر بسنی
ودهان خود را حتی الامکان بسوشا نبدها که ذرات
کلر در فضا انتشار یافته و سراسرا سناشاق زیاد آن فرد
دچار حالت شوع و سوزش در چشم و سنی میشود.



مختلف فرق می کند. مثلاً در آزا کل S حدا قبل
می با بست ۱۵ دقیقه کلیشه را در معرض نور قرار
دا دودر آزا کل ایرانی این عمل نمیبا بست
از ۳ دقیقه بسشتر بطول انجا مدچرا که افزایش مدت
زمان نور مانع از باز شدن خطوط نوشته میشود .
پس از اتمام کار نور پردازی مجددا کلیشه را
بوسیله پارچه تیره استرا کرده و به داخل
دستوشی و یا حمار مورد زیر فشار رشیده آب قسرا
میدهیم. برای این منظور جلوی شلنگ آب را بسا
انگشت سدی کشیم تا آب با فشار زیاد بصورت
پودریه سطح کا ر کلیشه بسا شد با این فشار آب
نقاطی که در طرح مورد نظرسیا بوده و سون در معرض
نور قرار نگرفته از هم باز شده و سا بر نقاط کا مسلا
توسط ماده حساس بسته باقی میمانند. نور موجب
سفت شدن یافت مولکولی آزا کل میبندود و
قسمتهای که نور نیده اند را شرفشارا آب
ساختمان و بسونند مولکولی شان درهم شکسته و سا
میشود. از نقاط بازنده مرکب یا رنگ شل شده
سراحتی عبور می کند و مستوان برای چاپ استفاده
کرد. اگر فضای دستوشی و یا حمار کا ملاتا ریک
ساشد عمل با زکردن مؤثر تر به پیش خواهد رفت
همچنین مستوان از نور قرمز لایسهای ش خواب
برای روبرو بسا شادادخل حمار و با دستوشی استفاده
کرد. البته اگر کا ر بدون نقی صورت سگردن سنازی
به محیط تاریک نخواهیم داشت و با فشار آب و سترکز
روی خطوط و نقاط مختلف طرح بروی کلیشه کا مسلا
با ز میشود. مدت زمان نوردهی و نگه داری
در تاریکخانه در مورد مختلف کا ملباطور تجرسی
استخراچ میشود. پس از حندسا آزا مایش مستوان
این مدت زمان را بطور عملی مشخص کرد .

لکه گیری

ممکن است پس از ظهور سراسر فشار آب و سا
با سرعوامل قسمتهای ز توری باز شود که مورد نیاز

"جنتن از کارکنان دیوان محاسبات کشور در رابطه با مواد مخدر دستگیر شدند" (رساله ۲۵ تیر) این خبر تنها نمودی کوچک از مهلکه عظیمی است که کشور را در خود کشیده است. اعتبار این فاجعه هولناکی که آنچنین بر سر ما معصومین ما به سببش را میکند، هر روز بیش از پیش گسترده می شود. آنهم در میان جوانان که نیروی فعاله کشور را تشکیل می دهند. بنا به آمار رسمی رژیم ۹۹٪ افراد معتاد در سنین ۲۰ تا ۴۰ سال هستند. آری این حقیقتی است که حتی مسئولین رژیم جمهوری اسلامی نیز بدان اعتراف دارند. با نگاهی به روزنامه جمهوری اسلامی طی روزهای ۱۶ الی ۲۷ اردیبهشت، به نمونه‌های از این

انداخته می‌گوید: "یکی از علل مهم توسعه مواد مخدر و اعتیاد در گسترش شهرها و مهاجرت‌های بی‌روستایان به شهر می‌سینیم". از سوی دیگر مواد مخدر صرفاً راه‌آوردی از غرب شمسورده می‌شود. مثلاً موسوی تبریزی می‌گوید: "بیشک مواد مخدر یکی از راه‌آورد های نظام غرب است هم‌بوجود آمدنش و هم گسترش آن" (جمهوری اسلامی ۱۶ دیهشت) بر سبب این است که آیا با استقرار نظام اسلامی، "نظام غرب" در ایران گسترش یافته است که سبب چندین برابر شدن مواد مخدر و اعتیاد گشته است؟! محمد صمدی و وزیر کشور اعلام می‌کنند که: "ایران یک کشور ترانزیت مواد مخدر است، مواد مخدر بصورت تنی از افغانستان

مواد مخدر، مبارزه با معامله؟!

اعتراف رسمی خوریم، طی نشستی که اکثر مسئولین با اصطلاح مبارزه با مواد مخدر در آن جمع آمده‌اند، موسوی تبریزی می‌گوید: "اعتیاد کما ملادرا این چند سال گسترش پیدا کرده و آماری که کمته‌ها به یک بون قضائی مجلس ارائه داده‌اند، تا امروز بی‌سابقه بوده". وی به نواحی حاشیه‌نشین تهران و استان خراسان اشاره کرده و اضافه می‌کند: "سری بزید سینه‌بده خیر است... همچنین گفته "سجدحامعی"، مسئول واحد بررسی آفات اجتماعی وزارت کشور: "حقیقتات موضعی نشان می‌دهد که میزان معتادین (در بعضی مناطق) بعد از انقلاب دوبرابر شده است". از سوی دیگر حجت الاسلام شوشتری عضو کمیسیون امور قضائی و حقوقی مجلس به گسترش مواد مخدر اشاره کرده و می‌گوید: "روستا ئی را در حوزه انتخابتلی خودم آمارگیری کردم که در حال حاضر ۹۰٪ بالغین معتاد شده‌اند و خیلی از اینها سابقاً معتاد نبودند". سایر آمارهای این آقایان در روزنامه‌های فوق الذکر و واقعات دیگری ازین دست اشاره دارد: "اگر تمام اعتبار سازمان بهیشتی را هم بدهند که تمام اعتبار هم نمی‌دهند، قادر است ۳۲ هزار نفر را نگهداری کند...". و این در حالی است که آمار معتادین ما بنا بر آنچه که به مراجع بین المللی ارائه شده ۵۰ هزار نفر است... "میزان مواد مخدر در محدوده مرزها وقتی کشف می‌شود کمتر از ۵۰۰ کیلوگرم نیست...". بنا به آمار سال ۶۱، ۵۰٪ الی ۶۶٪ زندانیان عادی مساجد معتادین تشکیل می‌دهند... "در سال ۶۴، ۷۰٪ طلاقیان رسته‌اش اعتبار داده است". اس آمارها همه نشانگر عمق فاجعه است و تازه اینها ارقام رسمی رژیم بوده و واقعیت‌های آنرا سبب است. اما دلیل وجود و گسترش اعتبار در کشور ما چیست؟ سبب اعتراف موسوی تبریزی دلیل اس امر چیست؟ سبب جز: "جنگ، ساختارهای اقتصادی، سکارها و علل روانی، و اساعدا ساسی و ابغاد سودجویی که همگی اکنون هم‌سوز شده‌اند". بنه‌ای آنگاه خود می‌دانند که چگونه جنگ، سیکاری و فقر و مسائل روانی ناشی از آن، هزاران هزار جوان را کام اعتبار کشیده است، اما با اینهمه سعی دارند سبب همین وضعیت را هر چیزی غیر از جمهوری اسلامی و انمود کنند. علحانه مدیر کل سرپرستی و ارشاد سازمان بهیشتی با وقاحت تمام گسترش اعتبار در این حاشیه‌نشینان

تحلیل مماثل و شواهد خارج از تحمل بر سر مردم و ایراد فزاینده خونسین پلیسی با داغ ناشی از جنگ برخانواده‌ها بعنوان عوامل تشدید و گسترش زمینه‌های اجتماعی اعتبار، قتل از هر چیزی، ره‌آورد رژیم اسلامی بوده‌اند و معتقدیم استثنائی وسی سابقه‌های تولیدکنندگان و قاچاقچیان داخلی و بین المللی مواد مخدر فراهم ساخته‌اند. البته اگر اعتبار بتواند بعنوان مکمل ابزارهای سرکوب، ساعت‌خواران و رگوان، سکاران و نسل جوان و مانع خروج و حرکات اعتراضی آنان علیه فتنه‌های وارده از سوی رژیم اسلامی گسرد، کردارندگان رژیم غیرمهم‌ها و وظایف بسیار است که می‌کنند، نمی‌توانند قلیا از گسترش اعتبار خوشنودند. اما برای رژیم اسلامی، ترکمن صحرائی امروز که پس از سرکوب خوسین سال ۵۹ و ظهور وختناکی در اعتبار در رفته است قابل تحمل است با ترکمن صحرائی سال ۵۸ با شورا های مستقل، انقلابی و رزمنده‌اش با سخ‌چنین سؤالی را عملگر در رژیم اسلامی و تجربه مردم داده است.

در رژیم اسلامی نیز هم‌چون رژیم شاه، آنچه که شکه قاچاق مواد مخدر را سبب می‌شود، در بالا ترین سطوح به اشکال گوناگون با نهاد های حکومتی و گردانندگان رژیم درهم تنیده است. سوداگران اصلی مواد مخدر، یا از دولت سودان رژیم اسلامی اند، یا در ارگانهای رژیم، یا حسب نفوذ و مقامات و صاحب‌نفوذان رژیم را به رشوه و پول خریداری می‌کنند، بدون درهم - تشکیکی شکه با اصطلاح قاچاق مواد مخدر حکومت، اسن گفته‌اند و وزیر کشور که: ایران یک کشور ترانزیت مواد مخدر است و مواد مخدر بصورت تنی از افغانستان و پاکستان وارد ایران شده و از راه ترکه خارج می‌شود، غیر قابل فهم بود. رژیم اسلامی به انحاء گوناگون با توسعه مواد مخدر و اعتبار در سبب است، آقای سجدحامعی، مسئول واحد بررسی آفات اجتماعی وزارت کشور صریحاً اعتراف می‌کنند که: "در سخی نقاط کشور ما، خصوصاً مناطق مرزی صرف مواد مخدر و حتی قاچاق آن نه تنها خلاف شرع نیست، بلکه نوعی تاشبده شرعی راه هم‌بهره دارد."

اما ارتباط رژیم اسلامی با قاچاق مواد مخدر، از سبب سبب آن و زیر و کیل با شکه مواد مخدر با تکیه قاچاقچیان بزرگ سرفساد دستگاها و ارگانهای رژیم فرا گرفته است. مصطفائی، قائم مقام اطلاعات عملیات کشته‌ها فاش می‌کنند که: "... در مسائل قضائی تحت سرسر حق مالکیت سرامواد مخدر با بحث سر سر ما سبب عقلائی مواد مخدر است." (روزنامه جمهوری اسلامی ۲۰ دیهشت ۶۶) "مالکیت سرامواد مخدر و بی‌ماله عقلائی آن، سعی اینکه حکومت اسلامی، مواد مخدر را که از قاچاقچیان می‌گسردحای انهدام، سبب مالکیت خود را آورده و مسطورتا مس از رخا رحسی برای جنگ و سز در مقابل دریافت جنگ افزار از قاچاقچیان بین المللی اسلحه، مورد معامله قرار دهند. چنین معامله‌ای از سدگا سردمداران رژیم اسلامی، کما ملا "عقلائی" است، زیرا در شرایطی که دوام رژیم اسلامی به جنگ، و دوام جنگ سبب دلار و استه است، و در شرایطی که حمینی برای تأمین از جهت تداوم جنگ خنان در تنگنا افتاده است که بقیه در صفحه ۲۲

و در مقیاس کمتر از پاکستان به ایران حمل شده و از طریق ترکیه، روسیا می‌رسد". (کبهان هوا سنی ۲۲ تیر). بر اسن اساس، یکی دیگر از دلایل مهمی که مسئولین رژیم برای گسترش مواد مخدر می‌آورند، گسترده بودن مرزهای شرقی و غربی است که کنترل سون آن می‌شاید، اسن دگر و اقعا مضحک است. چگونه است که نیروهای سرکوبگر رژیم حمل حتی با اعلامه از اسبوه آنسوی خیابان و از این دست به آن دست را ز سر نظر دارند و مردم را حتی سفاکانه بر سر نشان به ما سببهای گشت مسورد می‌انطق قرار سدهند اما مواد مخدر از سبب ز افغانستان با شکه معنی در حقیقت از اسبوه آنسوی کشور آنهم بصورت تنی حمل می‌شود و آب از بگفته خودشان محبزه و سابل الکترولیککی تعقت و مراقب و دور سببهای عکا سنی و مسلم سرداری از صا های تاریک هستند و اکببهای تقویت شده محبزه سلاحهای سبب سگس و هگردان مری وک گردان ساحلی را به اضافه پاگاها و سرکها، در اختیار دارند؟!

اساس معطل مواد مخدر و اعتبار و گسترش بی سابقه آن نسبت به قتل از حاکمات اسلام، به ما هست رژیم ولایت فقه و سبب های آن مربوط می‌شود. قاسو اساسی جامعه سرمایه‌داری "نود" است و تولید و فروش مواد مخدر از سبب و ترسین فعالیت‌هایی است که قتل از هر چیزی هم‌سبب قانو اساسی جامعه سرمایه‌داری تکه دارد. رژیم اسلامی، یک رژیم سرمایه‌داری است که پس از تمام فوا در حرات از نظام سرمایه‌داری کوشیده و سمدان را برای بی سابقه ترس سودبری ها و ثروت‌اندوزی های طبقات سرمایه‌دار، سوداگر و انگل ساز گذاشته است. رژیم اسلامی نه فقط از جهت حفظ نظام سرمایه‌داری و سبب‌داری از سبب مال‌اندوزی سرمایه‌داران و سوداگران، بلکه هم‌سبب از جهت افزایش تقاضا برای مواد مخدر، سعی از جهت تشدید و توسعه زمینه‌های اجتماعی اعتبار نیست به دوره‌ای که اشرف پهلوی‌ها در رأس انحارات مواد مخدر قرار داشتند، گسترش مواد مخدر و اعتبار در چندین برابر ساخته است. گسترش بیگاری ملیونی؛ ایجاد موا سبب مذهبی سرسراه و روده‌دانگاها؛ فقیدان حشماندازی برای آئیده و فقیدان امنیت سراسری جوانان سرکوب‌دانش و هنر و فرهنگ و ورزش؛

قلعه حسنخان

۱۱/۵/۶۶ در روز یکشنبه
حسن خان مزدوران رژیم قسمتی از خانه مگونیسی یکی از زحمتکشان را تخریب میکنند. عده بسیار دی از مردم در آن محل جمع شده و به این اقامتگاه غیر انسانی آنها اعتراض می کنند بطوریکه یکی از معترضین می گفت، آخربرای حی خانه ایمن بیچاره را خراب می کنید؟ مگر شما مسلمانی نیستید؟ عوام مزدور رژیم برای اینکه نوک حمله را متوجه خودشان نکنند، ذروحواب اعتراضات مردم می گفتند که رهسپار به آنها تا آن است که خبر دادند. اهالی محل که از این عمل غیر انسانی خشمشان به جوش آمده بود، شروع کردند به فحش و ناسزا گفتن به آن کسی که خبر داد تا خانه بیچاره را خراب کردند. بطوریکه زنی می گفت: کسی که آن کار را کرد حگرتش بسوزد، خدا لعنتش کند. همچنین تعدادی از زنیهای محل در آن خانه تخریب شده تجمع کرده با اعضای آن خانواده همدردی می کنند. مردم عامل تخریب خانه های زحمتکشان را متوجه رژیم میدانند و در محبت ها چنین می گفتند:

زنی می گفت: ریش شان به خاک برود آخه چرا خانه بیچاره را خراب کردند، ببینید چه زندگی دارد، همه وسایلش را فروخته تا خانه اش را درست کند آتوقتی آدم خانه چنین کسی را خراب می کند. زن دیگری می گفت: آخه این مسلمونی است که بیاید خانه مردم را خراب بکنند. دختر آن خانواده که خانه شان را خراب کردند می گفت: وقتی آنها آمدند (منظور عوام رژیم) گفتم، کاش فتنه حرا خانه ما را خراب می کنید تا صبح زحمت کشیدیم تا توانستیم خانه را سا زیم، که با گفتن این حرف مرا انداختند داخل یک اتاق و گفتند اگر از این بیشتر حرف بزنی سر بدت را هم می بریم. یکی از زنیها گفت "هیج غلطی نمی توانند بکنند، زن کاری می گفت: حال دیگر هیچ کاری برای آدم نمی کنند برادر من محروح جنگی است و سگ پایش را در جنگ از دست داد و من رفتم که سرایش چرخ بگیرم، به من گفتند "برادرشان خوب است که حالا یک پایش را از دست داده بروید خدا را شکر کنید که چشمش را از دست نداد. من با شنبیدن این حرف شروع کردم به فحش و ناسزا دادن به آنها و گفتم حرف بخوردتوی سرتان، ساه و بسحیبا همه رشوه خوار هستند. مردی می گفت: اینها (منظور رژیم) که دم از مستضعف می زنند، می آیند خانه مستضعف را روی سرش خراب می کنند. مرد دیگری می گفت: کسی که خانه سه طبقه می سازد کاری به کارش ندارد. چرا آن را خراب نمی کنند، آتوقتی خانه این بیچاره را که با بدبختی خانه اش را ساخته می آیند خراب می کنند، یکی در رابطه با کشتن راجیا ن دومه می گفت: خوب کاری کردند آنجا (منظور حاجی ها) را کشتند، چشمان کور می خواستند نروند را هیبمانی، آنها هم بیگانه نمی شناسند. اینها مردم گوشت ندارند آتوقتی آن همه گوشتند آنها قربانی می کنند. زن دیگری می گفت "حاجیها تازه مکه میروند می فهمند عربها آنها را جا بیدند و با بدطوری این بیول را بدست آورند، و قدربولیای خود را داشته باشند و بخاطر همین خس و وذل سر می شوند. زن دیگری در مورد کشتن راجیا می گفت: بسین بیچاره را چطور کشتند کسی نکسرتش را میکرد این همه حاجی را بکشند.

اعتصاب را نندگان مینی بوس

دراوا خورشپور، گشنای سیاه در خیابانهای تهران اقدام به کندن سلاکهای مینی بوسهای خطی نمودند تا بدین طریق را نندگان این مینی بوسها را مجبور نماهند برای مدتی به حبه سرونند، سپس از این نینزدرا تا زال حدسد، ما مورسن شهرانی مینی بوسهایی را که اقدام سوار کردن سافراخ از ظرفیت خود می نمودند، جریمه می نمودند.

درا عراض به این اقدامات رژیم، را نندگان مینی بوسها دست به اعتصاب زدند و مینی بوسهای خط انقلاب، تهران نوبیسبا مینی را نندگان دیگر خطوط مینی بوس تحت نظارت شرکت واحد را ننگسخت و خط دیگر سربا اعتصاب کنندگان بسوسسد. رژیم که این اقدامات را نندگان اعتصاب را داس، ونسی با حرکت میحدرا نندگان رور و کردید دست به عفت نشینی زد و از اقدامات خود علیه این را نندگان کوتاه آمد.

سالگرد جنگ و "تک" نیر

طبق فرار رژیم که از طریق رادیسو و سلو برون و سلسفات وسیع دیگر برای سالروز جنگ اعلام شده بود، می باستی. رأس ساعت ۹ سب، مردم به میهای خانه ها رفند و یکسری گوسد. اما مردم با نحریم این اقدام، بنفر خود را از حرکت رور سب ریحا عی اسلامی سان دادند. بطوریکه علسر نم سلسفات وسیعی که بدین منظور صورت گرفته بود، سنبا از حد کوجه (وسه میا) عذای نعدای سحه وسعدا دمحدوددی حزب اللهی شنده می شد.

اراک - مبارزه با گرانفروشی!

طرح کدایی مبارزه با گرانفروشی عمدتاً مسوجه دست فروسی های گنا رجا بان عده اسی. طی مرداد ماه، مزدوران رژیم، سگار فروشیهای گنا رجا بان را دستگیر کرده وسه شهرانی می بردند. عده ای از اهالی اراک که نا هدا س جرسا بان بودند، مزدوران را به دمحس وساسرا می گوسسد. در سکی ارا اقدامات مزدوران، سکی اریان که قصد فروش کوس خود را داشت، ما ما هده اسی وضع سه اعراض بردا حواسا ما مورسن رژیم در گوسسد و آنان را مورد اساز قرار داد. مزدوران، اس رن وحسد دست فروس دیگر را زور سوار ما سن کرده وسا حوسد بردند. سکا می که ما مورسن مبارزه با گرانفروشی محاسا رنرک می گوسسد، مردم گنا رجا بان آنان را سد صدای سلسده وسوسسد.

جبهه و پشت جبهه ندا ریم!

حدی پیش باه تصمص و هماهنگی و رار آ مورس و پرورش و ارش وسبا استسا بان آ در با سجان عرس طوس، یک سربا مه سری، سسب در حدرا معلمس اس اسان حبت اعزام به حبه ها اسحاب نندد، اما به آنها بول داده نند که به حط مقدم اعزام نخواهد شد، بلکه به مورسب حبه مشعول خواهند شد. سر خلافا اسطا معلمن، سسرا ز اعزام، آنها را سسعبا به حط مقدم حبه اسسقال دادند. معلمس با حبرت ارنگد گوسسد برسند که مگر قرا رسود که ما در حط مقدم ساسم؟! آنها دست به اعراض زدند و اس مساله را به مشعول اعزام اطلاع دادند. مشعول اعزام سربا سب داد که حبه و پشت حبه ندا ریم، شما آمده اید حگسکد، همه معلمس سکا رحه وسعدا به اعلام کردند که ما برای حنگسدن ساسمداسم، ما رن وسحه دارم، سسب، حوا هم کسسه سوم، اگر اسطورا ندما سرمی گوسسد و همکی ماده رفش نندد. مشعول اعزام ونسی با اقدام کسار حه معلمس رور و گوسسد، دسسا حده و گفب سر کسدا مفاسا با لاصحب کسب، وی پس اریاسا با مفاسا با لاکف که هر کس مال با ند می سوا بدرفه م ساد و هر کس نخواهد شد حبه سرود، همه معلمس سکا سربا در سدما آمده اسبب حبه، به حط مقدم حبه، اس مساله و سروری معلمس مشعول معاوسی را در اسباط با نحریم حبه نوسب سسبت در سد عدی سوجود آورد، بطوریکه رژیم سوا سسبت برای مرحله بعد، سوسب به سسب و اعزام معلمس نبود.

با کمک های مالی خود
سازمان را در امر مبارزه
انقلابی یاری رسانید

پیدا کنید آزادیهای سیاسی را!

سید علی خامنه ای رئیس جمهور برای آنکه مردم را محاب کند که هیچ کشوری در جهان به آزادی های سیاسی پایبند نیست و فقط در اسلام و جا معه اسلامی است که آزادی های سیاسی موجودیت دارد، در نما ز جمعه ۱۲ تیر ماه ۱۶۶ ز حمله چنین گفت: "وقتی گفته می شود که در جا معه اسلامی مردم آزادیهای سیاسی دارند، این بدین معنی است که هم انتخاب را... دارا هستند و هم حق فعالیت سیاسی، انتشار مطبوعات و روزنامه، ایجاد تشکیلات، سازمان ها و احزاب، ایجاد اجتماعات سیاسی، بیان افکار و نظریات سیاسی و خلاصه انتخاب راه خود، راه سیاسی خود در جا معه را دارند."

تا اینجا روشن شد که "وقتی گفته می شود که در جا معه اسلامی مردم آزادی های سیاسی دارند"، این نه چه معنی است! خلاصه می ماند اینکه بگردید و در این جا معه اسلامی مردمی را که حق انتخاب دارند؛ حق فعالیت سیاسی، انتشار مطبوعات و روزنامه دارند؛ حق ایجاد تشکیلات، سازمان ها و احزاب دارند؛ حق ایجاد اجتماعات سیاسی را دارند؛ حق بیان افکار و نظریات سیاسی و خلاصه مردمی را که حق انتخاب راه خود، راه سیاسی خود در جا معه را دارند؛ پیدا کنید!

علیه رفیرولیسیم

ایجاب می کند که چنین گزارشی را با تنها بیست و دو روز بدون در نظر گرفتن منبع آن مورد نظر قرار دهند. (لنین - پیش نویس نامه ای از ک. م. و هشت تحریریه ارگان مرکزی به اعضای مخالف - همان مجموعه - ص ۶) می بینید که لنین، بعنوان یکی از اعضای رهبری، خود توصیه افشاکاری از نشانه های رهبری را با این صراحت و ازان بالا تر، بعنوان یک وظیفه حزبی مطرح می کند. این یکی از اصول حاکم بر سازماندهی و سلسله مراتب حزبی است که اپورتونیستها بسسه آن همچون کفرایلیس می نگزند. اما در شرایطی که اپورتونیسم خباثنگار تحت عنوان انضباط حزبی، حکومت نظامی برقرار می کند سکوت با تکمیلین، پشت پا زدن به وظیفه حزبی و لنینیستی است. لنین خود در توضیح حاشیه نامه "چرا از هبلیست تحریریه ایگرا استعفا کردم" می نویسد: "من این نامه را بلافاصله بعد از شماره ۵۳ برای ایگرا فرستادم. هبلیست تحریریه از چاپ آن در شماره ۹۴ دداری کرد. بنا بر این محور شدیم که آن را، جورت یک جزوه چاپ کنیم." (همانجا - ص ۱۶) وقتی مسائل مهم سرانهای و تشکیلاتی، مسائل متوسط به ادا معیبات انقلابی یا تحدید عیدنا سنت های انقلابی مورد ملاحظه باشد، درست وضعیتی که اکنون اکثریت در آن برمی سرد، پیش از هر وقت دیگری باید به این شیوه لنین عمل کرد. درغرای صورت امکان مبارزه مؤثر، مبارزه افشاکرانهای که در آن هم خطوط نظری صراحت یا سندوم همه اعضا، هواداران ستوانند حقیقتا به اختلافات و قوف با فته و راه خود را انتخاب کنند، وجود نخواهد داشت و خط مسلط در رهبری فعال ما نشاء خواهد بود. لنین به ویژه در مورد مسائلی که به خود رهبری مربوط میشود (نظریسه نقش فوق العاده ای که رهبری در یک تشکیلات حزبی ایفا می کند) هتدا رهای مداوم و موصرحیسی می دهد: "ما حزب ما باید بطور مستمر، مداوم و سیستماتیک اشخاص مناسب را برای هیئت های

مرکزی ترست کند. باید به وضوح ما شد کف دست، تمام فعالیت های هر یک از کاندیدا های این مقامهای بالا بسیند، باید حتی خصوصیات شخصی آنها را، نقاط ضعف و قوتشان را و بیروزیها و "شکستهایشان" را بشناسد... باید همیشه هر "شکست" یک "رهبر" و با دیگر رهبران را حتی اگر جزئی باشد، در نظر داشته باشد. هیچ رهبر سیاسی وجود ندارد که بیرونده اش خالی از شکست باشد و اگر ما بهنگام محبت در باره نفوذ در توده ها و جلب "حسن نیت" آنها جدی هستیم، باید با تمام قدرت مان بگوئیم و اجازه ندهیم که این شکستها در فضای کینک زده محفلها و گروهها سکوت بمانند، بلکه آنها را در معرض قضاوت عموم قرار دهیم. این موضوع در وهله اول ممکن است دست و پا گیر و مزاحم به نظر برسد، حتی ممکن است گاهی اوقات به نظر بعضی رهبران "اها ت آمز" تلقی شود. اما ما باید بر این احساس غلط غلبه کنیم. این وظیفه ما نیست به حزب ونسبت به طبقه کارگر است... تنها تبلیغات گسترده است که می تواند "خیج واداهای" اتفاقی و بوج و مسخره بیس "گروهها" را تبدیل به ماده اساسی و مفیدی برای خود آوری حزب بماند. ("نامه به اسکرا" - همانجا - ص ۱۴) این درست همان کاری است که اپوزیسیون درون اکثریت می باید کند. تبلیغات گسترده در باره شکستهای رهبری، مبارزه علنی برای روشن کردن علل آنها، افشاکاری در باره کارنامه اعضای رهبری، نگذار همه بدانند که چگونه فرخ نکیداروسا بر رهبران خاش اکثریتی، کام به گام مسربه سازش کشاندن اکثریت نیروهای فدائی را با رژیم جمهوری سلامی هموار کردند. در این نوع مسائل هیچ "نگتیه امنیتی" وجود ندارد. برعکس نگاه می بروند این مواضع و فعالیتها، بررسی علل این فرخندنها و منلق زدنها، به خوسی بیتی رفرمستی و خباثنگارانه حاکم بر حاکمین آنها را روشن سازد. طرح این نکات در اتاقهای درسته نسی دردی را دوانمی کند. تبلیغات گسترده، نسیور بستر!، مبارزه در حضور همه! این است شوه ای که

اپوزیسیون اکثریت با بیدر پیش بگیرد. "تقدس شکلیات" در شرایطی که رهبری فاسد و سوروکرات حزقی مقلبله با شروع فعالیت با لیم و انقلابی کاری نمی کند و ممالح خود را بر فراز همه چیز قرار میدهد، تنها خوب لای جرخ حسابرسی انقلابی و تصفیه حساب با گذشته می گذارد. خطوط پلانفرم انقلابی روشن هستند؛ مبارزه برای تسخیر قدرت مبارزه برای هژمونی پرولتری، مبارزه واقعی برای انترناسیونالیسم پرولتری در کردار، مبارزه عملی برای دمکراسی و گذار بلاواسطه به سوسیالیسم، می بایست با صراحت به ایسین مسائل پرداخت و اختلافات را بر سر این مسائل متمرکز و روشن کرد. گرفتار شدن در لابیرینت سوروکراتیکی که با نندنگهدار بر سر راه ایسین میاحثات می گذارد تنها به ادا معصات نیمه جان رفرمسم باری میرساند و تلاش و گتبدن آن را در دناک ترمی کند. دمل را با بیدنا نیشتر ترکانند، مسکن دوا ی درد نیست.

با توجه آنچه گفته شد، به نظر ما، طسرح مبارزه آیدئولوژیک علنی، اختصاص ستونهای سخت در ارگانهای مرکزی، متمرکز و سوری اساسی ترین مسائل انقلاب، بررسی علل شکستها و تسویه حساب را دیکال با این گذشته و طرد رهبرانی که نقش تعیین کننده در این روند داشته اند، تنها اسلوب ممکن پیشبرده مبارزه در مقطع فعلی است. تا زمانی که اپوزیسیون چنین نکند و عملا خود را تابع تا کتیکها و امسال رهبری نکند، لاجرم، خود را با رهبران خاش در یک ردیف قرار داده است. وظیفه انقلابی عناصر و حرا نات ما دقی که قصد تصفیه حساب را دیکال و انقلابی با گذشته ننگین اکثریت دارند، دان زدن به این مبارزه علنی، طسرح آشکار نظرات خود و گت از این پیش رفرمبستی است. جزاین هراهی کج راه است.

پایان

ریشه ها و چشم اندازهای... نیا له از صفحه ۸

می دهد. با اینهمه، گرایشات جد در مان طبقه کارگر و روشنفکران دموکرات، روه تقویت است. با قرا رگرفتن طبقه کارگر در صف مقدم مبارزه برای دموکراسی، ممکن است بسیاری از معادلات سرعت دگرگون شود. پرولتاریا در وسط صحنه قرار گرفته است!

مابع:

- ۱- لوموند دیپلما شک، آوریل ۱۹۸۶
- ۲- هاخ کو، "تفسیر ساختار طبقه کارگر"، محله "بررسی در تحریک و لایه بندی اجتماعی"، شماره

- ۱۹۸۵، ۴
- ۳- س. ای. او. وندکیم، "گره حوسی" در ۱۹۸۶؛ تدارک برای انتقال قدرت. "محله "بررسی های آسانی"، ژانویه ۱۹۸۷
 - ۴- هاخ کو، "تفسیر ساختار...".
 - ۵- لوموند دیپلما شک، آوریل ۱۹۸۶ و کیم چونگ - سک، "گره حوسی، مردمانی که در اعماق جامعه زندگی می کنند"، محله AMPO، چاپ ژاپن. گزارش سباز زنده است از زندگی کارگران.
 - ۶- تسم شوروک، "مبارزه برای دموکراسی در گره حوسی در سالهای ۱۹۸۵، موج عدالت آمریکا"، محله "قطبها جهان سوم" اکتبر ۱۹۸۶، حساب آمریکا. عمده اخبار سیاسی، از این محله گرفته شده است.

- ۷- نام شکل های دانشجویی، خود نشان دهند گرایشات را دیکال در میان دانشجویان می باشد. مهمترین شکل های دانشجویی عبارتند از: "مبارزه برای توده ها و دموکراسی"، "مبارزه برای خودتکالی و دموکراسی"، "دراسیون ملی برای شوراهای دانشجویی" و "فدراسیون دانشجویی برای توده ها و دموکراسی".
- ۸- در رابطه با مواضع آمریکا، مراجعه شود به "قطبها جهان سوم"، همان شماره، و مجله "فارین امیرز"، مقاله "گره جناق آسانی"، اوت ۱۹۸۷
- ۹- "قطبها جهان سوم"، منبع فوق.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا



عملیات مشترک پیشمرگان

سازمان کارگران انقلابی ایران راه کارگر و چریکهای فدایی خلق ایران

در منطقه پیرانشهر

حمله به پایگاه ژاندارمری "چه کو"

در تاریخ ۶۶/۶/۱۴ یک دسته از پیشمرگان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) و پیشمرگان چریکهای فدایی خلق ایران با شش سائلی و طرح فسیلی به طرف پایگاه ژاندارمری که کور محروس دشت پیرانشهر می باشد حرکت نمودند.

پیشمرگان پس از استقرار در حوالی پایگاهها در دو دسته در ساعت ۹ شب تهاجم قهرمانانه خود را از حصد متری پایگاهها و از کار رسمهای خاردار اطراف آن آغاز کردند. با تلیک شوکهای آریبی حی طرف موتورخانه پایگاه دستههای دیگر از پیشمرگان آتش همه جانبه ای را بر روی پایگاه گشودند.

مزدوران مستقر در پایگاه در میان حملاتی در پی پیشمرگان با ترسار، قشایه، نارنجک اسفندازن، آریبی حی و انواع سلاحهای دیگر سنگرهای پیشمرگان را زیر آتش گرفتند. پیشمرگان پس از عقب نشینی موقت با آرایش دیگری مجدداً پایگاه را زیر آتش سلاحهای کوشنده خود قرار دادند.

طی این عملیات که نیم ساعت طول کشید تلفات و خساراتی به پایگاه وارد آمد که از میزان دقیق آن اطلاعاتی در دست نیست و در تمام مدت عملیات حاشیانه خودکشیهای زنی در حمله پیشمرگان سی هدف شروع به کوبیدن منطقه نمود.

- سرنگون با درژم جمهوری اسلامی ایران!
- فرقار با دجمهوری دمکراتیک خلقی!
- پرووزبا دسارزات عا دلانه خلقی کرد!

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - کشته گردستان

۲۲ شهریور ۶۶

کمین مزدوران در هم کوبیده شد

در نیمه اول شهریور، رژیم جمهوری اسلامی، نیروی مسلح زیادی از مزدوران با سلاح گروه فرست خود را که شامل پاسداران و جاسپهای خود فروخته، سوکان، سقز و آشوبه بودند در روستاهای سکوس، ترکش، نا و خوارده و کوپرجهت حفاظت از پایگاهها و محورهای ترده خود در این منطقه مستقر کرده بود.

پیشمرگان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) و پیشمرگان چریکهای فدایی خلق ایران که برای انجام یک ما مورست نظامی در تاریخ ۶۶/۶/۱۶ به طرف روستای نا و خوارده در حرکت بودند وقتی که ساعت ۸/۱۵ دقیقه وارد روستا شدند با کمین گسترده دشمن مواجه گردیدند. در همان دقیقه اول نیروهای دشمن که سر بلند بیابست با مایه روستا مستقر شده بودند از فاصله چند متری بر روی پیشمرگان آتش گشودند و پیشمرگان سریعاً با حسارت تمام اسلحه را عمل را دست گرفته و با آتش ساری خود آتش دشمن را خاموش نمودند و تمام مزدوران را از روستا به طرف پایگاه فراری دادند.

پس از آن، مزدوران به قصد محاصره پیشمرگان با استفاده از آریبی، خمپاره و عوتسار قشایه حمله مجددی را به مواضع پیشمرگان سازمان دادند که با مقاومت قهرمانانه آتش ساری و تعرض مجدد پیشمرگان ناکام ماند.

بدین ترتیب طی این مقاومت پیشمرگان از فاصله بسیار نزدیک و رویا روستا نارنجکهای دستی و رنگارم مسلسلهای خود دشمن را در تمام مقاصد خود ناکام گذاشتند.

پیشمرگان در میان این درگیری که مجموعاً نزدیک به ۴۵ دقیقه طول کشید عالم منطقه عملیات را ترک گفتند. در این درگیری حداقل سه تن از مزدوران رژیم زخمی شدند که طبق آخرین اطلاعات دریافتی یکی از مزدوران زخمی پس از چند ساعت به هلاکت رسید. وی یکی از معاونین عملیاتی سیاه رومیه بوده است. مزدوران رژیم روز بعد از عملیات به اذیت و آزار اهالی نا و خوارده پرداختند.

- سرنگون با درژم جمهوری اسلامی ایران!
- فرقار با دجمهوری دمکراتیک خلقی!
- پرووزبا دسارزات عا دلانه خلقی کرد!

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - کشته گردستان

۲۲ شهریور ۶۶

فقها در مبارزه با "بدحجابی"

چنین میفرمایند:

"زنان بدحجابی که دستگیر میشوند، ابتدا تذکرات لازم آنها داده شده و وسایل سیردن و تکیه آنها آزاد کردند، نشریاتی با زبان ساده در اختیار آنها قرار گرفته که موضوع نشریات باید شرح زیور باشد.

۱- محرم و نامحرم چه کسانی هستند؟
۲- بدحجابی وسیعاً چه ضررهائی برای جامعه دارد؟
۳- عقاب آخرتی بدحجابیها از مشاهدات پیامبر (ص) در معراج شرح داده شود.
(حمت الاسلام) انصاریان روزنامه رسالت ۲۲ مرداد، و اما مشاهدات پیغمبر در معراج:
"حضرت عبدالعظیم حسنی نقل می کنند از امام حواد (ع) و ایشان از حضرت امیرالمؤمنین (ع) که حضرت علی (ع) می فرمایند: من وزهرا (س) به نزد پیغمبر اکرم آمدیم، دیدیم که پیغمبر (ص) به شدت گریه می کند، از پیغمبر (ص) سؤال نمودیم که چه موضوعی موجب چنین گریه ای شده است، فرمود: علی جان! شب معراج، زنی از زنان امت را در عذاب ندیدم تا ندانم که زنی را دیدم که او را با موی جلوی سرش به دیوار جهنم آویزان کرده بودند، در حالیکه مغز او از شدت عذاب در حال جوشیدن بود، زنی را دیدم که او را با زبانش به دیوار جهنم حسا نه و حمیمه گلوی او می ریختند، زنی را دیدم آویخته به سینه خود بود و گوشت بدن خود را می خورد و در میان آتش مسوخت، زنی را دیدم با های او را به سینه سته بودند و عقربها و مارها را به بدن او مسلط ساخته بودند، زنی را دیدم که او را در تالابوتی از آتش و ی را عذاب میکردند، زنی را دیدم گوشت بدنش را با قیچی آتشی قطعه قطعه می بریدند، زنی را دیدم آتش از دهان و دماغ و حشهای وی بیرون می آمد و آنچه را که در شکمش بود می خورد، زنی را دیدم سرش مثل سرخوک و بدن او مثل بدن خرو ملائکه تا زبانه سرش می زدند، حضرت زهرا (س) عرض کرد، بدرجان، گناه این زنان چه بوده؟ حضرت رسول (ص) فرمود: نور چشم من فاطمه جان!

آن زنی که به سوی سرش آویخته بودند، زنی است که موی سر خود را در دنیا از نامحرم نمی پوشانند آن زنی که زسان آویزان بود، زنی است که شوهرش از دست وزان او در امان نبود، آن زنی که به باعایش آویخته بود، زنی است که بدون اجازه شوهر از خانه بیرون می رود، آن زنی که گوشت بدن خود را می خورد، زنیست که خود را از دست می کند و از دیدن نامحرم خود را حفظ نمی نماید، آن زنی که دست و پایی وی را بسته بودند و ما روعقرسها را به او مسلط کرده بودند، زنی است که وضو نمیگرفت، لباس و حاشیه اش را از نجاست پاک نمیکرد و غسل انجام نمیداد و مساز را سنگ می شمرد، زنی که سرش، سرخوک و بدنش، بدن خرو بود، زنی است که سخن حسی می کرد، آن زنی که آتش از زبانش خارج میشد، زن آزاره خوان بود..."

(تخلیفی "روزنامه رسالت ۲۹ مرداد)

حق تعیین سرنوشت حق مسلم خلقهاست!

عقب نشینی به میان توده‌ها، یا عقب نشینی از میان توده‌ها؟!

سازمان مجاهدین خلق در بیگانگی مطلق با هرگونه منش و روش دمکراتیک در پی آن است که ایرادگیری و منتقدان خود را مرعوب کرده و اگر نمی‌توانند آنان را به چاکران جان نشا و رخصوی مبدل نماید، دست کم به خاموشی و خفقان و ادا نشان سازد. برای منتقدین داخلی که در جنگ رخصوی با شما مکانات ویژه‌ای وجود دارد مثل زندان "سأله‌دارها" و "دوره‌های رفع ابهام"؛ اما طبیعی است که از این روشها و وسایل سراسری منتقدین بیرونی یا مجاهدین که خارج از تشکیلات رجوی هستند نمی‌توان استفاده کرد. برای مرعوب کردن منتقدین بیرونی، سازمان مجاهدین به دو وسیله متوسل می‌شود: یکی تهدید به محازات در جمهوری با ملاحظ "دمکراتیک" اسلامی و خط و نشان کشیدن با این بیان که: "وای اگر از پس امروز بیدار شدی!"; دوم، توسل به اعتراضات و بیعت‌ها، هر چه غلبت و کثرت، تا بلکه حریف، از وحشت لجنی که سرسرو رویش پاشیده می‌شود، خود را از سر راه روحی کنار کشد. روش سازمان مجاهدین خلق چنین است: اگر از من انتقاد کنی، خواه هم گفت با خمینی "همزمان" هستی! اگر بپوشد از تاج عبت من برداری، تو را "متحد عینی ارتجاع" خواه من میدانم! اگر برای نشان دادن رجوی به جای خمینی اسلحه برداری، خواه هم گفت با "مبارزه مسلحانه" و با سرنگونی قهرآمیز رژیم خمینی مخالفتی! اگر به خط و سرنا مسه بورژوازی من حمله کنی، تو را "چپ نمایی فرست طلب فدا انقلابی" خواه من میدانم! اگر در خیصل بستن مرا به امیریا لیست‌ها و خیانت‌ها به اهداف فدا امیریا لیستی مردم و انبوهی از مجاهدین شهید مورد حمله قرار دهی، تو را به سخن گفتن با "گدهای امیریا لیستی" متهم خواه کرد... الخ. ما یکبار برای همیشه اعلام کرده ایم و از تکرار آن خسته نخواهیم شد که توسل رجوی سست ترسم فکری یعنی خط و نشان کشیدن، تهدید به مرگ، انتساب به همدهانی و همدستی با خمینی یا هر تهمت و افترای دیگر، ما را از بیان حقیقت دربار ما سازمان مجاهدین خلق و افتای ارتجاعیت شعار "رجوی ایران - ایران، رجوی برای کارگران و توده‌های مردم زحمتکش، منصرف نخواهد کرد. طبیعی است که سازمان مجاهدین نیز در قبالت این عزم ما با شدت بیشتری به حربه‌های تهدید و بهتان جنگ اندازد و با استمال و کلافگی به فحاشی و کلمات غیظ آلود و هستریک متوسل شود، چرا که برای دفاع از سیاست و سرنا مسه دیگری و وسیله دیگری در اختیار ندارد. (از کوزه همسان بیرون تراود که دروست).

در تعقیب همین روش "دمکراتیک اسلامی" است که "نشریه اتحادیه انجمنهای دانشجویان مسلمان خارج کشور" (جایگزین نشریه "تجاهد") در شماره ۱۰۴ خود ما را متهم به "جانبداری" از علی-اصغر حاج سیدخواهی، بیروزی بیخوبی و "طرفداران شریعتی" کرده و با توجه به مفت‌هایی که سراسری نامبرندگان می‌شمارد (به ترتیب: "عامل فرومایه استعمار"، "عنصر خبیانتکار فدا انقلابی که عملا

دست در دست ساواک خمینی دارد" و "گمانگه سرنخشان به رژیم خمینی مربوط می‌شود") نتیجه گرفته است که راه کارگر "تا کجا در خط امیریا لسم و ارتجاع است". حال چرا ما متهم به "جانبداری" از ابان شده‌ایم؟ چون گفته ایم مجاهدین درست از همان روش‌هایی استفاده می‌کنند که رژیم خمینی در رابطه با مخالفین خود سکار می‌کرد و بر حسب زدن، به شیوه‌ای بی‌خوردانه با مخالفان و منتقدان نشان تبدیل شده است. ما متهم به "جانبداری" از ابان می‌شویم، چون از رجوی می‌پرسیم: تو که حاج سیدخواهی را با خطراتکسه آمریکا با و تماس گرفته‌ای، "عامل فرومایه استعمار" میدانم، و لاجرا تا وقتی با سرنخشان در نیفتاده بودی و سرگردی؟ تا نیا جرا تلاش می‌کردی او را و دشواری مقابله و متکونی؟ و تا لانا اگر تماس آمریکا ساکی از او "عامل فرومایه استعمار" می‌سازد، تماس تو با همه امیریا لیست‌ها و زحمله آمریکا و مفای حمایت گرفتنت از دست راستی - ترین جناح‌های هارونائیت آنها از توجه می‌سازد؟! رجوی چون جرأت پاسخ به این سئوالات را ندارد برای گریز از پاسخ، ما را متهم به "جانبداری از حاج سیدخواهی می‌کنند و یک مارک "بورژوازی فدا انقلابی چپ و لگر" هم روی ما می‌چسباند تا نیا بددیگر از این سئوالات رسوا گریز و کلافه‌کننده نکنیم! اما می‌گوئیم اگر بیروزی بیخوبی دست در دست ساواک خمینی دارد و اگر طرفداران شریعتی سرنخشان به رژیم خمینی مربوط می‌شود، چرا اسنادت را منتشر نمی‌کنی و فقط ادعا می‌کنی؟ چرا آدمی مثل بنی صدر آن با بقه رسوا در دوران راست جمهوری اش، ما دام که نان به توقرض می‌داد، آن همه آدم بزرگی سود که از ضرورت "بکار انداختن شناخته‌شدگی و اعتبار داخلی و سن المللی آقای بنی صدر عنسنسوان رئیس جمهور در مسرریبائی آلترنا تیدو مکرراتک" دم می‌زدی و جان سنی صدر رایت آنقدر عزیز بود که می‌گفتی: "چنانچه خدای ناکرده حادثه‌ای اتفاق می‌افتد... دشمن فقط در صورتی به آفتاب سنی مدرست بسد می‌گردد که نیا بتا از روی جسد همه اعضا سازمان و بخصوص برا در غنوم مرکزست سازمان و ضمنا همسر و سرخودم می‌گذشت" (مصاحبه رجوی با "ایران نشهر")، ولی ناگهان از روی که زنا نش به روی تودرا زنده‌خاستت و پلشتی اوسی سردی؟! سازمان مجاهدین که خود را در مخمه صدها هزار گوش منتظر نشدن با سبب اینگونه پرسش‌ها می‌بیند، چون ناگزیر است از درگرددن در این میدان گریز، نیا بتا است در مانندی (هر چند که ظاهراً تیش گرفته و خشمگین) به سیرا ه می‌زند تا اذهان را از سئوالات بی‌جواب منحرف سازد. از حمله به جای پاسخ به سئوالات ما، فریاد می‌زند که راه کارگر، سعادت‌آورد، "راه بریدگی و تسلیم طلبی و انحلال و عقب نشینی به میان توده‌ها" را سرگزیند و این راه، "راه سرما به - داری" بود! راه کارگر، "راه سرما به داری" - انقلابی و "راه بورژوازی فدا انقلابی چپ و لگر" است!! (نشریه اتحادیه... شماره ۳۴)

شیوه‌های سازمان مجاهدین فقط به نشگون گرفتن از روی استیمال و "جوانسیدن" برای خنک کردن دل خود شامت دارند تا سبب سرخورد سیاسی، اگر "بریدگی" این تا شد که علقه خود را از سازمان مجاهدین که پشت به مردم کرده است بریده ایم، و اگر "تسلیم طلبی" این با شد که به مبارزه مسلحانه برای ولایت رجوی دست نزده‌ایم، بریدگی و تسلیم طلبی را قبول داریم، اما اگر بریدگی به معنی سریدن از ارمانهای دمکراتیک و انقلابی، روی آوری به ضد دمکراتیک تریستن سیاست‌ها، برنا مه‌ها و روش‌ها، وحشت از اراده و اقتدار توده‌ها، تلاش برای برقراری یک دولت مذهبی و یک ولایت فقهی دیگر، انکار حق خلق‌ها برای تعین سرنوش خود، مسابقه ورق‌هاست با رژیم خمینی و سورژوازی و زحمله سلطنت طلبان در حفظ ارتش خدا از مردم، رقابت برای نجات نظام بهره‌کشی سرمایه داری، رقابت در کمونیسم ستیزی و تبدیل شدن به نماینده انحصاری سورژوازی باشد؛ و اگر تسلیم طلبی به معنی برحمت تسلیم بر افتادن در سراسر امیریا لسم، ابراز ندامت از سابقه ضدیت با امیریا لسم و گدائی حمایت از امیریا لیست‌ها باشد، آنوقت روشن خواهد شد که راه بریدگی و تسلیم طلبی، راهی است که سازمان مجاهدین خلق در سراسر شیب بی‌بازگشت آن افتاده است. رجوی "عقب نشینی به میان توده‌ها" را به نشخندی می‌گرد و حق هم دارد، زیرا در مقام رقابت با خمینی و رضا نیلوی، نمی‌توان از بقای کمونست‌ها در بیانه توده‌ها و از ریشه دوانسیدن کمونست‌ها در میان توده‌ها خوشنود بود و نمی‌توان حرکات و اعتصابات دلچره آورکارگران را در سدود چار فطراب و ضعف اعصاب نشد، رجوی حق دارد عقب نشینی به میان توده‌ها را سبب مسخره گیرد، زیرا او را عقب نشینی از میان توده‌ها را سرگزیده است و در این راه به قسول نشریه اتحادیه، "چهار رنعل" می‌تازد. عقب نشینی به میان توده‌ها و عقب نشینی از میان توده‌ها، آن دوراهی سرنوش سازی بود که بی‌ساز سلطه سرکوب و تنبیر تو از قوا به زبان انقلاب دره ۳ خرداد، مسبر و فاداری به مردم، تنگ تر کردن پیوند با توده‌ها، سازماندهی مبارزات آنان، و مسبر جدائی از مردم، تبدیل شدن به فرقه‌ها، بریدن از خواست‌های توده‌ها و پشت کردن مبارزات آنها را در برابر احزاب سیاسی قرار صداد. عقب نشینی به میان توده‌ها، استقرار اعضا و هواداران سازمان ما در محل کار و زیست کارگران و زحمتگهان بود، و عقب نشینی رجوی از میان توده‌ها، سرورن کشدن اعضا و هواداران از محل کار و زیست مردم، مسبری که رجوی سرگزید، ما اهداف وی در انطاق سبب و اوقصد آن نداشت که حاکمیت توده مردم را سازمان دهد، بلکه می‌خواست حاکمیت خود را بر مردم جایگزین حاکمیت خمینی سازد و نه تنها نیازی به سازماندهی مبارزات مردم نداشت، بلکه از آن می‌ترسید.



در سال‌های ایران صاحب نقش هستند " یک سؤال مهم باقی می ماند که ما زمان مجاهدین خلقی باید در برابر افکار عمومی مردم ایران و جهان صریحاً به آن پاسخ دهد. آن سؤال این است: چرا کنگره آمریکا تا به حال یک قطعنامه نفع جبهه آزادی سخن ویتنام (به هنگام جنگ ویتنام) به نفع نهضت خلق فلسطین، به نفع کنگره ملی آفریقا، به نفع ارتش نوین خلق و حزب کمونیست فلسطین و احش " سر " در سطحی ما در نگردید است؟ آیا آنها " یا دیگر "ی در تحولات نبوده و در مسائل مربوط به کشور خود " صاحب نقش نبوده اند؟ شما در لحظه حاضر " یا دیگر " ترو " صاحب نقش تر از حسیه ما ندانست در مسائل نکا را گوا - براغ دارید؟ چرا کنگره آمریکا به حمایت از آن سرنمی - خزد و چرا وزارت خارجه دولت رگان نیست به آن " پذیرش نشان نمی دهد؟ چرا کنگره آمریکا که ستاد ارتجاع جهانی است و وزارت خارجه آمریکا که مرکز سازماندهی سرکوب دمکراسی و انقلاب در سراسر جهان است، برای ما و صبیوبونست (در آن گولا)، برای رنامو (در موزامبیک)، برای کنترها در نیکاراگوا و برای مجاهدین افغان قطعنامه حمایت مادی کنند و " پذیرش " نمی دهند؟ " تحول کفی " سازمان مجاهدین را با بددر " برسدگی " اش از مردم و دمکراسی و انقلاب، و " تسلیم طلبی " اش در برابر مریا لیم، و در یک کلام، در " عقب نشینی " از زمان توده ها سه ادا مسن ارتجاع و مریا لیم اداست .

مواضع خرد... د نباله از صفحه ۱۷

ناگزیر به صادرات ما در زمان و قاری رو آورده است، چه چیزی " عقلانی " تر از این که حکومت بحالی سوراندن " طلای سفید " (هروئین)، آن را از طریق فروش به دلالان بی المللی یا معاوضه با اسلحه، تبدیل به احسن کند، هنگامی که آینه حنک و موجودیت رژیم اسلای در سال است، برای آخوند، حلال و حرام وجود ندارد. در تحقق همین " معالیه عقلانی " است که حکومت اسلامی نه تنها هروئین های مصادره شده از قاچاقچیان را رأی و ادا سازا رها نمی موادمخدر می کند، بلکه ترساک های بدست آید نیز استاد دلار را توار می دولتی که در قلب گویر احداث شده تبدیل به هروئین می کند و سپس به " معالیه عقلانی " اش می رسد. به این ترتیب حرف آقای هوشیار، مدیر کل امور انتظامی وزارت کشور را باید ادا و کرد که می گوید: " اقداماتی که (در رابطه با مصادره) در کشور پس از پیروزی انقلاب شده، دقیقاً روب تکامل بوده است "!

برای پوشاندن و بهتر سازمان دادن همین معاللات " عقلانی " است که رژیم ولایت فقیه با عنوان سجات قاچاقچیان موادمخدر را نراد تحت سرکشته ای را گروه گروه به جوجه های شراران می سپارد و خود را مدافع سلامتی مردم و قهرمان سازنده اعتقاد قلمداد می کند. برای سرازه با اذاعه دهندگان اعتقاد، قتل از همه سادسه حیات سکن جمهوری اسلامی با مان داده شود و گره تنگه بی رحمانه و اعدام و محنیا نسه قاچاقچیان خرده پادست رژیم ولایت فقیه، نه تنها تنوع خویش و سرکوبگرایی مولوی مرگ را تیزتر می کند، بلکه عملیانه انحاری شدن معاللات مصادره و سرکوبتر سازمان یافتن آن منتهی می گردد.

نشریه "شورا"، ما هنا مه شورای ملی مقابله و (شماره ۳۱ و ۳۲) با اعتراف به "تجدید نظر در موضع وزارت خارجه (آمریکا) نسبت به ما زمان مجاهدین" دنبال توضیحی عوام فریبانه برای دلایل این تجدید نظر می گردد و بهترین توضیح را همان توضیحی می یابد که "ریحاردمورفی"، مدیر کل وزارت خارجه آمریکا داده است. وی گفته است: "ما زمان مجاهدین خلق" با زیرگی در ایران امروز است. "نشریه "شورا" دنبال یک "تحول کفی" در سازمان مجاهدین "می گردید که نشان دهد چرا آمریکا که تا دیروز سازمان مجاهدین را تروریست می نامد و از آن سرزمینی کرد، حالا به مذاکره با آن تن داده است؟ ما بدهم دنبال چنین تحول کیفی گشت، اما با پاسخ آن سرخلاف جواب مسخره ای که نشریه "شورا" داده است نه در رفتن روحی به خاک عراق، بلکه در نتایج خط عقب نشینی از میان توده ها، بریدگی از دمکراسی، تسلیم شدن در برابر مریا لیم و حلق اعتماد آنها در رقابت با خصم و سلطنت طلبان در دفاع از ارگان نظام استعمار سرمایه داری، لگدمال کردن دمکراسی و کمونیسم ستیزی بوده است. "نشریه "شورا" می نویسد: "ریحاردمورفی و وزارت خارجه دولت ریگان ناچار شدند اعلام کنند که ما مجاهدین در سال‌های ایران صاحب نقش هستند. از آنجا که "یا دیگر" دیگری در سازمان برای سرنگونی رژیم خمینی در "ایران امروز" وجود ندارد، این امر به معنای پذیرش مجاهدین خلق... به عنوان آلترنا تیبور رژیم خمینی هم می باشد...".

اگر قطعنامه ۴۵۴ را بنمایند کنگره آمریکا و "پذیرش" مجاهدین خلق بعنوان آلترنا تیبور رژیم خمینی توسط "ریحاردمورفی و وزارت خارجه دولت رگان" تنها به خاطر این باشد که "مجاهدین

رجوی خود را چوبان می دانند و در نتیجه، سردم را گوسفند می خواهد؛ گوسفندانی که با اما جدید به بحث کنند و برایش نظرات راه سبندازند و کف بزنند. "سازمان صلحانه" رجوی با خصمینی، که رجوی آن را معیار انقلابی بودن خود جا می زند، برای انداختن یک چوبان و آوردن چوبان دیگر است ولی مردم با بدی حرکت بهمانند و فقط هلهله کنند! رجوی از صلح و آگاه شدن مردم و وحشت دار رجیون مردم آگاه و مسلح به کسی سواری نمی دهند. رجوی از حرکات و سازات مستقل مردم، از هر آنچه که بوی اراده و اقتدار توده ای و یوسوزکا را بگری دهد هراس دارد و به همین دلیل راه عقب نشینی از میان توده ها را سرگزنده، روز به روز سبتر به نیروهای خارجی و مریا لیم ها متکی گشته و در این راه ضمن رقابت با خصمینی و سلطنت طلبان در کمونیسم ستیزی، هر آنچه را که مریا لیم ها خواسته اند تقریباً نی کرده است.

به گزارش رسانه های گروهی، از جمله لوموند ۱۲۱ و ۸۷، سنجاه و چپا رتن از نمایندگان کنگره آمریکا خواهان برسمیت شناخته شدن سازمان مجاهدین خلق از سوی دولت آمریکا شده اند. پیش از آن نیز او شنگتن ست در شمار سوم آوریل خود به تقاضای مشابهی از سوی "دان برتون"، از جناح محافظه کار حزب جمهوریخواه، "مروین دایملی" عضو کمیته امور خارجه مجلس نمایندگان آمریکا و "جفری کمپ" از کارکنان پیشین شورای امنیت ملی اشاره کرده بود. در تاریخ بیست و دوم آوریل، رادیه صدای آمریکا گزارش داد که وزارت خارجه آمریکا دست از مخالفت با مجاهدین برداشته و با نمایندگان آنان در او شنگتن وارد مذاکره شده است.

با یک دست دوهندان نمی توان برداشت!

بعد از جاری شدن سیل اخیر در کشور و زحمت در تیران، که تلفات جانی و خرابی های عظیمی به بار آورد، مردم طبق معمول، حکومت را مقصر دانستند که چرا به فکر پیشگیری از سیل نبوده و بموقع سدوسل بند و غیره نساخته است. مردم در جنبین قضاوتی تنها منافع خود را در نظر گرفته و از با بنروبی توجه به مسائل و مشکلات حکومت، دحاری انسانی و قدرشناسی می شوند.

درست است که ما ختن پیل و سدولاسرونی مسلط ها و غیره کار دولت است، اما دولت لایق و کاردان دولتی است که با توجه به امکاناتی که دارد مسائل راهبردی را با اهمیت کند و بر اساس اولویت ها اقدام بردارد. حکومت، بخش اعظم امکانات مملکت را به خدمت جنگ گذاشته است و ناگزیر است امکانات باقیمانده را به مهمترین و حیاتی ترین مساله ای که بعد از جنگ برایش مطرح است اختصاص دهد. مهمترین مساله از بد مردم که شما ما به فکر منافع و نیازمندی های خود هستند. هر چه باشد، از بد حکومت اسلامی، عیار تست از خطر جاری شدن سیل مهیب و بنیادسازان از مردم ناراضی و عاصی و جان نسل رسیده ای که تحت تاثیر ادوهای سگانه و تبلیغات شرق و غرب قرار گرفته و حاضر نیستند با کمیت الهی را برحق حاکمیت خود بنقد آسمان را برحق تعین سرشود خود بملح دمکراتیک را برحکارتحای ای کارا بریسکا ری؛ نان را بر قحطی و گرسنگی، و مرگ را بر زندگی ترجیح دهند، برای پیشگیری از این سیل مهیب که از نخستین روز به حکومت رسدن فقها قطره قطره جمع شده است، حکومت نیز همانا از نخستین روز تا سیل خود سه تدارک و تدبیر برداشته و بسوز در شرایط کنونی تمام امکاناتش را بعد از جنگ - که آنهم در خدمت تحکیم نظام اسلامی است - به احداث و تحکیم سدها و سیل بندها در برابر بردیای ناراضی و خشم توده ای که به شکل تهدیدکننده و هولناکی هر لحظه بالاتر می آید اختصاص داده است، این همه اقداماتی که برای تاسیس، تحکیم، گسترش و تقویت سپاه ساداران؛ کمیته ها؛ بسیج؛ ارتش؛ شیریانی؛ و اندامری؛ انجمن های اسلامی در کارخانجات، ادارات و موسسات گوناگون؛ باواک اسلامی؛ ادارات عقیدتی - سیاسی ارتش؛ گشت های گوناگون از انارالله تا زینب؛ شکنجه گاهها و زندان ها و غیره صورت گرفته و می گردند چیستند بجز همان احداث سدوسل بند؟ و چیستند بجز هشیاری حکومت در پیش بینی و پیشگیری از حوادث و سلابا؟ منتها مردم چون فقط به فکر منافع خود هستند، اینها را نمی بینند و در حلقه غیرمنصفانه می شوند. حکومت سدوسل بندی ما زود، ولی اولوست هسا و افکارها را در نظر می گیرد و این چیزی است که مردم به آن توجه ندارند. با یک دست که نمیشود دوهندان به برداشت!

دین باید از دستگاه آموزش جدا گردد!

به مناسبت

آغاز سال تحصیلی جدید

دنباله از صفحه ۱

وساطتی، مدارس امروزی را تا سطح مکتب خانه - های قبل از انقلاب مشروطه به عقب بکشاند. مریبان "امور تربیتی" وظیفه دارند کودکان و نوجوانان را با روحیه حزب اللهی با آرزوی آنگاه که با به جاسوسی از خانواده خود او همسایگان و آشنایان و دارند، انجمن های اسلامی مدارس نیز وظیفه جاسوسی از دانش آموزان و معلمان را بر عهده دارند.

علم ستیزی و فرهنگ زدایی در سطوح دانشگاه ها نیز با تمام قوا به پیش رده می شود. پس از سرکوب خونین دانشگاہها در اردیبهشت ۵۹ و تصفیه دانشجویان، رژیم اسلامی تلاش کرده است دانشگاه را به طلبه خانه عناصروفادار به خود تبدیل نماید، در راستای این هدف ارتجاعی، فیلترهای پالسی - مذهبی موسوم به "گزینش" و "مباحثه ایدئولوژیک" تعیین شده اند تا با هوش تریستن و درس خوانده ترین دیپلمه ها نیز که با نسمرات عالی در کنکور قبول می شوند، ما را مکه به لحاظ مذهبی و سیاسی مطلوب حکومت نباشند نتوانند وارد دانشگاه شوند. علیرغم این نظام گزینش و مباحثه های ایدئولوژیک، و با وجود فشار پلیسی انجمن های اسلامی بر دانشگاہها، هنوز فنان سران رژیم از روحیه مقاومت در دانشگاه ها بلند است. اخیراً شورای عالی انقلاب فرهنگی طرحی تهیه کرده است که بر طبق آن کسانی که از مراحل گوناگون کنکور عمومی، کنکور تخصصی و "گزینش" قبول می شوند، به مدت شش ماه "دانشجوی موقت" تلقی شوند تا در این مدت سوابق زندگی، عقاید و روابط آنها مورد تحقیق سازمانهای اطلاعاتی قرار گیرد و رفتارشان در دانشگاه نیز زیر نظر انجمن های اسلامی و دیگر نهادهای پلیسی مستقر در دانشگاه باشد؛ و به این ترتیب قطعت پذیرش آنها بعنوان دانشجویان، به نتیجه تحقیقات و مراقبت های پلیسی شش ماهه موکول گردد.

مشوعیت تحصیلات عالی در بسیاری از رشته های فنی، علمی و هنری برای دختران؛ فشار مذهبی بر اقلیت های مذهبی در مدارس، و موانعی که نظام گزینش و معیارهای مذهبی بر سر راه ورود دیپلمه های متعلق به این اقلیت ها به دانشگاهها ایجاد می کند، جنبه های مهم دیگری از سیاست ارتجاعی آموزشی رژیم اسلامی اند. رژیم اسلامی برای آنکه جا معرابه دوران بربریت و جهالت هزاروپانصدسال پیش سرگرداند، نه تنها از زندان و شکنجه و اعدام، بلکه همچنان از دستشوی مغزی استفاده میکند. در میان وساطتی چون رادیو، تلویزیون، منبرها و مطبوعات و سینما و غیره که برای ترویج خرافات و ایدئولوژی حاکم مورد استفاده رژیم قرار می گیرند،

نظام آموزشی (بویژه در مدارس) از همه مؤثرتر و برای آینده جامعه خطرناک تر است. رژیم مذهبی حاکم که در راه آمدن و به زانو در آوردن نسلهای کنونی با مقاصد و اهدافی حدی روبرو شده است با جنگ انداختن بر نظام آموزشی و تلاش برای تسخیر ذهن کودکان و نوجوانان، قصد دارد تا بلکه نسل های فردا را تسخیر کند و بدین وسیله آینده را از آن خود سازد. در تلفیق دین با نظام آموزش، علاوه بر تمام تباهیها و اجافات غیر انسانی که به ما رمی آورده، خطر عظیمی برای آینده کشور نهفته است. اگر دستشوی مغزی مردمی که پیش از حاکمیت رژیم مذهبی آموزش دیده اند و علوم و فرهنگ دنیای معاصر تا حدودی در زیر سایه فکریشان رسوب کرده است کار دشوار و کم نتیجه ای است. برگردن مغزگرولوح ناشسته ذهن کودکان و نوجوانان با خرافات و اعتقادات ارتجاعی و قرون وسطائی کاری است بسیار آسان؛ کسه زودن دوساله آنها در آینده، از دشوارتر بیسن کارها خواهد بود. رژیم اسلامی از طریق تلفیق دین با نظام آموزشی، بصورتی نقشه مند، گسترده و عمقی، به تیار سازی نسلهای آینده کشور می پردازد. رقم یازده میلیون دانش آموز (از جمعیت پنجاه میلیونی) که در نظام آموزشی رژیم قرار دارند، اسامی آنها را نشان می دهد. کودکانی که در سال انقلاب به مدرسه رفته اند، در سال تحصیلی جدید در کلاس دوم نظری (کلاس دهم) درس می خوانند و دو سال دیگر که وارد جامعه می آیند دانشگاهها شوند، خمیرشکل گرفته در یک دوره کامل آموزشی این رژیم خواهند بود؛ و این خطر برای آینده کشور، سمراتب عمیق تر و گسترده تر از سرنیزه و شکنجه و اعدام است.

رژیم اسلامی در تعقیب سیاست جنگ - افروزان خود نیز که تاکنون صدها هزار ارتجاعی از جوانان کشور را قربانی گرفته است، حساب ویژه ای روی دانشگاهها و بویژه مدارس با زکرده است. در شرایطی که نفرت و انزجار عمومی فرار از جنبه ها و فرار از سربازی را چنان گسترده ساخته است که رژیم مجبور شده است سیاست تبعیض و دستگیری جوانان در سینماها، حمامها، گاراژها، غذا خوریها، خیابانها و غیره را در پیش گیرد، مدارس و دانشگاهها به راحت ترین و بی دردسر ترین شکلی جوانان را در دسترس و در اختیار رژیم قرار می دهند تا از آنان بعنوان گوشه دستوب در جنگهای ارتجاعی بخاطر صدور اسلام استفاده کنند. وزرای آموزش و پرورش و آموزش عالی، معاونان جنگی دارند؛ در تمام مدارس و دانشگاهها دوا بر جنگی دایر شده است. رژیم اسلامی با انواع ترغیبها دانش آموزان و دانشجویان در حال

تحصیل را از کلاسهای درس به سنگرها می کشاند. طرح های "دانشگاه در جبهه"، "پاسدار - دانش - آموز"، خدمت اجباری چند ماهه دانشجویان در جبهه ها، فرستادن دانش آموزان به اردوهای نظامی تابستانی و نظایر این طرح ها، و سرانجام، وارد کردن آموزش نظامی به برنامه درسی مدارس کشور، معنائی جز این ندارد که رژیم اسلامی مدارس و دانشگاهها را نه فقط به مکتب خانه و طلبه خانه، بلکه در عین حال به تله های سربازگیری و به پایگاههای آموزش نظامی تبدیل ساخته است. فخر فروشی بی شرمانه و زورآموز و بیورش به اینک: "بسیاری از سنجیان حاضر در مناطق جنگی کشور را نیروی دانش آموزی تشکیل می دهند، سیاست جنایتکارانه رژیم را در مورد نوجوانان کشور به نمایش می گذارد، اما عمق تباهیهای رژیم اسلامی در آن است که به آدمکشی و قربانی کردن نوجوانان و نوجوانان در جنگ ارتجاعی اکتفا نکرده بلکه می کوشد انسان را از کودکی با تسلیمات و آموزش نظامی، جنگ - طلب و آدمکش با آرزوی این راه دغا بیر لایزم برای جنگ افروزی ها و کشورگشائی های آتی خود فراهم آورد.

علیرغم اهمیت فوق العاده ای که رژیم به بهره برداری از مدارس در جهت هدف های مذهبی و جنگ طلبانه خود قائل است، بودجه ای که برای آموزش و پرورش اختصاص می دهد، در مقایسه با بودجه رسمی جنگ و بودجه دستگاههای سرکوب، قطره ای در برابر ریاست رژیم اسلامی ادعاسا می کند که از مدارس شهری نمی گیرد، اما عملاً با تحمیل هزینه های مختلف به خانواده ها از اسامی ختمان و شیشه پنجره و نیمکت گرفته تا بخاری و نفت و گچ، بخش بزرگی از بودجه آموزش و پرورش را برگرداند مردم می گذارد. انجمن های خانه و مدرسه کسه با بستن ابزار دمکراتیک نظارت و مداخله والدین در آموزش فرزندان نشان با شند، عملاً محصل جیب سری از والدین دانش آموزان توسط دولت تبدیل شده اند. در حالی که دهها نشریه متعلق به نهادهای مختلف سرکوب و حوزه های علمیه، صدها هزار جلد کتاب دعا و کتب دینی و میلیونها پوسترنجی تسلیماتی از تمام بیرخمینی و منتظری گرفته تا تبلیغات جنگی جاب و منتشر می شوند، کتابهای درسی دانش آموزان به بیانه کمبورد کاغذ جاب نمی شوند و وزارت آموزش عالی اعلام می کند که "سال به علت نبود کاغذ نتوانستیم حتی یک تیراز کتابهای پزشکی را جاب کنیم". دفتر و مداخله خود کاغذی را با ب و گران می شوند که مطمئن از دادن مشق و تمرین به دانش آموزان صرف نظر می کنند...

بدران و مادران! برای نجات فرزندان خود از جنگال رژیم مرتجع و آدمکش به پای خیزید! دانشجویان و دانش آموزان! در مقابل به تبدیل مدارس و دانشگاهها به مکتب خانه و طلبه خانه و سربازخانه، دست به دست هم دهید! حصول شعارمحوری جدائی دین از نظام آموزشی متشکل بقیه در صفحه ۲۷

جدائی دین از دولت نخستین اصل دمکراسی است!

بحران اقتصادی و ... دنباله از صفحه ۵

مذکور به منابع سیستم بانکی و رشد نسبتاً سریع تسهیلات اعطائی بانکها به بخش خصوصی، همدست سیاست پولی و اعتباری در زمینه محدود نمودن نرخ رشد نقدینگی در دوره مورد بررسی تحقیق شیانفت و مانده آن در پایان سال مورد گزارش بسا ۱۹/۱ درصد در مقابل ۱۳ درصد سال ۱۳۶۴ به حدود ۱۰۷۲۲ میلیارد ریال رسید. تسهیلات اعطائی به حدود ۸۲۳ میلیارد ریال رسید. (کیهان ۷ شهریور ۶۶)

این است نتیجه اقتصاد اسلامی. اکنون اقتصاد ایران با بورژوازی نیرومندتر از دولت روبروست. بورژوازی که یک تریلیون و هفتصد میلیارد تومان نقدینگی، معادل بیش از ۵ سال بودجه کل کشور در موقعیت سال ۱۳۶۵، در دستهایش متراکم است. بورژوازی با این پول چه میکند و آیا عملیاتش را دور از چشم دولت و به شیوه ای خلاف قوانین جمهوری اسلامی انجام میدهد؟ بیایم ببینیم دولت با او در انجام معاملات همکاری میکند و یا زوی عمده دولت است در حفظ اقتصاد جنگی و غارت توده محروم؟ این مسأله ای است که اکنون باید به آن بپردازیم.

گمبودریال

ورشده نقدینگی سرمایه دار

بررسی وجوه ریالی بودجه کل کشور، بهما نشان میدهد چرخ اقتصاد مملکت چنان میگردد که تا روز "رفع فتنه در عالم" یعنی تا وقتی رژیم جنگ طلب برج باقی است، آن بخش از دارایی مملکت که در آتش جنگ سوزانده نشده، به کیسه سرمایه داران رسد و زیر شود. اما بررسی وجوه ریالی بودجه تنها حزن از حقیقت را نشان میدهد. اقتصاد ای که تقریباً همه قوه تولیدش، متکی بر سر دلارهای نفتی است و با تمام تاریخ خود به سرمایه داری جهانی وابسته است، با سرمایه ارزی اش هیچ میخورد نه در آسدهای ریالی. بیسه کارگران و زحمتکشان میتوان اسکناس بسودن پشتوانه پرداخت کرد، اما ما درکنندگان اسلحه و کالا فقط ارز درازای اجناسشان تحویل میگیرند، برای ۲۵٪ هزینه های تولید صنعتی کشور نیز باید ارز پرداخت. خود مسئولان کشور میگویند اقتصاد کشور بر اساس یک ارزی برزی ۲۵۰ میلیارد دلاری استوار است. همه این ارزها بیدار فروش نفت بدست آید. حال آنکه حتی در سال ۶۲، یکسای از سالهای رونق فروش نفت، درآمد نفت ۲۲ میلیارد دلار است که در سال ۶۳ به ۱۹، در سال ۶۴ به ۱۵/۵ میلیارد دلار میرسد. این درآمد در سال ۶۵ به علت سقوط قیمت نفت و دلار ناگهان به ۶-۷ میلیارد دلار سقوط میکند (کیهان ۱۰ تیر ۶۶)

با این رقم دیگر هزینه های جنگ را نمیتوان تامین کرد، چه رسد به واردات ۶ میلیارد دلاری صنایع و حداقل ۱۰ میلیارد دلار کالاهای مصرفی. بحران دیگرانکار کردن سودجویان سرمایه داری رژیم اقدامی بود مثل همه اقدامات رژیم اسلامی بی باقی و منحصر بفرد در تاریخ: قطع شریان نفت از گلری اقتصاد سراپا وابسته به نفت، رژیم که ادامه جنگ جنون آمیزش را وظیفه ای الهی

میشمرد، همه ارز حاصل از نفت را بخدمت جنگ جنایت بارش گرفت و برای اولین بار به آرزوی دیرینه ملت جامعه عمل پوشانید. اقتصاد بیسودن نفت فقط به شیوه ای همانقدر ارتجاعی که قبلاً به آرزوی دیرینه ملت برای آزادی و استقلال جامعه عمل پوشانیده بود. یعنی استقلال، آزادی و اکنون نفت همه در خدمت استقرار قدرت ولایت فقهی (برای توضیح مفصل این اقدام جنایتکارانه مراجعه کنید به شماره های ۳۲ و ۳۹ از کاژر).

عمق جنایت رژیم وقتی آشکار میشود که توجه کنیم کل ارزش صادرات غیر نفتی ایران در سال ۱۳۶۲ جملاً ۳۱۰۱۸ میلیون ریال بوده است که ۱۱/۹ درصد حجم صادرات خارجی کشور را تشکیل میدهد. "اقتصاد خودکفا" قرار است با ارز حاصل از آن، وارداتی حداقل (اگر ما خذرا سال ۶۲ بگیریم) به ارزش ۱۶۰۰ میلیارد ریال را تامین کند (ما خذ ما - سالنامه آمار ۶۳)

این در واقع به یک شوخی بیشتر شبیه است. در واقع رژیم به چاره دیگری نمیاندیشد: بیش از یک تریلیون تومان نقدینه بخش خصوصی، واسطه است "با زاریان محترم" برای نجات اقتصاد جنگی ضروری افتاده بود. این دیگر یک "تکلیف شرعی" بود. قرار شد با زاریان بعنوان واسطه بین بازار کالی خارجی و مصرف داخلی قرار گیرند. رژیم تسهیلات قانونی و اعتباری لازم برای این کار را خود فراهم میکرد. کاری که از همان سالهای آغاز جنگ و افزایش سرمایه و سرمایه آن و در نتیجه گمبودریال از ابتدای آغاز شده بود. اکنون صورت قطعی و کامل می یافت. برخی از این اقدامات از این قرار بود:

- در بهمن ۶۱، ورود ارز به میزان از سوی رئیس کل بانک مرکزی آزاد شد. با این ترتیب رژیم به دلالت و بازرگانان امکان تحصیل ارز برای معاملات خارج و داخل را میداد.

- دولت با شویق ارزی بمیزان ۱۱ درصد نرخ ارز ما در اتری را با لایمپرد. به این ترتیب ارزش ما دونه رخ پیدا میکند.

- از سال ۶۴ دولت تسهیلات لازم برای وارد کردن و معامله روی ارز آزاد را فراهم کرد. با این ترتیب که ارزهای حاصل از صادرات غیر نفتی توسط دولت با نرخهای ترجیحی خریداری میشود. بازرگان معادل ارزش کالی ما در شده بیمه نامهای مبنی بر تعهد بازگشت ارز حاصل از فروش آن می سپرد و ارز حاصل از فروش این کالاهارا که به صد قلم می رسد رسماً وارد میکرد. بدینوسیله است این ارزشگرز به شبکه بانکی فروخته نمیشد و تماماً وارد بازار آزاد میشد.

- دولت اجازه داد که هر کس با ارز آزاد بتواند میزان صدهزار ریال کالا وارد کند. این واردات گند به کالاهای شناسنامه ای مشهور شده بازرگانان اجازه داد از طرف افراد مختلف، هر نوع کالای سنج را به قیمت ارز آزاد ما با زار فتنه کالا وارد کنند: بطوریکه واردات شناسنامه ای بصورت رشته اصلی فعالیت بخش خصوصی درآمد، دولت هم وارد میدان شد و برای اینکه سهم خود را از این دادوستد بیرون ببرد، سود بازرگانی کالاهای وارده را دوبرابر کرد و پنج درصد مالیات با بستن ترخیص کالا در یافت کرد که بدینوسیله است تمام آن را بازرگان روی قیمت کالا میکشید. (کیهان

تیر ۶۶)

- از سال ۶۲ دولت به بازرگانان اجازه داد در ازاء ارز ما در اتری، رأساً کالاهای شخصی را وارد کنند و یا آبراهه وارد کنندگان مجاز منتقل نمایند (حق انتقال ارز).

- در سال ۶۵ سال کذائی سقوط بهیهای نفت - دولت تعداد کالاهای مجاز وارداتی در مقابل ارز ما در اتری را به ۷۸ هزار قلم رساند. یعنی رسماً بازرگانان را از زیرویش ارز آزاد قرار داد. ورود کالا بدون انتقال ارز در این سال نقطه پایانی بود برای تشییع نرخ اجناس بر مبنای دلار در بازار آزاد. با این ترتیب دولت سیستم دوبرخی را تصویب کرد. نرخ دلار که رسماً هر ریال قیمت گذاری شده، از این طریق معادل ۱۰۰۰ ریال در بازار آزاد تثبیت میشود و یا به محاسبه قیمت های تولید و فروش در داخل قرار میگیرد و با زرگان شرعاً مکلف میشود کالاهای را که دیگر دولت قصدت خرید آن را ندارد، با ارز آزاد تهیه کند و بیسار خرید ببرد. در سال گذشته که سیستم دوبرخی کالاهای در بازار تثبیت شد، ریال بکلی نقش خود را در معاملات عمده از دست داد و دلار تحت عنوان محاسبه "ارزی - ریالی" پایه معاملات داخلی قرار گرفت. تا بدانجا که در سال گذشته کارخانجات که رسماً موظفند ۱۰۰٪ کالای خود را به تعاونی ها بدهند، حاضر نشدند جز در مقابل "وجه ارزی - ریالی" کالاهای را به تعاونی ها تحویل دهند!

دیگر با زرگان در بازار با دله فعال ما بشاء میشود و با مسئولیت اسلامی. تکلیف شرعی خود را به انجام میرساند و نقدینه خود را واسطه کالی غرب و با زار فتنه ای میکند که شریان نفت آن قطع شده است و دیگر با دلارهای نفتی نمیتوان آنرا تامین کرد. زیرا دلارهای نفتی در کشور جنگ ریخته و سوزانده میشود تا آتش اسلام را تحا می درخا و رغبان نه زنده بماند! بدینوسیله است با نگاهی کشور هم برای اینکه با زاریان بتوانند تکلیف شرعی خود را سپولت انجام دهند تا عسارت لازم را در اختیار آنها قرار میدهند. آنوقت علی گفایشان کارشناس بانک مرکزی، محسن نوربخش مدیر کل سابق بانک را مورد شامتت قرار میدهد:

"رشد محض تسهیلات بانکی در سال ۶۵ رقمی حدود ۹۷/۷ درصد تعیین میشود، رشد اعتبارات بخش خدمات و بازرگانی مصرف در تعیین میگردد، اما آنچه در عمل اتفاق می افتد صرف نظر از تجاوز از حدود مجاز، در بخش خدمات و بازرگانی ساله آنحنان میشود که در بزرگترین بانک تحساری کشور شد تسهیلات اعطاشده در بخش فوق الذکر به مرز ۹۰ درصد میرسد و این امر دقیقاً یعنی چاق تر شدن جاقینا و سوق دادن اقتصاد به سمت مورد لالی و کارهای از این قسلسل است... (کیهان ۲۲ تیر) این آقای گفایشان دیگر نمیگوید که اگر دولت و بانک مرکزیش دلال سبن کالی غریبی و با زارگر رسماً ایران نگاهدارد، اقتصاد بدون نفت آقای سر حسین موسوی، چگونه قوت لایوت بشد شکم گرسنه مردم ایران برساند؟! البته سال گفایشان معتقدند دولت خودش میتواند این دلالی را سینه بگیرد. این مسأله ای است که گمی با شین ترسده آن خواهیم پرداخت. محالست جواب دندان شکن آقای باجادی معاون وزارت امور

های انجمن های اسلامی باارجماع و کمیته های امورمنفی شورای مرکزی اصناف... نبش سیاست گزاری اقتصادی درکشورادرست دارند. و از درون شورایی قضائی نیزهرنوع اعمال فشاربرخودراخنش میکنندوبالانرا زهمه شورای نگهبان برصدرمجلس نشسته وازگنجینه های آنها محافظت میکند. تنها درسال گذشته شورای نگهبان چندین طرح دولت برای نظارت برامور بازرگانی، ازقبیل ارجاع مسئولیت تا مین وتوزیع به وزارت بازرگانی، نظارت هیئات وزیران براموربازرگانی، ایجادواحدهای تامین وتوزیع، تعیین ناظرولتی برامورتجساری را رد کرد. لایحه مجازات متخلفان که ازظرف ۴۵۴نماینده مفاشدوبا تغییراتی سه ما درمجلس تصویب شد، هر سه برتوسط شورای نگهبان مغایر قوانین فقه اسلام تشخیص داده شد.

ثالثا، سرمایه داران خصوصی درداخل کشوردیگرحتی نیازی به بانگهای کشورندارند. درحقیقت بانگهای درماده دولتی دیگرقدرت رقابت با سرمایه خصوصی را دربار داخل ندارد و آنها امورخودرا با از طریق صندوقهای قرض الحسنه ومنابع اعتباری شخصی انجام میدهند.

بالتکلیه برچنین اهرم های اقتصادی نیرومندی، بیروروازی با زاردرمیدان جسونان میدهدوبرای نقدینه خودسودفراهم میکند. علاوه بر "سودهای شرمی" حاصل از مقررات بازرگانی دولتی، به احتکاروجعل وگران تر فروشی دست میزند، ۲۲ قلم کالای اساسی را که دولت از شمول "اقتصاد دین جنگی" معاف کرده و با مطلق بابت آن سوسید میدهد تا شکم های گرسنه ایمنان داشته باشند، از شکیه توزیع دولتی خارجی کسره و وارد بازاریا میکند...

از طرف دیگر، کارده استخوان مردم رسیده است. شاخص بهای کالاها ماه به ماه هفته به هفته بالامرود:

"در تیرماه سال ۶۵ رشد شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی مردم سیرمعدودی خود را با شدت بیشتری آغاز کرد. نرخ این رشد در شهریورماه سال ۶۵ به ۲۱/۹ درصد، در آبان همان سال به ۲۷/۱ درصد رسید و در آذرماه سال ۱۳۶۵ شاخص عمده فروشی ۲۹/۹ درصد رشد را نشان داد" (کیهان ۲۲ تیر ۶۶) در حالیکه "شاخص مزد و حقوق سرانه" واقعی "حدود

عدم تعادل هاست - لازم است باین نکته اساسی توجه نمائیم که نقدینگی مزبور در مقیاس قابل توجهی که اکنون دارد، بی نفعه بخش متراکم و مهمی از بس انداز ملی است که بسیاری از کشورهای جهان سومی تنها آرزوی بخشی از آن را دارند" و "وجود نقدینگی بخش خصوصی بمقیاس فزاینده در شرایطی که دشواریها و مشکلاتی در راه توسعه فعالیت های تولیدی... وجود دارد، بطور طبیعی سرمایه های آزاد را به سوی توسعه فعالیت های خدماتی "مخصوصا بازرگانی" سوق داده و میدهند و تا زمانیکه این موانع وجود داشته باشد و در ریسک بکار انداختن سرمایه در بخش های تولیدی بلند مدت بسیار زیاده و از آن فعالیت های کوتاه مدت خدماتی "مخصوصا بازرگانی" فوق العاده گم و نا چیز باشد انتظار تغییر وضع چندان منطقی سنظر نمیرسد." ("تورم - علل - عملکردها و...") انجمن مدیران صنایع - خرداد ۶۳) این است زبان حال سرمایه. در سرمایه داری سرمایه حقی دار که خدشنا پذیراست، بیش از یک تریلیون تومان سرمایه خصوصی، سود میخورد، حال که تولید از هم پاشیده است، ما آنرا از تجارت بیرون میکشیم. بیخود بر پرز زنی که منطقی سنظر نمیرسد! این جواب نه تنها برای جناح خط امام، بلکه همچنین برای مدافعان سابق خط امام که هنوز هم سنگ تجارت ملی را بر سینه میزنند، بسسی آموزنده است. در این شرایط بحرانی، دولت فقط برای آنکه خود بعنوان دلال عمل کند - نه اینکه به سمت سویا لیم سمت گیری کند - حداقل باید یک تریلیون نقدینه سرمایه خصوصی مصادره شود؟ وگرنه این زالوها با دردست داشتند "پس انداز" ملت، با بعسارت دیگر سرمایه ای که از حلقوم مردم محروم بیرون کشیده اند، نبش با زار را در اختیار خواهند داشت. آیا جناح خط امام حتی تصور چنین عمل خلاف اسلامی را بخود راه میدهد؟ گفتیم که آنها در دو طرف جیبی ایستاده اند!

ثانیا، صاحبان این سرمایه چندان بسی پشت و پنا هم نیستند. در اینجا محال آن نیست که ما میزان نفوذ و اعتبار سوروزواری تجاری را در رژیم ولایت فقیه تشریح کنیم. آنها نه تنها در تمام ده های قانونگذاری، احرائی و قضائی ولایت فقیه نفوذ دارند بلکه از طریق شبکه گسترده ای از نهادهای اقتصادی از قبیل اطاق بازرگانی، شوراهای مرکزی اصناف، انجمن مدیران صنایع، اتحادیه -

اقتصادی و دارائی از جناح خود کفایان را به ایشان تحویل میدهم:

"ما در تمام سال های که کسری بودجه داشته ایم این مساله را بررسی کرده ایم که آیا با بد سیاست کسری بودجه را تعقیب کنیم و یا اینکه سعی کنیم کسری بودجه را کاهش دهیم و بد سیاست خود اتکا کنیم (یعنی واحدهای دولتی را تعقیب نمائیم) (یعنی کالاهای مورد نیاز آن را با ارز آزاد بخریم و محصولاتش را به قیمت ارز آزاد بفروشیم)، اگر بخواهیم راه حل دوم یعنی سیاست خود اتکا کنیم واحدهای دولتی را دنبال کنیم... در برابر این سؤال قرار میگیریم که آیا آثار تورمی کسری بودجه مناسب است یا افزایش قیمت بعضی از کالاها و خدمات که دولت ارائه میکند، بهر حال، اثر تورمی کسری بودجه را کمتری دانیم تا آنکه بخواهیم مستقیما قیمت ها را افزایش دهیم." (کیهان ۲۹ مرداد ۶۶)

معاون وزیر موزر، با اینکه حرفهایش را در زوروق می پیچد، ولی صاف و ساده میگوید اگر بایعنی "بازاریان محترم" گران بفروشند، "اثرش" یعنی عواقبش، برای ما بهتر است تا آنکه خودمان گران بفروشیم!

دوجناح رژیم

بیرسولحاف ملانزاع میکنند

با قطع سهمیه ارز نفت از اقتصاد کشور، دست دولت جهت بازگردن اعتبار برای بازاریان با زشد. همان چیزی که در گزارش فوق الذکر هفته دولت از آن بعنوان ما زاموازنه ارزی نامبرده شده - این "ما زاد" تماما در اختیار سرمایه داران قرار گرفت:

"گفتنی است که تشویق های ارزی دولت برای بالابردن صادرات غیر نفتی بالانمود. بطوریکه در سال ۶۴ حدود ۸ میلیون دلار برای تشویق به بخش خصوصی داده شد... ما در کشندگان در هفت ماهه اول سال ۶۵ در مقابل صادراتی که جام دادند ۱۸ میلیون دلار کالا وارد کردند و با این ترتیب ارز را به ریال و پول تبدیل کردند... در سال ۶۵ بخش خصوصی ۵۵ میلیارد تومان در قبال ارز صادراتی سود برد که اگر تعداد کل ما در کشندگان و وارد کنندگان را هزار نفر بدانیم هر نفر ده میلیون تومان سود برده اند." (کیهان ۲۷ مرداد ۶۶)

طرفداران جناح دولت میگویند تجارتی چنین بر سود را چرا خودمان بعهده نگیریم؟! این دعوائی قدیمی است بین دوجناح رژیم. ولی اکنون که جنگ تمام شده در آمد ملی را به آتش سپرده و سقوط قیمت نفت دولت را در بحران فرو برده است، آتش این جنگ تیزتر شده است. در پاسخ این سؤال گذشته از جواب معاون وزیر فوق و مساله عواقب کار - سرمایه داران خصوصی هم پاسخ های قانع کننده ای دارند:

اولا: زبان اقتصاد از همه برتر است و سرمایه داران با طمانینه خاطر نشان میکنند:

"قبل از اینکه وجود نقدینگی بخش خصوصی را عامل بروز عدم تعادل های مالی، اقتصادی و اجتماعی شما را وریم - که خود نتیجه بروز



از بهنگردار تبعید

خلق ایران رفیق نیوشا فرهی را فراموش نخواهد کرد!

با کمال تأسف، رفیق نیوشا فرهی، هوادار سا زمان حربکهای فدائی خلق ایران که در اعتراض به سفر خا منهای، رئیس جمهوری اسلامی به نیوسورک و در عین حال برای ابراز انزجار از سلطنت طلبان، خود را به آتش کشیده بود، در سما رستان درگذشت.

به مناسبت خودسوزی اعتراضی وی، رفقای ما و هواداران سا زمان حربکهای فدائی خلق ایران با علامه مشترکی به تاریخ ۲۲ سینا ۱۹۸۷ منتشر کردند که درسخنی از آن آمده بود:

"هر روز که می گذرد سنه ده ها تن از بهترین فرزندان خلق آماج گلوله های دژخمان جمهوری اسلامی می گردد. اعدا می های دسته جمعی زندان بنان سیاسی همچنان ادامه دارد و کشتار روحها نه خلق کرده است گسترده تری پیدا کرده است. جمهوری اسلامی ابتدائی ترین حقوق انسان ها را پایمال کرده و جنگ جهنمی ایران و عراق بس از سجا ینها دن مدها هزار رگشته و ادهشتمین سال خودگشته است. رژیم بی که خود را ناما بننده خدا و مالک جان انسانها می داند، گللهای سرخ جا معه را هر روز در داخل و خارج مرزهای یکشورمان پریبر کرده و "رحمت الهی"ش در بیشت زهرا و هزاران گورستان کوچک و بزرگ دیگر سراخاک نشسته است.

در چنین شرایطی اعلام خسرفرا منهای جهت شرکت در احلاس سا زمان ملل - در تلاشی برای سرون رفتن از انزوای بسن المللی و منطقه ای رژیم فدرالی جمهوری اسلامی - اعتراض ایرانسان ما رزومتراقی در آمریکا را برانگشت. بدین مناسبت روزیکشنبه ۲۰ سینا ۱۹۸۷، تظا هراتی درلس آنجلس مقابلسا ختمان فدرال از طرف "کمیته اعتراض به ورود خا منهای سا زمان ملل"، متشکل از ایرانسان مسار رزومتراقی سرگزار گردید. در خا تمه، هنگام قرا ثت قطعنا مه تظا هرات، سا گاه رفیق "نیوشا فرهی" هوادار سا زمان حربکهای فدائی خلق ایران در اعتراض به حضور خا منهای جلاد در سا زمان ملل، سیاست های خارجی ارتجاعی دولت ریگان در مخالفت با تلاشهای مذسوحا نه سلطنت طلبان رنگارنگ برای سا زگرداندن نظام سلطنتی و در هم بستگی سا خلیهای ستمدیده ایران و جهان، دست از جان شت و خود را به آتش کشید.

اوباشعار "مرگ بر خمینی" و "مرگ بر سلطنت" در سرا بر حشمان بیست زده حما رسوخت تا قرا داخل های قهرمان ایران را به گوش جهانسان برساند. رفیق نیوشا در وصیت نامه ای که تملاتپه کرده بود، چنین نوشت:

"... خون من رنگین ترا خون خلق کرد، سا زنان حامله ای که اعدا م شده اند و سا دخترانی که به شنع ترین اشکال شکنجه می گردند (وبا حتی آن زنانی که در بستوی اذهان سمار و فرهنگ مذهبی مردان ایرانی اسر هستند) نیست، اگر چه شاعت، ایمان و بزرگی آنها را نادانم و بطریق اولی به انداز آنها سا عاشق نسیم ..."

ما در سرا سان اقدامسورا نه وفداکارانه رفیق نیوشا، هوادار سا زمان حربکهای فدائی خلق ایران که بی لحاظ شکل خود در نا رخ جنشی اعتراضی و افشا گرانده کشور ما بسا بقه و منحصر بفرد است، سر تعظیم فرود مآ وریم و اطمینان داریم که شعله خشم انقلابی خلقی ایران بساط رژیم ولایت فقیه را نیز همحرون سلساط سلطنت به خا کستر تبدیل خواهد کرد و جا کمیت کارگران و زحمتکشان نکار برای همیشه جا کمیت ستمگران و بهره کتان خا تمه خواهد داد.

- دین بایدا از ۰۰۰** دنباله از صفحه ۲۳
- شویید و برای مطالبات زیرمتحدانه مبارزه کنید:
 - انحلال کلبه نهادهای جنگی و لنگولیه برنامها و آموزشهای جنگی در مدارس و دانشگاهها.
 - معافیت کامل و بی قید و شرط دانش آموزان و دانشجویان از شرکت در جنگ.
 - ممنوعیت هرگونه اخذ از دانش آموزان و دانشجویان برای کمک به جبهه ها.
 - قطع سهمیه ارگانهای سرکوب (سپاه و بسیج و غیره) برای دانشگاهها.
 - انحلال انجمن های اسلامی، ایسسن کانون های پلیسی و جاسوسی در مدارس و دانشگاهها.
 - لغو نظام گزینش و هرگونه مصاحبه یا شرط ایدئولوژیک و سیاسی در ورود به دانشگاهها و مدارس.
 - لغو هرگونه محدودیت و تبعیض جنسی برای تحصیلات عالی.
 - لغو هرگونه تبعیض و تحمیل آموزشی بر اقلیت های مذهبی.
 - آزادی آموزش به زبان مادری برای ملیت های گوناگون ساکن کشور.
 - آموزش رایگان، تامین کتب و وسایل تحصیلی، و ممنوعیت هرگونه اخذ از خانواده های دانش آموزان و دانشجویان.
 - تبدیل انجمن های خانه و مدرسه به کانون نظارت و مداخله دمکراتیک والدین در آموزش فرزندان خود، با حق شعوبی معلمین نامطلوب.
 - مبارزه حول شعار محوری جدائی دین از نظام آموزشی، بدون مبارزه برای جدائی دین از دستگاه دولتی به شمرنی رسویدست آمدن این مطالبات در گروسرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است.

بی توجهی حاشیه نشینان

یا بی توجهی رژیم اسلامی به زندگی حاشیه نشینان؟

در ۶ مرداد روزنامه رسالت طی اطلاعیه ای، روابط عمومی راه آهن جمهوری اسلامی اعلام کرد که ۳ ماه اول سال جاری به علت بی توجهی حاشیه نشینان خطوط راه آهن به مقررات راه آهن ۱۲ تن مجروح و ۷ تن کشته شدند.

اطلاعیه تنها میزان مجروحین و کشته شده های سه ماه اول سال جاری را ذکر کرده است حال اگر چند سال گذشته را نیز به حساب آوریم تعداد کشته شدگان بسیار زیاد خواهد بود و اگر سن وسال آنها نیز مطرح شود مشخص خواهد شد که اکثر خردسالانی هستند که به علت فقدان مکان برای بازی و نبود حصارهای حفاظتی در خطوط راه آهن قربانی میشوند مسئول این قربانیان چه کسانی هستند.

آیا علت این فجایع بی توجهی کودکان خردسال است که تنها مکان بازی شان و تفریحگاهشان ریلها هستند یا جمهوری اسلامی که حاضر نیست برای کشیدن حصارهای حفاظتی اقدام کرده و جان کودکان را نجات دهد. همه می دانند که آن چیزی که برای این رژیم جنایتکار اهمیت ندارد جان مردم است. وقتی کودکان را از کلاس های درس بیرون می کشند و به جبهه های خون و آتش می فرستند معلوم هست که دیگر حصارهایشان معنی نخواهد داشت و هر سال نیز با افتخار لیست بلندبالای از جنایت خود را مبنی بر کشته شدن کودکان در خطوط راه آهن، در روزنامه ها اعلام خواهد داشت.

"تا آنجا که دین اقتضا میکند و ضرورت نظام است"

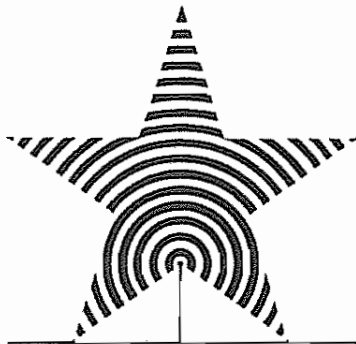
سرجا سوس اسلامی، محمدی ری شهری طی یک سخنرانی در گردهمایی مسئولین حفاظت اطلاعات نیروهای انتظامی اعلام نمود: "سیستم های اطلاعاتی دنیا از کثیف ترین، موزیانترین، خطرناک ترین و ردیابانه ترین راهها کسب اطلاعات می کنند و این روش مکتبی است که هدف مطلق، وسیله و االقسا کند؛ ولی اسلام می گوید تا آنجا که دین اقتضا می کند و ضرورت نظام است".

ترجمه فرمایش آقای ری شهری به زبان آدمیزاد چنین می شود که: سیستم های اطلاعاتی دنیا تا جایی که هدف وسیله را توجیه می کند از کثیف ترین، موزیانترین، خطرناک ترین و ردیابانه ترین راهها کسب اطلاعات می کنند؛ حال آنکه "اسلام" می گوید تا آنجا که دین اقتضا می کند و ضرورت نظام است " باید از کثیف ترین، موزیانترین، خطرناکترین و ردیابانه ترین راهها کسب اطلاعات کرد.

حاک سفید: مبارزه توده ها علیه تخریب خانه ها

سه سال است که زمسدار ریکی از محلات حاک سفید برای بازیگری گرفتن زمینهایی که توسط مردم مسافره شده بود، دست به اقداماتی زده است. این شخص که کودری نام دارد تهدید کرده بود که اگر ثابت هر متر مربع مبلغ ده هزار تومان دریافت نکند، زدا دگا حکم تحریک منازل را خواهد گرفت. طی سه سال کشمکش، دادگاههای در تاریخ ۶۶/۵/۱ تشکیل گردید و حکم تحریک به سرمانه دار مذکور داده شد. روز سوم سردار از طرف پلیس قضائی، اوباشا ریکی و ساها با سداران وعده ای دیگر، برای تحریک منازل به محله آمدند. مردم سزارمانه مقابله شده بودند، مقاومت و آمادگی مردم باعث گردید که مزدوران رژیم دست به عقب نشینی زنند، مردم با شاعران و سرتاب سنگ نسوی ما موران، آسان را وادار به عقب نشینی نمودند. مردم بی گفتند سرویدگم نبود، شما مزدوران سرمانه داران هستید، اگر از طبقه محروم دفاع می کنید، چرا حکم تحریک آورده اند؟ در این جنس سرمانه دار مذکور به مردم بسنشا دکرده هر متر مربع پنج هزار تومان پرداخت شود، ولی مردم موافقت نکردند. سرانجام بس از صحبت نعدادی از معتمدین محل، کودری را وادار کردید که با ست هر متر مربع، دوهزار تومان دریافت کند. مردم بی گفتند اگر کودری نپذیرد، هرکاری از دستش برمی آید، نکند، ما سا خون دل خائسه و کائا نه سا ختا بسوبه هر قسمتی که ندهد آنرا سا خت و سدان حفظ خواهیم کرد.

چندویتنام به پا کنیم! "چه گوارا"



صدای کارگر
راه پوی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

بسیست سال پیش در ۱۶ مهرماه ۱۳۴۶ (۸ اکتبر ۱۹۶۷)، انقلابی بزرگ، انترنا سیونالیست کیبررفیق ارنشو چه گوارا، به ضرب گلوله های مزدوران امیریا لیسیم در جنگلهای بولیوی به خاک افتاد. کمونیست دلاوری که پس از یاری رساندن به انجام انقلاب سوسیالیستی در کوبا، قصد کمک به مبارز انقلابیون آمریکای لاتین را کرده بود، در حین انجام وظیفه انترنا سیونالیستی خود، سه چنگ دشمنان دمکراسی و سوسیالیسم افتاد و به شیوه بی رحمانه ای زجرکش شد. ما ما اینهمه برای آنکه بسخند پیروزی را از چهره ناداب "چه" نزد اید کفایت نکند. او شهیدشده ما مغلوب نشد. کار او را سایرین ادامه دادند و امروز آمریکای لاتین با انقلاب نیگرا را گوشه، سال انقلاب در سالوادور، شیلی و... به "چه" و آرمان او را گرامی میدارد. زندگی کوتاه چه گوارا را از یاد دوری است از آرمان یک انقلابی کمونیست: در آرزو آنتین به دشمن آمد، در کوبا انقلاب را رهبری کرد، در حین سالزماندهی انقلاب در بولیوی به تاریخ پیوست و در تمام این مدت از تبلیغ و کمک به انقلاب ویتنام لحظه ای باز نماند. چه گوارا با حیات انقلابی خود این کلام ما بنفست را معنا کرد: کارگران میهن ندارند!

در صفحات داخلی

علیه رفرمیسم:

در نقد نظرات «اکثریت»

- بخش هفتم: رهبری اکثریت و بحران داخلی
- با یک دست دو هندوانه نمی توان برداشت!
- فقها در مبارزه با "بدحجابی" چنین می فرمایند
- خلق ایران رفیق نبوشا فرهی را فراموش نخواهد کرد!

تذکر:

به علت کمبودها، متاسفانه مطالب زیر که عاوس آنها در راه کارگر شماره ۴۲ چاپ شده بود مسرستند. ما طلب سورش از خواستگاران عزیز در این شماره چاپ آنها مبادرت می شود:

- "تا آنجا که دین اقتضا میکند و ضرورت نظام است!"
- بخت آزمائی اسلامی
- پیدا کنید آزادیهای سیاسی را!
- بی توجهی حاشیه نشینان بی توجهی رژیم اسلامی به زندگی حاشیه نشینان!

کمک های مالی و سهای نشریات را به حساب زیر واریز کرده و رسیدمانکی آن را به آدرس نشریه در فرانس ارسال کنید.

**CREDIT LYONNAIS
MERCURE 808
CPT.43956^R HASSAN
PARIS - FRANCE**

آدرس در خارج از کشور

فرانسه

**ALIZADI, BP195
75564 PARIS-Cedex12
France**

آلمان

**Postfach 650226
1 BERLIN 65
w. Germany**

برای تماس با سازمان (خارج کشور)،
با شماره تلفن ۲۱۶۹۶۱۳ - ۳۰ - ۴۹
در برلین غربی تماس بگیرید. بدلیل
کنترل مکالمات تلفنی با خارج از کشور توسط
رژیم اسلامی، مطلقاً صحبت هیچ فریبی
از داخل کشور با این شماره تلفن تماس
گرفته نشود.

- ★ صدای کارگر هر شب از ساعت ۹ صبح موج کوتاه ردیف ۷۵ متر برابری ۴ مگا هرتز پخش می گردد.
- ★ برنامه هر شب، ساعت ۶ و ۳ دقیقه صبح روز بعد تکرار می گردد.
- ★ برنامه ویژه روزهای جمعه از ساعت ۱۰ صبح پخش می شود.
- ★ ساعت و طول موج صدای کارگر را به خاطر بسپارید؛ ساعات پخش و طول موج صدای کارگر را به هر وسیله ممکن به اطلاع کارگران و زحماتشان برسانید و آنان را به شنیدن صدای کارگر دعوت نمایید!

تذکر در مورد ارسال نامه ها به نشریه از داخل ایران

نامه هایی که از داخل ایران مستقیماً به آدرس های علیی "راه کارگر" در خارج از کشور ارسال شوند، توسط بست رژیم ضبط می گردند. برای تماس با راه کارگر، نامه ها و گزارشات خود را به آدرس دوست با آشنائی در خارج از کشور بپست کنید و از او بخواهید آنها را به یکی از آدرسهای نشریه در خارج از کشور بپست کند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران!